

دوماهه

سال سوم، شماره چهارم، رمضان المبارک-شوال١٤٣٧هـ ق، سرطان-اسد ١٣٩٥هـ ش

عفواً یا رسول الله
صلی الله علیه وسلم



جهاد منحیث یک عبادت متداوم

یوه د تأمل وړ نقطه... !

تکرار حماقت!

هلمند را بهتر بشناسیم!



حملات تازه امریکا
کدام چیز نو نیست؟!



عطاء محمد نور ، پالیسی سه جانبه یا سیاست منافقانه

شلاق هموطنان آزادمنش بر تن جاسوس و چاپلوس امریکا

مصاحبه اختصاصی با (شهید) قاری غلام رسول تقبله الله







دو ماهه

علمی فرهنگی جهادی

سال سوم، شمارۀ چهارم، رمضان المبارک- شوال المکرم ۱۴۳۷هـ ق، سرطان-اسد ۱۳۹۵هـ ش، جون- جولایی۲۰۱۶م

آنچه در این شماره میخوانید:

◆صاحب امتیاز :

کمیسیون امور فرهنگی

امارت اسلامی افغانستان

◆مدیر مسؤل:

❖احمد تنویر

◆معاون :

❖عبدالله شهید

◆هیئت تحریر:

❖حسن مبشر ❖ جمال زرنجی

❖سعید بدخشانی ❖ سید سعید

❖سعادت کامران ❖ سمیع الله زرمتی

◆دیزاین :

❖زلمی افغان

تماس:

Haqiqat_mag@yahoo.com





یادآوری:

مجله در ویرایش و تصحیح مطالب نویسنده‌گان دست باز دارد.

مطالب نشر شده در «حقیقت» انعکاس دهندۀ آراء و نظریات نویسنده آن میباشد. ادارۀ مجله بدون سرمقاله مسؤلیت هیچ مطلب دیگر را بدوش نمیگرد.

سرمقاله

تکرار حماقت...!

با اینکه ملت های دنیا از نتیجهٔ جنگ افغانستان توسط ایالات متحده امریکا و هم پیمانان آن خسته شده و به ستوه آمده اند و در اکثر نظر سنجی ها بیشتر آمارها، طرفدار ادامهٔ جنگ و خشونت نبوده و از روند جنگی امریکا و سائر کشورهای جنگ طلب و خشونت گرا پیروی نمی کنند؛ اما سران امریکا و ناتو در نشست وارسا در لهستان یکبار دیگر حماقت خودشان را به تکرار گرفتند و سیاست شکست خوردهٔ شان را در قبال جنگ افغانستان اعلان کردند و با وجود آنکه از فضای نشست وارسا کاملا معلوم بود که این تصمیم یک تصمیم از سر شوق و رغبت نبوده بلکه از سر مجبوری و لجاجت است؛ و اعضای نشست کاملا از تیم ادارهٔ فاسد کابل ناراضی بوده و در سخنان و بیانیه های شان باربار منت و احسان خود را به رخ رهبران ادارهٔ کابل می کشیدند که ما بطور مشروط کمک کرده و می کنیم و اگر بساط فساد از نهادهای مختلف ادارهٔ کابل برچیده نشود چه بسا همین وعده ها که داده شده نیز هرگز تحقق نیابند؛ و با وجود آنکه می دانند ادارهٔ کابل خیلی بی کفایت تر از آن است که توان مبارزه با فساد گستردهٔ اداری را داشته باشد؛ ولی بازهم بنا به اصرار اشرف غنی و عبدالله و همینطور وعد و وعیدهای امریکا تن به تکرار ذلت و رسوایی بیشتر خود و ادارهٔ دست نشاندهٔ شان دادند.

آنچه در نشست وارسا وعده شد که تا سال 2020 ادارهٔ کابل از حمایت های مالی کشورهای عضو اتحادیه پیمان انتلانتیک شمالی ناتو برخور دار خواهد بود و آنچه که اعضای ناتو راجع به مسائل افغانستان بیان داشتند؛ و همینطور افزایش اختیارات نظامی نیروهای امریکایی و ابقای 8400 سرباز این کشور در افغانستان، این موارد در روند اشغال افغانستان چیز تازه گفته نمی شوند و بلکه از بدو تهاجم اشغالگران اداره های به وجود آمده در کابل تحت حمایهٔ قشون تا دندان مسلح خارجی و شبکه های مافیایی مالی آنها بوده و اصل تصمیم دشمنان بر کسی پوشیده نیست که آنها نمی خواهند در سطح دنیا یک نظام مستقل اسلامی را شاهد باشند و از مواضع به حق، جهاد مقدس مجاهدین و اهداف و آمال امارت اسلامی کم و بیش آشنا بوده و بیشتر از آنکه حوصله کنند و راجع به پالیسی مجاهدین، تحقیق و تفحص نمایند؛ به چرندیات و لاف و پوف های غلام های دست نشاندهٔ خویش و مشاوران زرخرید و تبلیغات رسانه ای خود گوش می دهند؛ و گرنه جفایی که امروز جهان کفر به نام حمایت از بشریت و ادعای دروغین مبارزه با تروریزیم در افغانستان و بعضی کشورهای منطقه انجام می دهند به مراتب وحشتناک تر از آن چیزی است که تاریخ نظیرش را در حافظه داشته باشد و آنچه که امروز جنایتکاران بین المللی بالای ملت های مظلوم مسلمان بالخصوص افغانستان وضع می کنند هرگز به قصد خیرخواهی، آبادی و عمرانی و بهبود وضعیت معیشتی و امنیتی نبوده بلکه صرفا امیال شیطانی چهار تن غلام اجیر خویش را پوره کرده و منافع کوتاه مدت و درازمدت خود را مدنظر دارند.

نشست وارسا نشان داد که جامعهٔ جهانی در گرو سیاست های دیکتاتورانه و غلط یک کشور است و هرچه امریکا بگوید دیگران نیز به تبعیت از آن سخن گفته و عمل می کنند و متاسفانه کسی صدای مظلومیت افغان ها را گوش نداده و تا اکنون به خواستهٔ عمیق ملت آزاده، مومن و باغیرت افغان پی نبرده اند؛ افغان ها ملتی اند که عزت شان در پولهای هنگفت خیراتی دیگران و یا ساختن چند پلچک و برجک، جاده و سرک تامین نمی شود بلکه عزت شان در اسلام، حریت، استقلال و ثبات حفظ می شود؛ افغان ها گدای پولهای دیگران طوریکه امروز یکعده وطنفروش به اسم شان با دنیا تجارت و معامله می کنند نیستند؛ بلکه افغان ها می خواهند حیثیت و شرف شان را حفظ کنند و به همین خاطر با هرگونه اشغال و تجاوز کشورهای بیگانه به هر اسم و نیت که باشد حساس بوده و مخالف اند و تا زمانیکه استقلال و آزادی واقعی را به دست نیاورده باشند آرام و قرار نداشته و دست از مبارزه و قیام نمی کشند؛ سران ناتو در نشست وارسا اگر واقعا خیرخواه افغانستان بودند به جای شنیدن دروغ های چند ضمیرفروخته و حمایت کورکورانه از آنها، به صدای آزادی خواهی و مظلومیت افغان ها گوش فرا داده و به جای کوبیدن بر طبل فرسودهٔ جنگ و تکرار حماقت های گذشتهٔ شان، افغانستان را به افغان ها سپرده و خاک سلحشوران را ترک گویند و اگر هم ترک نکنند خیالی نیست چون به حول و قوهٔ الهی دیری نخواهد گذشت که بدتر از گذشته با شکست های سخت و سنگین مواجه شده و آیندهٔ شان در افغانستان تیره وتار خواهد گردید.

ان شاء الله تعالی

جهاد منحیث یک عبادت متداوم

به قلم: موسی مهاجر

اهداف جهاد؛ که کلمۀ الله تعالی را بلند سازد مقدسات مسلمانان را حفظ کند، مردم را از تاریکی به روشنی برکشاند، زمین های مسلمانان را از اشغال ازاد کند، بر زمین الله قانون الهی نافذ کند و حفاظت دین را کند این تقاضا می کند که جهاد یک عبادت متداوم شود.

طبق ارادۀ الله تعالی بر روئ زمین در قبال حزب الله، حزب شیطان وجود دارد، در پهلوی حق باطل وجود دارد و هواداران حق و باطل بر روی زمین ساکن است، اسلام و کفر موجود است تا زمانی که مسلمانان در زمین باشند همچون که می باشند و تا وقتی که کافران وجود داشته باشند همینطور که موجود خواهند بود درمیان آنها جنگ خواهد بود چرا که طبیعت اسلام و کفر فرق دارد، اسلام مردم را از تاریکی به روشنی اخراج می کند و به این تاکید می کند که انسانان از عبادت غیر الله آزاد و به عبادت الله یگانه آورده شود؛ اما کفر می خواهد انسانها در تاریکی بمانند بلکه به این تاکید می ورزد که آنها را از روشنی به تاریکی سوق دهند و بجای عبادت الله تعالی عبادت معبودین متعدد را اختیار کنند.



اسلام یک دین جهانی است و این تقاضای ابدیت جهاد را می کند چرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم برای همه بشریت فرستاده شده که از روی همین به همه مردم واجب است که در دین مقدس اسلام داخل شود و به مسلمانان لازم است که اسلام را به سراسر جهان برسانند، حتی اگر کسی در سطح قمر، مریخ، زهره و ... زندگی می کند و آنجا رفتن ممکن باشد به مسلمانان واجب است که این دین به آنها برسانند چنانچه که حضرت خالد رضی الله عنه به نصارای قنسرین گفت: "لوكنتم في السحاب لحملنا الله اليكم او لأنزلكم الينا" یعنی: اگر شما در ابر می بودید پس الله مارا به شما بلند می کرد و یا شما را به ما پائین می کرد و تا آن وقت ضد آنها نبرد را ادامه داد که شهر قنسرین را تصرف کرد.

اگر کسی بگوید که دین به وسیلۀ دعوت به هر گوشۀ جهان رسانده می شود پس ما برایش می گوئیم اینکه طبیعت اسلام و کفر مخالف است پس از روی همین ما در رویدادهای تاریخی می بینیم که کافران واعظین را اجازه نداده است که مردم را به پیروی دین و به عبادت الله دعوت کنند مانند که دیده می شود که از دعوت انبیاء علیهم السلام و رسول الله صلی الله علیه وسلم جلو گیری شده است پس واضح است که راه رساندن دین جهاد است.

کافران از روی کفر با اسلام دشمنی دارند پس تازمانی که کفر باشد تا آن وقت در کافران دشمنی با اسلام می باشد و تا زمانی که در آنها این دشمنی باشد تا آن وقت آنها به مسلمانان و به خاک آنها تجاوز می کنند و جلوی این تجاوز فقط با جهاد گرفته می شود.

صحابه کرام رضی الله عنهم تابعین و تبع تابعین یک روز جهاد را متوقف نکرده اند تا اینکه از روی جهاد الله تعالی امت مسلمه را فتوحات، عزت و سربلندی نصیب کرد.

فقهاء کرام می فرمایند:

بر امیر مسلمانان واجب است که در طول سال یک بار جهاد کند و اگر ضرورت می باشد بیشتر از یک بار به او جهاد واجب است و از روز مشروعیت جهاد تا روز قیامت سالی نیست که در آن جهاد نشده باشد و یا نشود و همین بر تداوم جهاد دلالت می کند.

تداوم جهاد یک ضرورت مسلمانان است چرا هر وقت که آنها از بلند کردن بیرق جهاد برگشته الله تعالی بر آنها ذلت مسلط کرده است و اگر ما ببینیم هر زمانی که یک قوم از جهاد روی گردانیده الله تعالی آنها را ذلیل کرده است.

نبی علیه السلام این تصور را از بین برده است که جهاد تا یک زمانهٔ مخصوص موقف شود بلکه در احادیث خود دوام جهاد را ثابت کرده است نبی علیه السلام فرموده: "لا تزال من أمتی أمة یقاتلون حتی تقوم الساعة" در حدیث دیگر می یاید: "لا تزال طائفة من أمتي يقاتلون على الحق"، در حدیث دیگر آمده است: "الجهاد ماض منذ بعثني الله تعالى الى أن يقاتل آخر عصابة من أمتي الدجال" اینطور احادیث زیاد آمده است که تداوم جهاد را ثابت می کند.

الله تعالی می فرماید: "و قاتلوهم حتی لا تکون فتنة و یکون الدین کله لله" و از این آیه شریفه ثابت می شود که جهاد یک عبادت مداوم است که تا زمان مخصوص و جای مخصوص معلق نیست چرا که در آیت کریمه از لفظ فتنة مراد کفر است پس تا زمانی که کفر باشد تا آن وقت جهاد جاری خواهد بود علماء کرام می فرمایند: کفر تا اواخر زمانهٔ حضرت عیسی علیه السلام پایان نمی یابد آن وقت که جزیه رد شود، صلیب شکسته شود، خنزیر کشته شود و غیر از اسلام چیزی قبول نشود.

"إن الله اشترى من المؤمنين أنفسهم وأموالهَم بأن لهم الجنة، يقاتلون في سبيل الله فيَقتُلون ويُقتَلون وعداً عليه حقاً في التوراة والإنجيل والقرآن، ومن أوْفى بعهده من الله، فاستبشروا ببيْعكم الذي بايعتم به، وذلك هو الفوز العظيم" (التوبة: ۱۱۱)

این یک شراء همیشگی است که اتمام یافته است که نه ندامت داردت و نه فسخ کردن سودا بر جنت شده که فروشنده اش الله تعالی است و مشتریانش مومنان است که بر جان و مال خود هر وقت با کافران جنگ کرده و جنت را خریده است این شراء در کتاب های سماوی دیگر هم ثبت شده و قرآنکریم هم بر آن ناطق است پس تا زمانی که قرآنکریم وجود داشته باشد این شراء باقی خواهد ماند چنانچه که الله تعالی وعدهٔ حفاظت قرآن را کرده است پس این بیع همینطور محفوظ می ماند.

اینکه جهاد یک عبادت مداوم است لهذا مسلمانان هر زمان برایش به لحاظ فکری آماده است و آنها هیچوقت از این عبادت عظیم احساس ماندگی نمی کندبلکه جزء مهم زندگی شان می دانند چرا که زندگی مسلمانان با جهاد بسته است از این جهت که جهاد برای نشر و توسعهٔ اسلام برای سربلندی آزادی، پیروزی و پیشرفت مسلمانان و برای زنده ماندن آنها و برای حق زندگی کردنی آنها یگانه وسیله است.

الله تعالی همیشه این نعمت بزرگ به آن اقوام هدیه می کندکه به اهمیت آن می فهمد از او روی گردانی نمی کند و به وجه خوب این عبادت را ادا می نماید یکی از این اقوام افغان ها است که الله تعالی به دادن توفیق جهاد بر آنها احسان بزرگ کرده و آنها شکرانهٔ این احسان الله تعالی را ادا کرده اند هیچوقت بر مبازره ای آنها قوت دشمن و طولانی شدن جنگ تاثیر نکرده بلکه در هر گونه نبرد فرعونیان و طاغوتیان را شکست داده و آنها را نابود کرده اند، مبارزهٔ مقدس آنها همیشه سبب سربلندی اسلام و مسلمانان گشته و سبب ذلت و رسوایی کافران گشته است.

افغان ها از ۳۵سال بدینسو اول با اتحاد شوروی؛ پس با مفسدین و از یک ونیم دهه با امریکایی ها و اروپایی ها به جهاد مصروف اند، قوت فریب و مکر آنها داعیهٔ افغان ها را تضعیف نکرد بلکه دوام اشغال هر روز در بین آنها جذبهٔ ایثار و فداکاری جدید پیدا کرده قوت آنها را افزایش داده و هنوز آنها را به رسیدن به آرمان های خود متعهد کرده است.

اگرچه جهاد بر ضد امریکا و غرب به یک ونیم دهه رسید اما این جهاد اگر هر چقدر طولانی تر شود حسب وعدهٔ الله تعالی نصرت و پیروزی از مسلمانان است و ان شاء الله دوام جنگ سبب تجزیهٔ امریکا و نابود شدن ناتو خواهد شد.


محمود احمد نوید

حملات تازۀ امریکا

کدام چیز نو نیست!؟

حملات هوایی امریکا و جنایات زمینی عساکر وحشی صفت این کشور متجاوز در خاک افغانستان چیزی نو نیست که بعضی رسانه ها چنان مانور می دهند که گویا پس از افزایش اختیارات سربازان امریکایی در افغانستان به دستور اخیر اوباما، حملات امریکایی زیاد شده و گویا تا قبل از این دستور، امریکایی ها بعد از سال 2014 م نقش حمایتی و آموزشی از نیروهای اجیر افغانی را داشته و دست به کدام حملات نزده اند؛ در حالیکه این یک مانور سیاسی و تبلیغاتی بیش نبوده و امریکا در طول 15 سال اشغال خاک عزیز افغانستان همواره از تمام قوانین حربی سرپیچی کرده و چنان جنایاتی با حملات وحشیانۀ خود انجام داده که تاریخ نظیرش را کم دیده است.

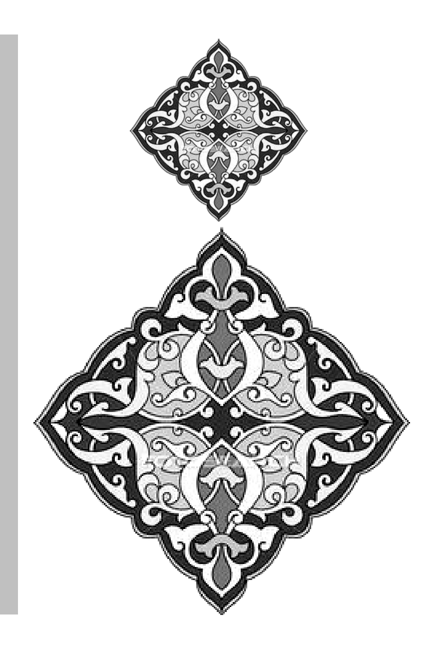
هدف امریکا از تبلیغ این مفکورۀ غلط که گویا امریکایی ها حملات خویش علیه طالبان را از سرگرفته جز انحراف افکار عامه نیست؛ چون امریکا در یکی دوسال اخیر مثل سال های ابتداء، همچنان بر حملات خود در نقاط مختلف افغانستان ادامه داده است؛ ولی ظاهرا مقررات جعلی و دروغین که بعد از سال 2014 وضع کرده بودند کمی برای شان علنی کردن حملات جنایت آفرین شان مشکل می نمود؛ خواستند با این دستور دروغین اوباما این مقررات را برداشته و آزادانه تر و علنی تر جنایات های خود را بر سر ملت مظلوم و غریب افغانستان طرح و اجراء نمایند؛ و مهم ترین چیزی هم که باعث این کار شد، ضعف شدید نیروهای اجیر افغانی اش بود که می دید چگونه با آنهمه هزینه و مصرفی که برای شان شده در مقابل مجاهدین ضعیف عمل کرده و یکی یکی مناطق دست داشتۀ خویش را با شکست های پر تلفات ترک کرده و پا به فرار می گذارند، و در میدان جنگ هرگز حریف طالبان شده نمی توانند.

امریکا با این کارش یکبار دیگر نشان داد که همچنان بر طبل ستمگری می کوبد و حاضر نیست صدای مظلومیت افغان ها را بشنود؛ حاضر نیست که بپذیرد جنگ افغانستان به سود افغان ها نه بلکه به نفع امریکایی ها و در راستای منافع امریکاست، جنگ افغانستان باعث بی خانمان شدن مظلوم ترین ملت دنیا یعنی افغان های مظلوم شده و امریکا که خود را مدعی دروغین حقوق بشر و ملت های بی بضاعت دنیا معرفی می کند یک دروغگوی بیش نبوده و جز ستمگری، فرعون صفتی و طغیانگری هیچ کار دیگری بلد نیست؛ اما امریکا هر چند که با این سیاست شکست خورده اش وارد میدان های نبرد افغانستان شود؛ جز روسیاهی، شکست، نکبت و ذلت برای خودش چیزی دیگری عایدش نشده و نمی شود؛ شاید افغان های مظلوم در جنگ تحمیلی امریکایی ها دچار نقصانات زیادی شوند؛ اما ملت مسلمان افغانستان به این باور است که امریکا هم هرگز خواب راحت نخواهد داشت و ان شاء الله هیچ وقت به اهداف شوم خود در افغانستان دست نخواهد یافت؛ گرچه چند صباحی چند اجیر بله گویان آن هم نه بخاطر امریکا و منافعش بلکه به خاطر دالرهایش در مقابل امریکا سرخم کنند؛ ولی بدون شک آن افغان های مزدور هم مثل باداران امریکایی خود دیر یا زود در افغانستان دفن خواهند شد و جز ذلت چیزی نصیب شان نخواهد گردید.

و مطمئنا سلسلۀ حملات امریکا کدام چیز نو نبوده و نیست؛ اما حملات برق آسا و حماسه آفرین مجاهدین الحمدلله ثم الحمدلله با روشها و شیوه های منظم تاکتیکی و بسیار پیشرفته بر امریکایی ها و اجیران خود فروختۀ شان حتما بسیار نو معلوم خواهند شد؛ و آن دشمنان بزدل را در نبردهای آتی به حول و قوه الهی سخت سراسیمه و پریشان خواهند ساخت؛ و صد البته که مجاهدین برای اسلام، عزت، استقلال و آزادی سرزمین شان از هیچ تهدید و ترعیب امریکایی ها خوف و هراسی نداشته، بلکه لله الحمد با مورال بسیار قوی و روحیۀ سرشار از غیرت و ایمان، برای هرگونه جانبازی و فداکاری بخاطر دین الله با جان و دل حاضر و آماده اند و مثلیکه در طول این مدت تسلیم امریکایی ها نشده و همواره با پیروزی های کفرشکن خود دمار از روزگار متجاوزین در آورده درآینده نیز چنین خواهند بود.

ان شاء الله تعالی

اسلام تکس



فریب خورده گان تمدن غرب !

بیستمین سالگرد جنگ ویرانگر صرب ها با مسلمانان بوسنی. .....۳۰۰ هزار مسلمان در آن کشته شد... ۶۰ هزار زن و کودک به اسارت ومورد تعرض قرار گرفت.... جنگی که یک و نیم میلیون آواره بر جا گذاشت....

آیا آن را به خاطر داریم؟ یا آن را فراموش کرده ایم؟؟

یا اینکه اصلا از آن چیزی نمی دانی؟؟!!

- خبرنگار سی ان ان از کشتار بوسنی می گوید، و از (کریستیانا امانپور) گزارشگر معروف می پرسد:

- آیا تاریخ تکرار می شود؟

- کریستیانا امانپور از سی ان ان درمورد سالگرد فاجعه بوسنی چنین تحلیل می کند: جنگ ویرانگری بود، مسلمانان کشته می شدند ودر محاصره بودند وگرسنه نگاه داشته شده بودند، واروپا دخالت نمی کرد و می گفت: جنگ داخلی است، اما این سخن مزخرفی بود. ..!

- این هولوکاست حدود ۴ سال ادامه یافت، صرب ها بیش از ۸۰۰ مسجد را تخریب کردند، که بعضی در قرن شانزده میلادی ساخته شده بود. .. و کتابخانه تاریخی سارایوو را آتش زدند....

- سازمان ملل متحد دخالت کرد و بر ورودی شهرهای اسلامی همچون غوراجده، وسربرنیتسا وزیبا نگهبان گذاشت، اما همچنان این شهرها تحت محاصره وآتش قرار داشتند....

و حمایت سازمان ملل کاری از پیش نبرد...

- صرب ها هزاران نفر از مسلمانان را در اردوگاهها زندانی کرده و آنان را شکنجه نموده وگرسنه نگه داشتند تا اینکه به اسکلت های بزرگ می ماندند....!

و وقتی از یک فرمانده صرب پرسیدند که چرا چنین می کنید؟ گفت: آنان گوشت خوک نمی خورند!

- روزنامه گاردین روزهای فاجعه بار بوسنی را در یک صفحه کامل ترسیم کرد، دراین نقشه اماکن تجاوز به زنان مسلمان مشخص است، ۱۷ اردوگاه بزرگ که بعضی در خود صربستان قرار داشت. ..

- صرب ها به کودکان تجاوز کردند...دختر چهار ساله ای که خون از میان پاهایش می ریزد. ...

گاردین در باره آن گزارشی با این عنوان منتشر کرد: کودکی که گناهش این است که مسلمان است.....

- ملادیچ خونخوار فرمانده مسلمانان را به شهر زیبا به جلسه ای فراخواند.... و به او سیگاری داد و کمی با او خندید سپس ناگهان به او حمله کرد واو را سربرید... و جنایت های زیادی علیه زیبا واهالی آن روا داشتند...

اما معروف ترین جنایت محاصره سربرنیتسا بود، سربازان بین المللی (صلیبی ها) شب ها با صرب ها بیدار بودند و می رقصیدند ودر مقابل یک لقمه نان به عفت زنان مسلمان تجاوز می کردند...

- صرب ها سربرنیتسا را دو سال محاصره کردند.. یک لحظه بمباران متوقف نشد، صرب ها بخش بزرگی از کمک هایی که به شهر می رسید را می گرفتند....

سپس غرب تصمیم گرفت آن را به گرگ ها بسپارد: گردان هلندی که قرار بود از سربرنیتسا حمایت کند اما با صرب ها توطئه کرد، مسلمانان را تحت فشار قرار دادند تا سلاح های خود را تحویل دهند و در مقابل به آنها تامین داده شود.....!

مسلمانان بعد از آن که شکنجه شده بودند و از پای در آمده بودند تسلیم شدند...

صرب ها بعد از آنکه مطمئن شدند، به سربرنیتسا حمله کردند، و مردان را از زنان جدا کردند، ۱۲۰۰۰ مرد (کودک و بزرگسال) را گرد آورده و همه را سربریدند وآنها را مثله کردند.....

- از شیوه های مثله کردن یکی این بود که صرب در کنار مرد مسلمان می ایستاد وتصویر صلیب ارتودوکسی را جلویش نصب می کرد (گزارش مجله نیوزویک او تایم).....

بعضی از مسلمانان از سربازان صرب خواهش می کردند که زودتر آنهارا بکشند تا کارشان تموم شود واز درد وشکنجه راحت شوند. ...! به زنان تجاوز می شد وبعضی در آتش سوزانده شدند. ....و بعضی ها به گوشه و کناره دنیا آواره شدند. ....

- کشتار چندین روز در سربرنیتسا ادامه داشت.... تاریخ سقوط آن آخر یولیو ۱۹۹۵ بود

وفصل آخر جنگ ویرانگری بود که برادران ما به گناه مسلمانی در آن نابود شدند....

- مادر دست سرباز صرب را می گرفت... واز او خواهش می کرد که جگر گوشه اش را سر نبرد اما سرباز بی رحمانه نخست دستش راقطع می کرد وسپس گردن کودک را پیش چشمان مادر از تنش جدا می کرد....! کشتار ادامه داشت.... ما می دیدیم و می شنیدیم و می خوردیم وسرگرم بودیم. ....

- وبعد از کشتار سربرنیتسا..... قصاب رادوان کارادیچ وارد شهر شد واعلام کرد: سربرنیتسا همواره منطقه ای صربی بوده وهم اکنون به آغوش صرب ها باز گشته است...

- صرب ها به زن مسلمان تجاوز می کردند وسپس آن را ۹ ماه نگه می داشتند تا وضع حمل کند، چرا؟ یک صرب به روزنامه ای غربی می گوید : ما می خواهیم زنان مسلمان بچه صرب به دنیا بیاورند

- ما بوسنی و سارایوو و بانیالوکا وسربرنیتسا را به یاد می آوریم

و می گوییم و تکرار می کنیم: ما بالکان را فراموش نخواهیم کرد...غرناطه را فراموش نخواهیم کرد.... فلسطین را فراموش نخواهیم کرد....

- در بیستمین سالگرد جنایات اروپا وصرب ها در بوسنی می گوییم هرگز فراموش نمی کنیم، هرگز نمی بخشیم، وهرگز شعارهای همزیستی مسالمت امیز وحقوق بشر را باور نخواهیم کرد....

- در بحبوحه کشتار در بوسنی یک روزنامه فرانسوی نوشت: از اتفاقاتی که در بوسنی می افتد برای ما روشن می شود که فقط مسلمانها هستند که

از فرهنگی زیبا ومتمدنانه بهره مندند...

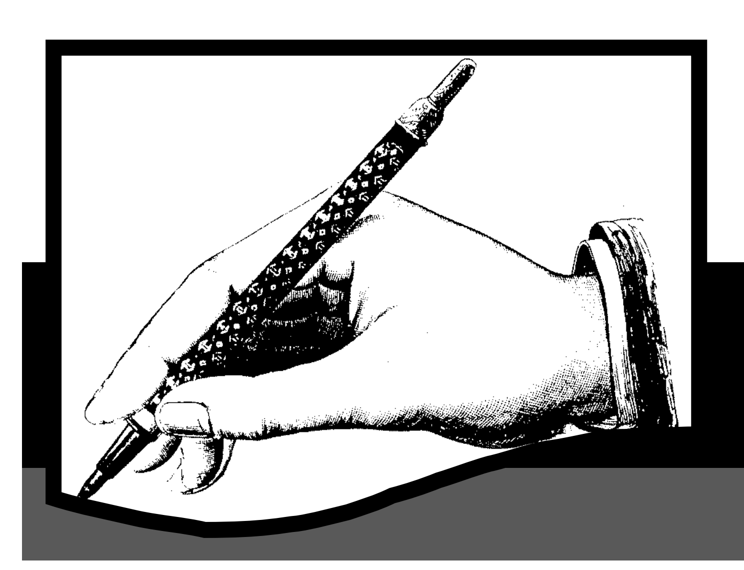
- واینجا باید مواضع دبیرکل وقت سازمان ملل آن پیرمرد ارتودکس را با قلم ننگ نوشت، که به صراحت درکنار برادران صربش ایستاد و از آنها حمایت کرد...

- اما بعد از بیست سال هنوز درس نیاموخته ایم...

باید اضافه کرد که: صرب ها برای کشتن علمای دین وایمه مساجد وفرهنگیان و تاجران را انتخاب می کردند، آنهارا دستگیر و زندانی می کردند سپس سرهایشان را می بریدند واجسادشان را در آب می انداختند....! صرب ها وارد هر شهری که می شدند نخست مسجد آن را منهدم می کردند ویکی از مسلمانان می گوید : وقتی صرب ها مسجد شهر را منهدم می کردند ما چاره ای جز ترک شهر نداشتیم، چون مسجد نماد همه چیز بود...!

به خاطر دارم که یکی از روزنامه های بریتانیا کشتار مسلمانان را بوسنی با این عبارت توصیف کرده بود: جنگی در قرن بیستم که به شیوه قرون وسطی انجام می شود.....!

حسبنا الله و نعم الوکیل.



یوه د تأمل وړ نقطه....

زخمي افغان

په بلخ کې یو ځل بیا حکومتي چارواکو هغه قصابان نیولي چې په دوی یې د خره غوښې خرڅولې. وړم کال هم په بلخ کې څو قصابان له هغه وروسته ونیول شول چې پوره شپږ میاشتې یې د بلخ د پولیسو د اکاډمۍ په عسکرو د خره غوښې خوړلې وې.

د بلخ چارواکي چې د خرو د غوښو قورمې او روشونه یې وهلي اوس یې مزاجونه خورا ټنډ دي، اشتهاوې یې بندي او هیڅ بې هیڅه کانګې ورځي. دوی وایي چې میاشتې میاشتې د خرو له غوښو تغذیه شوي دي.

خر که څه هم د خنځیر په شان نجس العین نه دی مګر بیا یې هم دسپي په شان غوښه مرداره ده، اما خر د نورو مردارو حیواناتو په منځ کې دا ویاړ لري چې غوښه یې د اسلام په لومړي دور کې پاکه بلل کېده، خو له هجرت وروسته د خیبر د غزا په مهال حرامه شوه.

خر له دې پرته چې غوښه یې مرداره ده بل کوم شرعي عیب نلري، خر له اهلي کیدو وروسته د انسانانو د تر ټولو فرمانبردار خادم په حیث پاته شوی دی،خر اوس هم د عاجزۍ او خدمت سمبول بلل کیږي، خر له هغو حیواناتو دی چې انسان ته یې هیڅ ضرر نه دی رسولی بلکې ټول ژوند یې د انسان ګټې او خدمت ته وقف دی.

د بلخ چارواکي او پولیس چې د اوسني حکومت د نورو چارواکو په شان یې معاشات د امریکا له نقدي ډالري مرستو څخه پوره کیږي. د حیرانۍ ځای دادی چې دوی د امریکایي ډالرو په اخیستلو، خوړلو اوعمدي مصرف باندې هیڅ د شرم او ګناه احساس نه کوي،اما که یې په خطایي او ناخبرۍ د خره غوښه خوړلې نو ځان ورته ګناهګار معلومیږي.

امریکایي ډالر چې اوباما یې د خپل هیواد د کفري اهدافو د لاسته راوړلو په خاطر خپلو تحت الحمایه حکومتونو ته ورکوي د مسلمان لپاره د خره څه بلکې د خنځیر تر غوښو هم ډیر مردار او خوړل یې په مراتبو درنه ګناه لري.

ځکه د خره غوښه خوړل یو حرام عمل او د انسان فردي ګناه ده چې اسلام، مسلمانانو او اسلامی امت ته یې کوم زیان نه رسیږي،د خره د غوښې د خوړلو له امله د کوم بل مسلمان حق نه تلف کیږي. اما د اوباما او امریکا نجس ډالر چې امریکایي کانګریس یې د خاصو کفري اهدافو د تحقق په مقصد بودیجه منظوروي او بیا د امریکا اجیرو حکومتونو ته د نامشروعو او ظالمانه شرایطو له مخې ورکول کیږي. دا هغه نجس العین معاشات دي چې په توسط یې اسلام او مسلمانان ځپل کیږي، د کفري اشغال مراندې ټینګیږي، اسلامي فکر محو کیږي، د کفري اډو ساتنه کیږي او دغسې نور کفري اهداف ټول د همدې ډالري مرستو او پیسو په واسطه تحقق مومي.

دا څو ورځې وړاندې چې د پولینډ په پلازمینه وارسا کې د ناټو سرمشریزه وه اوتر ۲۰۲۰ کاله یې د اشرف غني د رژیم د وسلوالو ځواکونو د اکمال ژمنه وکړه،آیا کله مو په دې فکر کړی چې د ناټو سازمان غړي د کوم هدف په خاطر د کابل له رژیم سره دغه مرستې کوي؟

معلومه خبره ده چې د غرب نظامونه ټول سیکولر او په دین نه ولاړ نظامونه دي چې مرستې یې د خدایي خیرات په مقصد نه شي بلل کیدای. د غرب دغه مرستې بشري مرستې هم نه دي بلکې د وسلو او جنګي ماشین د چلاو مرستې دي نوځکه یې لامل بشري عاطفه هم نه شي بلل کیدای. ښه نو بالاخره د کفري هیوادونو دغه کومک په کوم هدف دی؟

ددې پوښتنې ربښتینی ځواب به هغه مهال ترلاسه کړو چې کله د ناټو سازمان وجودي فلسفه راوسپړو. ناټو سازمان د شمالي اتلانتیک د هیوادونو لکه امریکا، کاناډا، برتانیا، فرانسې، جرمنې، ایټالیا،هالنډ،بلجیم، هسپانیا،ډنمارک او نورو لخوا د شلمې پیړۍ په نیمایي کې د شوروي اتحاد او وارسا کمونیستي پکت په وړاندې د یوه دفاعي سازمان په حیث رامنځته شو. اما په ۱۹۹۰ کال کې چې شوروي اتحاد او د وارسا تړون له منځه لاړ او ورسره د ناټو د شتون ضرورت هم ختم شو. کله چې د ناټو د هغه وخت له مشر نه وپوښتل شول چې اوس خو شوروي اتحاد له منځه تللی. د ناټو سازمان نور د کوم خطر سره د مقابلې لپاره پرځای پاته دی او بالاخره ددې سازمان د شتون د دوام هدف څه دی؟

د ناټو مشر په لنډو ځواب ورکړ چې که شوروي اتحاد له منځه لاړ مګر زموږ اصلي دښمن یعني اسلام او اسلامي امت لا هم پرځای دی،ناټو سازمان به له دې وروسته خپله ټوله توجه د اسلامي نړۍ خپلو او اسلامي فکر ختمولو ته متوجه کوي تر څو یې د کمونیزم غونډې له منځه یوسي.

له هغه وروسته ناټو او امریکا چې پخوا یې د مارشال پلان تر نامه لاندې له یوشمیر اروپایي او اسیایي هیوادونو سره په دې موخه مرستې کولې تر څو یې د کمونیستي بلاک له احتیاجه خلاصه او په دې توګه د کمونیزم له خطر څخه وساتي، د کمونیزم له شړیدلو وروسته یې ټول تمرکز د اسلامي فکر او ددوی په اصطلاح سیاسي اسلام په ختمولو راټول کړ.

که پخوا د ځینو اسلامي هیوادونو له طاغوتي رژیمونو او پوځونو سره د امریکا مرستې له کمونیزم سره د مبارزې په شرط مشروطې وې، د کمونیزم له نړیدو وروسته ناټو امریکا خپلو تحت الحمایه حکومتونو او پوځونو ته په دې شرط مرستې جاري وساتلې چې په خپلو هیوادونو کې به اسلامي فکر، اسلامي خوځښتونه، ټولنې او هر هغه حرکت چې د واقعي اسلام په نوم بیرغ پورته کوي له منځه وړي او سر جګولو ته به یې نه پریږدي.

همدا اوس که وګورو امریکا له خپلو لاسپوځو رژیمو سره د مرستې په مهال همیشه دا پوښتنه راپورته کوي چې څومره یې ددوی په خبره د ترهګرو په ځپلو کې اخلاص ښودلی،او د اسلام په خلاف د امریکا په نړیواله جګړه کې یې تر کومه حده ونډه اخیستې.

د کابل له رژیم سره د ناټو او امریکا مرستې هم کومې خیراتي او د تبرع کومکونه نه دي، بلکې په دې شرط مشروطې دي چې د اشرف غني د حکومت پوځیان، پولیس او اربکیان به د امریکایي پوځونو په نیابت له مجاهدینو سره جنګیږي،د امریکایي اډو ساتنه به کوي، د یرغل د ځواکونو لاسته راوړنو به ټینګه دفاع کوي. اشرف غني به د بشر د حقوقو تر نامه لاندې د ښځو د بې حجابۍ او اختلاط برنامې په قوت سره تعقیبوي او د بیان د ازادۍ تر نوم لاندې به د فکري او کلتوري یرغل لپاره د پخوا په نسبت ډیره زمینه برابروي.

نو په دې اساس ویلی شو چې د واکمن ګوډاګي رژیم دټولو لوړ رتبه او ټیټ رتبه ملکي او پوځي چارواکو معاشات چې د ناټو او امریکا له غرضي او مشروطو مرستو څخه پوره کیږي په شرعي لحاظ تر ټولو هغه خطرناک او نجس اموال دي چې مسلمانانو ته یې له بل هر نجس خوراک څخه ډیر زیان رسیږي.

نو د بلخ چارواکي چې د خره د غوښو په خوراک پښیمانه دي باید چې د هغو پیسو حرمت او نجسوالی هم درک کړي چې دوی ورباندې دغه غوښې رانیسي. دوی باید پوه شي چې تر هغو یې چې د امریکا له خدمت او ملګرتیا لاس نه وي اخیستی په دې لاره کې ترلاسه کړې هر پیسه ورته د خره تر غوښې ډیره او اشده حرامه ده.

بقیه صفحه (۱۲)

ـ موافقتنامه امنیتی با یک حکومت مزدور که توان دفاع منافع علیای افغانستان را ندارد ، بالوسیله یک حکومت پاراشوته شده امضاً شده است.

مقاومت با همین مدعیات به جنگ قوای خارجی میرود. درین جنگ مردم بیگناه از هردو طرف تلف میشود. آنگاه گمان نکنم تطبیق مجازات اعدام بر یک طرف و چشم پوشی از قصور جناح دیگر شرط انصاف باشد.

ازین گذشته به مشکل میتوان کسانی را که با مدعیات بالا به جنگ قوای خارجی میروند ، تروریست خطاب کرد ؟ و مهم تر ازان برای حفظ کرسی تحفه سفارت خارجی بالای شان حکم اعدام صادر نمود ؟

باید از تاریخ درس آموخت : آیا اعدام بیش از پنج هزار زندانی سیاسی توسط حزب دیموکراتیک خلق افغانستان توانست پایه های حکومت را استحکام بخشیده و نظام را از سقوط حتمی نجات دهد ؟

در افغانستان طی یک و نیم دهه جنگ ، ائتلاف نظامی بین المللی با استفاده افزاری از نام تروریزم جنایت های وحشتناکی را مرتکب شده است. درین جنایت ها حکومت های مزدور افغانی شریک قوای مهاجم بوده است. رسیدگی به اینهمه جنایت باید در سطح بین المللی در پایان جنگ در حضور متهمین داخلی و خارجی (مثلآ مستر بوش) مطرح شود. محکمه جزای بین المللی و در صورت لزوم تشکیل یک محکمه اختصاصی (ادهوک) میتواند الترنتیف های واره دار برای حل معضله باشد. تا آن دم برخورد مجرد به قضیه و بیرون کردن چند زندانی سیاسی از محبس توسط حکومتی که در فساد ریکارد قائم کرده است به قصد اعدام نشانه »جنون «، جُبن ، ضعف و سقوط اخلاق سیاسی حکومتی است که بیگانگان بر ما تحمیل کرده اند. »پایان«

فرانسه

۹ می ۲۰۱۶

دکتور محمد یاسر



اقتصاد و بانکداری اسلامی



قسمت

در این بخش ان شاء الله به تفصیل بخش پرداخت ها و یا Liability side می پردازیم، و وسایلی را مورد بحث قرار می دهیم که بانک های اسلامی با استفاده از آن پول جمع آوری می کنند.

بانک های اسلامی به شکل عموم پول را بر اساس مضاربه، وکاله، و قرض (و یا امانت) از نزد پرداخت کنندگان بدست میاورند. بیشترین پول بر اساس مضاربه بدست می آید که در آنصورت بانک اسلامی مفادی را که از تجارت بدست می آورد همراه با پرداخت کنندگان شریک می سازد. در صورت وکاله که خیلی کم در بانک ها مورد استفاده قرار میگیرد بانک پول را به نیابت از پرداخت کننده استثمار می کند و در صورت فایده و یا نقصان آنرا به پرداخت کننده تحویل می دهد و خود در بدل این خدمات اجورهء معینی را بدست می آورد. در صورت پرداخت بر اساس قرض و یا امانت بانک تنها مسئولیت نگهداشت این پول را دارد و در صورت استفاده نفع و نقصان آن به بانک راجع می گردد نه برای مشتری پرداخت کننده.

در ذیل به تفصیل این قراردادهایی که میان بانک و مشتریان به امضا می رسد می پردازیم:

مضاربه:

مضاربه عبارت از قرار داد سرمایه گذاری میان پرداخت کنندهء پول و اداره کنندهء آن میباشد که جهت بدست آوردن منافع که تناسب آن در ابتدا مورد اتفاق قرار می گیرد به امضا می رسد. تهیه کننده پول را »رب المال «و ادارهء کنندهء آنرا »مضارب «می نامند. مسئولیت رب المال تنها پرداخت پول می باشد اما مضارب مسئولیت دارد تا با استفاده از تجربه و امکاناتی که بدست دارد پول تهیه شده را مورد استفاده تجارتی قرار دهد و منافع بدست بیاورد.

در صورت بدست آمدن نفع، مضارب و رب المال آنرا مطابق به تناسبی که بر آن اتفاق صورت گرفته است توزیع می نمایند مگر در صورت نقصان و یا خساره رب المال متحمل همهء خساره می گردد مگر اینکه در جریان تجارت مضارب مرتکب کوتاهی، غفلت و یا مخالفت از قرار داد شده باشد که در آنصورت مضارب متحمل همهء خساره می گردد.

مضاربه به دو نوع می باشد: مضاربهء مطلق و مضاربه مقید. بر اساس مضاربهء مطلق، رب المال مضارب را دست باز برای تجارت می دهد که چنانچه وی مناسب و نفع بخش برای تجارت می پندارد عمل کند اما بر اساس مضاربهء مقید رب المال شروط و پابندی هایی را بر مضارب ایجاد می کند که وی نمیتواند آنرا تجاوز کند. مگر بر هر حال قیود وشروط آن چنان نباشد که مانع کار و تجارت مضارب گردد

در بانکهای اسلامی به شکل عموم پول های پرداختی را بر اساس مضاربهء مطلق می پذیرند، زیرا برای بانک خیلی مشکل است تا شروط و ضوابط هر مشتری را جداگانه بپذیرد و بر آن عمل کند.

ضمنا بانک های اسلامی در پهلوی مضاربه پول های بعضی از مشتریان خودرا بر اساس امانت و یا قرض می پذیرند که در آنصورت تادیه کنندگان تقاضای نفع نمیکنند و تنها هدف از پرداخت پول حفاظت آن است. بانک در این صورت محافظ پول ها بوده و هنگام مطالبه بدون کمی و کاستی پول را به پرداخت کننده می پردازد. این پول ها عموما در حساب های جاری بانکی پرداخت می گردد. بانک های اسلامی این پول را استفاده می کنند و مسئولیت نفع و نقصان هر دو بر دوش بانک می باشد.

علاوه بر این بعضی بانکها بر اساس وکاله نیز پول می پذیرند طوریکه بانک برای پرداخت کننده تفصیلات پروژه روی دست خودرا توضیح می دهد و بر اساس بررسی ها عاید و نفع این پروژه را تخمین می کند. در این نوع پرداخت ها بانک مسئولیت وکیل را بدوش می گیرد، به این معنا که بانک به نمایندگی از پرداخت کنندگان این تجارت را به پیش می برد، در صورت نفع و نقصان – هر دو – پرداخت کننده از آن مستفید و یا متضرر می گردد و بانک تنها اجوره‌ء را که قبلا بر آن اتفاق صورت گرفته است به دست می آورد.

بخش پرداخت های بانک اسلامی بعد از آنکه پول مضاربه و یا حساب های جاری را بدست می آورد آنرا به بخش های مالی و خزانه داری می سپارد که آنان نیز به نوبهء خویش این پول را در جهت های معین با استفاده از وسایل معینی که در مبحث های بعدی در مورد آن بحث صورت خواهد گرفت استفاده کرده و منافع بدست می آورند.

هرگاه منافع بدست آمد، بانک در قدم اول منافع حاصل شده از حساب های جاری و نصیب خود از مضاربه را جدا کرده و متباقی را میان پرداخت کنندگان توزیع می کند. اما چون این مضاربه میان تنها دو تن صورت نمیگیرد بلکه هزاران پرداخت کننده در آن شریک می باشند بانک برای توزیع منافع پالیسی و پلان منظمی را ترتیب می دهد که بر اساس آن تا حد امکان منافع بطور عادلانه میان مشتریان توزیع گردد.

چنانچه ذکر شد، چون تعداد پرداخت کنندگان بیشتر بوده و مقدار پول پرداخت کرده شده و میعاد آن که تا چی زمانی این پول در مضاربه میماند فرق می کند بانک اینهمه پول را در یک حوض یکجا می کند سپس با در نظرداشت سه اصول آتی آنرا تقسیم بندی می کند:

۱- مبلغ تادیه شده، ۲- میعاد تادیهء پول، ۳- میعاد مطالبه منافع

مثلا سه گروه در یک بانک اسلامی پول پرداخت کرده اند. گروه اول مبلغ 1000 درهم برای مدت یکماه به بانک می پردازد و گروه دومی 1000 درهم برای مدت یک سال می پردازد و نفع خودرا نیز در اخیر بدست می آورد، پس بانک نمیتواند هر دو گروه را یکسان نفع بدهد، زیرا بانک میتواند با استفاده از پول بیشتر و میعاد بیشتر منافع بیشتر بدست بیاورد، لهذا بانک برای هر نوع پرداخت ردیف جداگانه یی تعین می کند و برای هر ردیف وزن خاصی را معین میسازد که توسط آن بتواند منافع بدست آمده را بطور عادلانه تقسیم کند.

در مثال ذیل میتوان این قضیه را به شکل بهتر و واضح تر بیان کرد.

مثلا: گروه اول مبلغ 1000 درهم برای مدت یک سال به بانک می پردازد و منافع ماهانه از بانک تقاضا می کند. در عین حال گروه دومی مبلغ 1000 درهم به بانک می پردازد اما منافع را در آخر میعاد می خواهد، گروه سومی مبلغ 5000 درهم برای مدت دو سال می گذارد و منافع آنرا هر سه ماه بعد می خواهد بدست بیاورد. در این صورت بانک اوزان مختلفی برای این ردیف ها مقرر می کند. مثلا برای ردیف اول وزن (5) تعین می کند، و برای ردیف دومی وزن (7) و برای ردیف سومی وزن (9) تعین می کند. هر گاه منافع بدست آمد آنرا در ابتدا بر مجموع این اوزان تقسیم می کند سپس حاصل آنرا با پول تادیه شده ضرب زده و منافعی را که باید برای پرداخت کننده داده شود تعین می نماید.

مثلا در این ماه بانک بعد از آنکه منافع و نصیب خودرا از مضاربه جدا کرد مبلغ 2 هزار درهم برای پرداخت کنندگان باقی ماند که باید میان این سه ردیف توزیع گردد، برای چگونگی توزیع شکل ذیل را ملاحظه کنید:

این پول را به این شکل محاسبه می کنیم:

گروه	شروط تادیه	مبلغ	وزن	اوسط وزن	نفع	نرخ نفع
		الف	ب	الف + ب = ج		
اول	1 سال (منافع یکماه)	1000	5	5000	175.4	%17.54
دوم	1 سال (منافع اخیر سال)	1000	7	7000	245.6	%24.56
سوم	3 سال (منافع 3 ماهه)	5000	9	45000	1579	%31.57
مجموع		7000	21	57000	2000	

نفع: 175.4=2000 * 5000/57000

نرخ: %17.54 =100*175.4/1000

سپس به گروه اول می بیند و هر تادیه کننده را 17.54 % نفع می دهد. و به همین شکل به افراد موجود در گروه دومی 24.56% و موجود در گروه سومی 31.57% می پردازد.

اگرچه بعضی اعتراضات بر این نحوه توزیع وجود دارد و حقیقتا بعضی خلاهایی نیز وجود دارد اما تا کنون این راه حلی است که علمای معاصر برای توزیع فوائد در مضاربه های چندین جانبه دریافت کرده اند اما به هیچ صورت ادعای کمال آنرا نمیتوان کرد بلکه تلاش ها برای راه حل بهتر و موزون تر باید ادامه داشت.

دوکتور م،عثمان تره کی

اعدام اسیران جنگی

قرینه جُبن و سقوط اخلاق سیاسی

سران حکومتی است!

در ۸ می ۲۰۱٦ مدیا و مطبوعات داخلی و خارجی خبر اعدام ٦ تن از زندانیان سیاسی (در واقع اسرای جنگی) را به اتهام ارتکاب فعالیت های تروریستی در زندان پلچرخی منعکس کرد .

حمله حکومت کابل بالای زندانیان بیدفاع به اتهام تروریست الزاماً در برابر ما این سوال را مطرح میکند که این هیولای تروریزم که در جنگ در مقابل پنجا کشور دارای تکنولوژی مدرن حربی درگیر معرکه افغانستان طی سه دهه مقاومت کرده راهی است چه شکل و ساختاری دارد ؟ انس است یا جن ؟

درین بحث تلاش میکنیم تا به مقاصدی دسترسی پیدا کنیم که استفاده افزاری از تروریزم آنرا از نظر ما بدور نگاه میدارد . درک مفهوم تروریزم و تثبیت جایگاه آن در بازی های خونریز ستراتژیک قرن ۲۱ برای ما به این دلیل ارزش حیاتی دارد که افغانستان یکی از قربانیان این بازی است.

حقوق بین المللی نتوانسته است تعریف دقیقی از تروریزم ارائه کند. ترمنولوژی تروریزم بیشتر در دنیای سیاست مطرح است. دنیای سیاست عرصه عواطف ، زد و بند ، معامله و سود وزیان است. درین گیر و دار برخی ترمنولوژی های سیاسی در اینکه از طرف کدام مرجع ؟ در کجا ؟ و به چه مقصدی ؟ مورد استفاده قرار میگیرند ، رنگ ، شکل ، ماهیت و مفهوم عوض میکنند. تروریزم یکی از اصطلاحات متأثر از نوسانات ناشی از سود و زیان بازیگران سیاسی است. اطلاق اصطلاح تروریست بعضا شامل مواردی میشود که تقابل آشکار با همدیگر دارند : مثلاً در جنگ ضد قوای خارجی رسم برین است تا بالای فرد یا گروه خودی اصطلاح « مقاومت «و »مبارز راه آزادی «اطلاق شود و از ترمنولوژی » تروریست و جنایت کار «برای معرفی جناح مقابل استفاده گردد. تاریخ سیاسی مثال های متعددی را بیاد دارد که تروریست دیروز به حکمروا و چه بسا به قهرمان امروز بدل شده است.

»رونالد ریگن «، »مارگرت تاچر «و »ناتان یاهو «از موضع قدرت و دیکتاد در حمایت از سیاست تبعیض نژادی افریقای جنوبی (اپارتاید) و دشمنی با داعیه آزادی فلسطین ، کانگره ملی افریقا و سازمان آزادی فلسطین را که پوتانسیل رزمی ضعیف داشتند در لیست تروریست شامل ساخته بودند. درین جا با دو واقعیت بر میخوریم : یکی اینکه این سیاست است که به استعمال اصطلاح تروریست انگیزه میدهد . دیگر اینکه گروه مدافع یک داعیه برحق استفاده از ترور را به قصد ایجاد تعادل نسبی در جنگ نابرابر بکار میبرد. بناً استفاده از یک عمل تروریستی در میدان نبرد بیشتر حربه طرف ضعیف از نظر ساز و برگ جنگی است :

»لاربی بن مهدی «چهره سرشناس آزادی الجزایر (۱۹۵۷) در جریان استنطاق به واقعیتی اشاره کرد که برای استعمار فرانسه تکان دهنده بود. از وی سوال شد که چرا به فرض حضور سربازان فرانسوی در چایخانه ها ، رستوران ها و اماکن عامه خریطه بم را جا به جا میکنی. وی به جواب گفت : »شما هواپیما های بم افگن خود را در اختیار ما بگذارید ، ما خریطه های مواد انفجاری خود را دو دسته به شما میبخشیم . «شکنجه گران فرانسوی چند روز بعد به زندگی »بن مهدی «پایان دادند.

ترور حربه ضعیف در برابر قوی است. اما الزاماً این عدم تعادل به مفهوم تولید بیشترین تلفات جانبی از سوی جناخ ضعیف نیست. با اینهمه ترجیحاً جناح کمزور با حربه تروریزم کوبیده میشود : در تابستان ۲۰۱۴ در جنگ غزه، حماس سه تن ملکی را به قتل رسانید. بالمقابل اردوی اسرائیل طبق اعلامیه رسمی از ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تن را که شامل صد ها طفل نیز میشد نابود کرد. مطبوعات غرب حماس را تروریست و مقصر قلمداد نمود و از جنایت اسرائیل چشم پوشید.

در اگست ۲۰۰۸ طیارات امریکایی با حمله بالای تجمع مردم در یک مراسم خیرات در دهکده عزیز آباد (شیندند هرات) در حدود ۱۰۰ تن (۴۵ طفل ، ۳۰ زن و ۱۵ مرد) را به قتل رسانید. در محفل خیرات دو تن از کوماندو های مقاومت که متهم به کشتن مستخدمین افغانی امریکائیان در میدان هوایی هرات بودند اشتراک داشتند.

مسئولیت حمله و قتل و قتال بدوش همین دو تن تروریست (! ؟) گذاشته شد. طیارات امریکایی با کسب برائت ذمه از معرکه به تکرار جنایات خود در مناطق دیگر افغانستان ادامه دادند. اصطلاح تروریست بر اردوی امریکا اطلاق نشد.

استفاده بیموازنه و مغرضانه از کلمه تروریست توسط غربیان عکس العمل شدید عامه مردم را بدنبال داشته است. با پیوستن هزاران جنگجو به صفوف گروه هایی که غربیان تروریست مینامند جبهه مقاومت ضد غرب در شرق میانه تقویت شد و دامنه جنگ گسترده گردید.

»کاندولیزارایس «وزیر خارجه جارج بوش پانزده سال قبل در ارائه تصویر آینده »شرق میانه بزرگ «اصطلاح » ویرانگری سازنده «را بکار گرفت. اما امروز صرفاً ویرانگری قابل رویت است. از سازندگی خبری نیست :

عواقب انسانی و ژیوپولتیک مبارزه با تروریزم که امریکا و شرکاً پرچم آنرا پس از سال ۲۰۰۱ افراشته اند ، بخشی از جهان را در دوزخ جنگ و نا امنی فرو برده است : دولت لیبیا نابود شد. دولت عراق معروض به جنگ فرقه یی گردید. حکومت افغانستان متأثر از کشمکش جناح های رقیب به حالت کوما قرار دارد. طالبان که از جانب امریکا و متحدین به اتهام تروریست محکوم به مرگ شده اند ، در افغانستان و پاکستان بیک قوت غیر قابل کنترول بدل گردیده اند.

بدنبال حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا سال ۲۰۱۴ در جنگ ضد تروریزم در افغانستان ، شرق میانه و افریقا از ۱۶۰۰ تا ۳۰۰۰ میلیارد دالر به مصرف رسیده است. این مبلغ معادل تولید ناخالص ملی یک ساله کشورهندوستان با یک و نیم میلیارد نفوس است.

»نتا گراوفورد «موسسه ایکه پروژه مصرف جنگ را در امریکا اداره میکند شمار مجموعی تلفات جنگ ضد تروریزم راکه دران بمباردمان های هدفمند »درون «، عملیات کوماندوی مخصوص و شکنجه اجنت های سی ، آی ، ای مورد استفاده قرار گرفته است تا سال ۲۰۱۴ در افغانستان ، عراق و پاکستان ۳۵۰ هزار تن ذکر میکند. برخی دیگر موسسات تحقیقاتی رقم تلفات را تا حدود یک ملیون قلمداد مینمایند.

در آنچه جنگ ضد تروریزم نامیده میشود هیچ محفل و تجمعی اعم از عروسی ، فاتحه ، سپورت و مسافرت مصئون نمانده است. »توم انژلارد «ژورنالیست امریکایی شمار مجالس عروسی یی را که بین سالیان ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۳ در افغانستان ، عراق و یمن از اثر بمباردمان به خاکستر بدل شده است ۹ محفل ذکر میکند. به قول محمود طرزی ازین » شهیدان ظلم فرنگ «در مدیا و مطبوعات غرب به مثابه قربانیان بی نام ، بی هویت و بی چهره » تلفات جانبی «یاد میشود نه قربانیان تروریزم دولتی. واقعیت اینست که خاطره این قربانیان در میان خانواده ها و اقوام مربوط زمینه های کینه و انتقام جویی را بر ضد امریکا و شرکا بارور ساخته و ادامه جنگ ضد غرب را تغذیه کرده است.

ازانچه ذکر شد بر میاید که قوای مهاجم در افغانستان و کشور های معروض به حملات نظامی ، تعریف خود را از تروریزم دارند. حکومت های دست نشانده الزاماً باید در تشخیص تروریست از غیر تروریست ضابطه های دیکته شده را به پذیرند. بیائید اندکی روی داعیه کسانی مکث کنیم که زیر نام تروریست به دار کشیده میشوند : متهمان مدعی اند که :

- افغانستان اشغال است .

- زمین و آسمان کشور در اختیار قوای مهاجم است.

- هیچ مدافع آزادی در زادگاه خود از ترس اتهام تروریست احساس مصئونیت نمیکند.

- قوای خارجی برای ادامه خودسری ها یک اداره ضعیف و فاسد حکومتی را که دران جنایت کاران جنگی در خدمت قوای خارجی قرار دارند بر مردم تحمیل کرده است.

سرازیری کمک های گزاف غرب و استقامت مجاهدین امارت اسلامی

بقلم:
منقاد تخاری



سئوالی است که همواره در ذهن هر افغان خطور میکند که چرا تا اکنون افغانستان عزیز صاحب نظام آزاد وعادلانه نگردیده اما این را همه افغانها میدانند که افراد معامله گردداخل و استعمارگران خون آشام از خارج همیشه دست به کار بودند یک تعداد افراد خود فروخته و پرورده‌ء غرب را جذب نموده اند تا در جلوی آمدن نظام اسلامی سد باب واقع شوند اما مجاهدین آزادیخواه و با ایمان و آنانیکه تعهدی صادقانه بسته اند که سلاح خود را بر زمین نگذاشته تا نفس در تن دارند به خاطر پاسداری و حرمت از خون پاک شهداء و آزادی کشور اسلامی خویش از اسارت بیگانگان و خود فروختگان به جهاد خود ادامه داده و همانند گذشته که خواب آرام را بر روس ها و کمونیستان داخلی آنها ناآرام و حرام ساخته بودند تا بالآخره شکست شرم آور را متحمل شده از کشور ما فرار نمودند اکنون نیز بالای متجاوزین صلیبی امریکائی و مزدوران داخلی آنان خواب بر چشمان آنها حرام گردیده و آرمانهای پلیدی را که در سر میپروراننند به زیرخاک برده وضربات کوبنده و مرگباری از طرف سپاهیان امارت اسلامی تحت نام عملیات عمری بر فرق ایشان وارد گردید. و این حوادث و رویدادها درج تاریخ ننگین کشورمطبوع ایشان شده تا نسل های آینده اشغالگران وحشی و مزدوارن پست ازین شکست شرم آورعبرت گرفته و به پای جوانمردی، جانبازی، ایثار و فداکاری فرزندان اسیر و خداپرست امارت اسلامی ارج و احترام خواهند گذاشت و آنها باید بدانند که نمیشود این سپاهیان کشور را با زور مرمی و سلاح مودرن و طیارات پیشرفته و یا سرازیر شدن کمک های گزاف و برگذاری کانفرانس های بزرگ همچو کانفرانس وارسا، تسلیم خویش نمود، باید این غلامان حلقه بگوش این را آویزه‌ء گوش خود نمایند که در این جامعه دین پرست ما کسانی هستند که یک لحظه چنین اسارت، غلامی و چشم دوختن به کمک های غربیان را نمی پذیرند و چنین زندگی ننگین و شرم آور را با خون های پاک خود دفع مینمایند.

آزادی حق هرانسان بوده، هیچکس اگرچه دارای هر نیرو و قدرتیکه باشد نمیتواند این حق خداداد را سلب نموده و آنرا نابود سازد. غلامی و مزدوری خصلت کسانی است که از گذشتگان بی خاصیت آنها به ارث گذاشته شده است پیروان حقیقی مکتب اسلام با عقیده، باورمندی و ایمانی که دارند همیشه این صف جهاد و مقاومت را پُر کرده و شاهکارهای تاریخی می افریند فتحوحات اخیر که یک شاهکار بی مانند بود خود ثابت کرد که اراده و تصمیم مجاهدین را نمیتوان با نیروی زمینی و قوای هوایی شکست داد، عملیاتهای تعرضی مجاهدین در جنوب (هلمند) و در شمال (قندوز) که به فتح ولسوالی های مهم انجامید خود بیانگر این واقعیت است که هر اندازه نیروی زمینی متکی بر مادیات و حمایت هوایی آنان بر مجاهدین باران مرمی و بمب بریزد نمیتواند اراده و پلان جهادی مجاهدین را با تاخیر و توقف مواجه سازد.

باید کسانیکه تا کنون اغفال بوده و از اوضاع حقیقی میدانی بی خبر بوده اند، این حقیقت را تسلیم نمایند که بدون شک قوای متجاوزین و ادارۀ مزدور و دست نشاندۀ شان به شکست فاحشه مواجه گردیده اند که میخواهند آنرا از طریقی تبرئه نمایند.

چنانچه چند روز قبل جرگه مشورتی که به ابتکار امریکائیها در وارسا بنام افزایش کمک و نیروهای تازه به راه انداختند نشاندهندۀ ضعف اشغالگران بی فرهنگ درمیدان مبارزه و ناتوانی بیش ازحد اداره دست نشاندۀ و حکومت دوسره در کابل می باشد. پیش از این نیز پول و کمک های بیشتر و بیشتر به افغانستان سرازیر گردید اما جزء شکست اشغالگران، تضعیف رژیم تحمیلی و ازدیاد تنفر ملی و افغانی از آنان نتایجی دیگر نداشته است. نتیجتاً این بستهء کمک های جدید نیز راه به جایی نخواهد برد، بلکه هم سبب ضیاع سرمایه و هم هلاکت افراد آنان خواهد شد.

البته خود اشغالگران نیز بر این حقیقت این مسئله واقف و آگاه هستند از اینرو خود امریکائیهای صلیبی میخواهند که با برپائی نوعی همایش های عوام فریبانه خود را حامی صلح و ثبات در کشور عزیز ما افغانستان معرفی نمایند. ازین رو می بینیم که سردمداران قصرسفید و برخی از متنفذین سیاست های آنان پافشاری و اصرار دارند که یک نظام مشترک تازه ای را همانند آنچه اکنون ملت شاهد آن در رژیم کنونی است ایجاد کنند بناءً در تفاهم با سران جنگسالاران و ادارۀ مشترک اشرف غنی - عبدالله در جستجوی راهکار و نقشهء راهی هستند که آیندهء تاریک دیگری را برای چندین سال متوالی در افغانستان رقم بزنند.

بدون شک ملت مجاهد پرست افغان دیگراینگونه نیرنگ بازی های تجاران سیاسی را فهمیده اند. این رؤسای دین فروش و وطنفروش داخلی با دار و دسته شان آنقدر مرتکب جنایات شده اند که دیگرنمی توانند آنرا جبران کنند و یا نیرنگ و دسیسه بچشم ملت خاک بزنند که فتوحات و پیروزیهای اخیر مجاهدین در جنوب و شمال خود بیانگر این واقعیت است که ملت بسوی امارت و رژیم تحمیلی بسوی نابودی در حرکت است. و نتیجهء این تغییر بزرگ در حال رونمایی است که ان شاءالله در آیندهء نزدیک بیرق سفید اسلام و آزادی در بلندای قلۀ کشور برای همیشه به اهتزاز درآید و همهء ملت را از زندگی صلح آمیز و آرامبخش مستفید خواهد کرد.

عطاء محمد نور ،

پالیسی سه جانبه یا سیاست منافقانه

نویسنده : حبیبی سمنگانی

پالیسی عطاء محمد نور ، حالا در سیاست کنونی افغانستان و خصوصاً در بند و بست های داخلی این رژیم به یک معما بدل شده است ، آیا وی صاحبِ حکومت است یا شریک حکومت است یا مخالف حکومت یعنی اپوزیسیون ؟

اگر به انتقادات تند و تیز وی نگاه شود چنان به نظر می رسد که رییس اپوزیسیون باشد ، چنانکه حدود سه هفته قبل در طی یک گفتگو با روزنامه ی ماندگار چاپ کابل به صورت اخطار می گوید که : دولت وحدت ملی در طول این مدت که نخواسته کاری را انجام دهد ، در پنج ماه پیشرو هم کاری را انجام داده نمی تواند ، پنج ماه بعد دولت وحدت ملی مشروعیت خود را از دست می دهد و کاری هم انجام نمی شود و وضیعت بحرانی تر خواهد شد ---------- این حرف ها هرگز نشان نمی دهد که وی صاحب یا شریکِ حکومت باشد بلکه نمایان می کند که وی رهبر اپوزیسیون است ـ

اما چون به جانب دیگری نگاه شود دیده می شود که وی چنانکه در زمان زمام داری کرزی برای ده سال متواتر والی بلخ بود اکنون در دوره ء یک و نیم ساله ی ع و غ نیز به عنوان سرپرست زمام دار همین ولایت است ، حالا این مربوط به ع و غ است که مدت ولایت وی را تمدید می کنند یا خیر ، البته ، حد اقل این قدر مشخص است که شخص خودش خواهان این تمدید است ، برای همه روشن است که والیانِ رژیم کابل تحت فرمانِ مستقیم رییس جمهور و یا رییس اجرایوی انتصاب می گردند و کار می کنند و در سستم حکومتداری شریک می باشند و هرگز جزو اپوزیسیون نمی باشند ، بلی در امریکا چونکه والیانِ ریاست های پنجاه و دو گانه به طور مستقیم از سوی ملت انتخاب می شوند نه فرمان رییس جمهور کشور ، لهذا دران جا والیان می توانند خود را عضو اپوزیسیون بدانند ، اما اگر در افغانستان یک والیِ رژیم کابل خود را عضو اپوزیسیون جلوه بدهد به آن می توان گفت که : هم خدا خواهی و هم دنیای دون ، الحاصل نظر به این نگاه عطاء محمد نور هرگز عضو اپوزیسیون نیست بلکه شریکِ حکومت است ـ

یک نگاه دیگر نیز وجود دارد ، بلی برای همگان هویدا است که رژیم کنونی کابل متشکل از دو تیم است ، تیم ع و تیم غ ، بناء بر یک روایت هر دو تیم درین رژیم پنجاه پنجاه در صد شراکت دارند ، سرپرستی تیم ع عملاً به دست عطاء محمد نور است و حتی یکی از وزراء نیز به نمایندگی از نور در کابینه جا دارد ، ازین لحاظ این رژیم دو صاحب دارد که رهبران هر دو تیم است ، لهذا می توان گفت که عطاء محمد یکی از دو صاحبانِ این رژیم است ـ

پس عطاء محمد هم اپوزیسیون است و هم شریک حکومت و هم صاحب حکومت ، سیاست عطاء محمد یک نمونه بود ، بسا اوقات عبدالله ، دوستم و سایر سران این رژیم نیز در نقش اپوزیسیون به مشاهده می رسند ، بلی آن زمانیکه نوبت به مسئولیت پذیری و پاسخ گوی برسد همه اپوزیسیون می شوند ، چنانکه پس از حمله بر ریاست ده دیده شد هیچکسی نبود مسئولیت این هزیمت و شکست بزرگ را به عهده بگیرد و همه شانه خالی نموده ادعا می نمودند اگر اختیار می داشتند اینچنین می کردند و آن چنان می کردند ، اینجا است که همه (افغان ها و جهانیان) به حیرت می افتند که یا الها ، کدام کسانی در حکومت اند و کدام در اپوزیسیون ؟ کدام کسانی پاسخ گو اند و کدام پاسخ جو ؟

دلیل ناکامی این رژیم صرفِ این نیست که حکومتداری خوب ندارد ، مشکل عمده اینست خیلی ها از کسانی که در تشکیلاتِ رژیم رسماً سهم گرفته اند خود را جزو حکومت نمی دانند بلکه می خواهند به عنوان اپوزیسیون جلوه نمای کنند ، لهذا از یک سو از امکانات حکومت استفاده می کنند و از سوی دیگر همواره بر پای این حکومت تیشه می زنند و از خرابی ها و کاستی های حکومت خود را فارغ الذمه می دانند ، حتی در سخنان خود نعره بلند می کنند که اگر ایشان زمام دار این رژیم می بودند چنین می کردند و چنان می کردند ، به اصطلاح وطنی افغان ها ایشان خورده منکر اند ـ

بدون تردد ، این رژیم به دشمن بیرونی نیاز ندارد بلکه سران این رژیم چنانکه به دلیل پیش برد مفادات شخصی دشمنان دین ، خاک و ملت اند همچنان به دلیل منازعات داخلی و ذات البینی دشمنانِ رژیمِ خود نیز اند ، خداوند تعالی ایشان را بر یکدیگر مسلط نموده است ـ

ابوصهیب حقانی هراتی

عفواً یا رسول اللّٰه صلی الله علیه وسلم



(به یاد حرم امن مدینه که خونین شد)

خبر جانکاه حمله به نزدیکی حرم شریف نبوی علی صاحبه الف تحیه و سلام در شهر مقدس مدینهٔ منوره – اکرمهاالله – قلب کافّهٔ مسلمانان را در سرتاسر جهان سخت جریحه دار ساخت، اشک در چشمان محبان حبیب خدا – صلی الله علیه و سلم – جاری شد، و دلها نسبت به این خبر تلخ و ناگوار حزین و دردمند گردید، و هر مسلمان واقعی در هر گوشهٔ این زمین پهناور الله، بسی اندوهگین و جگرخون شد؛ آخر چرا؟

چرا در دنیای ما اینقدر وحشی گری به اوج خود رسیده باشد که حرمین شریفین و اماکن امن الهی در امن و امان نباشند؛ آنها که به حریم نبوی در شهر پاک رسول الله اینگونه گستاخی کردند خود را چه می نامند؛ پیش وجدان خود چه نامی برای خود انتخاب می کنند؛ اگر دشمنی شان با امت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - است چگونه سبوعانه اقدام به نقص حریم مقدس نبوی کرده و از خاک پاک - رسول الله صلی الله علیه و سلم - انتقام می گیرند؛ این یک حادثه نبود بلکه یک فاجعه و جنایت و گستاخی نابخشودنی بود که به ساحت مقدس – رسول الله صلی الله علیه و سلم – شد، این نهایت وحشی گری، و اوج گستاخی بشر به سیدالبشر – صلی الله علیه و سلم – بود که به هیچ وجه قابل تحمل و برداشت نیست؛ و نه هم امت اسلامی عامل و یا عاملین گستاخ این جنایت عظیم را می بخشند.

عفوا یا رسول الله – صلی الله علیه و سلم –!

که در حالیکه جمعیت بیش از یک و نیم ملیاردی مسلمانان در سرتاسر جهان نام زیبای شما را زمزمه می کنند و بردن نام شما را عبادت مقدس شمرده و به نام مبارک شما بسی افتخار می کنند؛ اما از غفلت این جمعیت کلان، عدهٔ از خدا بی خبر، گستاخ و دشمنان معاند، نا جوانمردانه به شهر مقدس شما آمده و در خاک پاک شما دست به همچون یک اقدام بی شرمانه و وحشیانهٔ می زنند که از نگاه شریعت و دین مبین اسلام، این جنایت گستاخ آمیز هیچ توجیه و دلیلی نمی تواند داشته باشد و صرفا خاک شما و ساحت مقدس شما اینگونه وقیحانه هتک حرمت می شود؛ و این درحالی است که متاسفانه از ملیون ها مسلمان در سطح عالم، کاری جز شنیدن این خبر و دیدن صحنه های دلخراش از آتش سوزی و جگرخون شدن و اشک ریختن ساخته نیست.

عفوا یا رسول الله – صلی الله علیه وسلم - !

که در دنیای ما، این روزها حتی حرمت خاک شما، آن تربت پاک ترین و پاکیزه ترین موجود و هستی روی زمین نگاه داشته نمی شود؛ و از جنس انسان ها، انسان هایی با خوی و طبیعت غیر انسانی دست به چنان یک جنایتی می زنند که حتی تصورش یک مسلمان واقعی را به وحشت می اندازد و دلش را به لرزه واداشته و آه ازنهادش بر می افکند.

عفوا یا رسول الله – صلی الله علیه و سلم – !

که در دنیای ما در شهر پاک تو میهمانانی که به زیارت حرم شریف از دور دست ها تشریف آورده و به عشق و دلدادگی تو جمع شده اند و عاشق تربت پاک تو بودند با آن حملهٔ گستاخانه میهمانان شهر حبیب خدا - صلی الله علیه و سلم - در ترس و دلهره قرار گرفته و پریشان و نگران شدند؛ و غیرمنتظره با چشمان شان نظاره گر آن واقعهٔ تلخ و جانکاه بودند.

عفوا یا رسول الله – صلی الله علیه و سلم – !

در حالیکه در ماه مبارک رمضان شریف قرار داریم و میهمانان خدا و میهمانان رسول خدا در شهر مقدس رسول الله - صلی الله علیه وسلم - سر سفرۀ افطار نشسته و خادمین حرم شریف در حال خدمت و میزبانی بودند ناگهان آن افطار، به خون و خاک، دود و آتش بدل شده و به یکباره میهمانان می بینند که میزبانان و خادمین حرم شریف در خاک و خون غلتیده اند؛ این صحنه چنان دردناک بود که هیچ قلمی نمی تواند توصیفش کند و عفوا که این شرمندگی و حرمت در زمان ما رخ می دهد.

افسوس!

اگر در امریکا و اروپا و یا دیگر کشورهای کفری کوچکترین حملۀ شود دنیای کفر و اسلام یکصدا شده محکومش می کنند و حکام مسلمانان در ردیف دیگر حاکمان جهان با شدیدترین الفاظ حرمت شکنی خاک نجس کفار را محکوم و با کشته های کفار ابراز همدردی می کنند؛ اما نسبت به جنایت دلخراش شب گذشته در خاک مقدس مدینه منوره و به خاک و خون کشیده شدن حرم امن الهی، دریغ از یک محکومیت از آن حاکمان و آن مدعیان دروغین مبارزه با تروریزم و وحشت جهانی!

اشرف غنی و عبدالله و دیگر سران حکومت وحشت ملی که به کوچکترین حوادث در امریکا و اروپا و روسیه واکنش نشان می دهند و همدردی خود را با فامیل های کشته شدگان کفار در حوادث مختلف نشان می دهند؛ دریغ از یک محکومیت سادۀ شان به نسبت حرمت شکنی و تجاوز آشکار به حرم مقدس نبوی و شهر مطهر مدینه منوره!

بله، امروز واقعا احساس شرمندگی می کنیم در حالیکه نام خود را مسلمان مانده؛ اما محبوب ترین هستی روی زمین حرم شان در امن نیست و جلوی چشمان ما آن واقعۀ تلخ و ناگوار رخ می دهد، الله ما را عفو کند؛ و در این شب و روزهای مبارک رمضان که مسلمانان خود را به خوشی های عید آماده می کردند این واقعه المناک واقعا کام شیرین مسلمان ها را تلخ کرد؛ و از صمیم قلب دعاء و آرزو می کنیم که الله متعال عامل و یا عاملین آن جنایت نابخشودنی را در دنیا و آخرت به سزای اعمال شوم شان برساند؛ که شهر حبیب ما مصطفی صلی الله علیه و سلم را نا امن ساختند.

به امید آنکه بخاطر این بی حرمتی، و غفلت ما مسلمانان، از بارگاه الهی مورد عفو الله جل جلاله و رسولش صلی الله علیه و سلم قرار گیریم.

بقیه صفحه ۱۹

سوال ششم :

چطور شد که موفق به فرار شدید و انگیزه اصلی شما در فرار از محبس هرات (که یکی از محابس مهم حکومت دست نشانده می باشد) چه بود ؟

جواب :

مهم ترین انگیزه من در فرار از محبس ، ضربه به زدن به روحیه دشمن بود و خدا برایم چنین تقدیر دیده بود ؛ قبلا اغلب گمانم بر این بود که مدت زیادی در محبس نمی مانم و خداوند این شب تاریک را به زودترین فرصت صبح می کند و روسیاهی به دشمنان خواهد گذاشت ؛ و دیگر اینکه آزارهای پی در پی عساکر اجیر در محبس ؛ از قبیل : توهین ، تحقیر و انتقال دادن از این بلاک به آن بلاک ، اینها هم تا حدودی ذهن مرا روشن ساخت که این مشکلات در داخل محبس ، خوبی هایی را هم بهمراه دارد ، و آنقدر بنده را آزار دادند تا روزی شعری از حافظ گفتم که می فرماید :

تیر آه ز گردون بگذرد حافظ خموش
رحم کن بر جان خود پرهیز کن از تیرها

بنابر این خواب های روحانی هم که خدا نصیب فرمود که تحریرشان سخن را به درازا می کشاند ؛ و باالاخره همین بود که تقدیر سر شد و برادر اسیر شما بعد از سپری کردن مدت سه سال و هفت ماه و سه روز ؛ چون بلبل در عشق چمن و هم نوعان خود به پرواز در آمد ؛ و بار دیگر با استقبال بسیار گرم و صمیمی به آغوش برادران مجاهد خود پیوست ؛ اما متاسفانه که فقط تنها بودم و چقدر برادران مخلص خود را در آنجا (محبس) تنها گذاشتم .

سوال هفتم :

برای آخرین سوال بفرمائید خواسته های شما بعنوان یکی از مجاهدینی که سختی و مشکلات زندان را دیده و طعم تلخ آنجا را چشیده از دوستان ، چه می باشد و چه پیغامی برای برادران مجاهد خود دارید ؟

جواب :

بهر صورت ، زندان مکانیست که همه کس جز پدر و مادر و خانواده ، از انسان قطع رابطه می کند و آدم زندانی فراموش می شود ؛ ما باید همیشه به یاد اسیران خود باشیم و اگر سالها در کنج زندان ها بمانند هرگز یادآنها را فراموش نکنیم و مشکلات آنها را به هر نحوی که شده بر طرف نمائیم و به یاد بزرگان و گذشتگان خود بیفتیم ؛ وقتیکه زنی در دست دشمنان اسیر می شود و فریاد وامعتصماه آن زن ، به گوش "معتصم بالله" می رسد همراه 70000هزار نیرو ، به خاطر نجات آن زن از دست کفار لشکرکشی می کند ... ماهم شاگردان چنین بزرگوارانی هستیم ؛ حداقل کمی همت نموده و نگذاریم که برادران ما و شما در کنج محبس ها ، به لباس و کالاشویی و غیره ، زندگی خود را سپری کنند .

مصاحبه با (شهید) قاری غلام رسول تقبله الله



یکتن از مجاهدین اسیر محبس هرات که موفق به فرار از این زندان مخوف گردید .

اشاره : شهید قاری صاحب غلام رسول یکی از چهره های شناخته شده جهادی در مرز سرحدی با ایران؛ و از جمله مجاهدین فعال و موفق ولایت هرات ولسوالی کهسان بود که از سالها بدین سو تحت قیادت امارت اسلامی مصروف فعالیت های جهادی و انجام فریضه مقدس جهاد بر ضد اشغالگران و غلامان اجیرشان بود ؛ ایشان در علوم دینی معلومات کافی داشته و حافظ کل قرآن مجید بود؛ ایشان پس از سالها مبارزه و جهاد بالاخره توسط طیاره های جنگی اشغالگران در ولسوالی غوریان ولایت هرات جام زرین شهادت را نوشید؛ پس از فرار قاری صاحب شهید از زندان، در رسانه ها آن فرار بسیار خبرساز شده بود که یکی از همکاران الاماره جهت آشنایی خوانندگان محترم سایت با قاری صاحب ، پس از موفقیت ایشان در فرار از زندان مرکزی هرات ، با ایشان به شرح ذیل مصاحبه ی ترتیب دادند که اینک بخاطر محتوای مفید آن و زنده نگاه داشن یاد و خاطرهٔ شهید قاری صاحب، آن مصاحبه در مجلهٔ حقیقت بازنشر شده و با احترام فراوان تقدیم خوانندگان عزیز می گردد :

سوال اول :

جناب قاری صاحب ! در ابتداء خود را به خوانندگان عزیز سایت "الاماره" مختصرا معرفی بفرمایید؟

جواب :

بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله و کفی و الصلواه والسلام علی رسوله محمد المصطفی ؛ قال الله تبارک و تعالی : "والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا و ان الله لمع المحسنین" با تشکر از همکاران فرهنگی سایت "الاماره" که به این بنده حقیر فرصت دادند تا به بهانه این مصاحبه ، به مشکلات مجاهدین محبس اشاره نموده و یادی از دوستان در قید بند داشته باشم ؛ بنده قاری غلام رسول ولد فیض الله متولد 1358هش از قریه روشنان ولسوالی غوریان ولایت هرات می باشم .

سوال دوم :

بفرمایید شما در چه سالی و چگونه به دست عساکر حکومت اجیر گرفتار شدید ؟

جواب :

در تاریخ 18/5/1388هش بنده اسیر شدم و چگونگی اسیر شدنم از این قرار است که من در منطقه ای در حال ترصد بودم تا اینکه نیروهای دشمن بیایند و من آمدن آنها را به دوستان مجاهدم اطلاع بدهم ؛ و چون نیروهای مورد نظر ، نیامدند و هوا به شدت گرم بود و آب و غذایی به همراه نداشتم از شدت تشنگی و گرما به ستوه آمده و به مجاهدین تلفن کردم که به دنبال من بیایند ؛ آنها با یک عراده موتر سراچه در حالیکه تعقیب شده بودند به نزد من آمدند و قتی سوار موتر شدم ؛ بلافاصله موترگزمه پولیس به ما رسید و ما را توقف داد و {آنجا} منطقه رفت و آمد مردم بود بعداً مارا تلاشی کردند وما هم سلاحی جز یک میل تفنگچه نداشتیم که خوش بختانه تفنگچه ما را کشف ننمودند وقتی آمدندند تا مارا دست بند بزنند گفتم نمیگذارم چون ما نه قاچاق بر هستیم ونه دزد ، پس برای چه باید دست های ما بسته شود ومن که فراری بودم ونمی خواستم تا خود را با دست های بسته به دشمن تسلیم کنم تفنگچه خود را با عشق به شهادت کشیدم و در فاصله 1 متری به جنگ شروع کردم که در نتیجه زد و خورد ، 2 تن از دشمن وخودم نیز ازناحیه هردو پا زخمی گردیده و اسیر شدم .

سوال سوم :

از رفتار عساکر اجیر در محبس بفرمایید رفتار آنها با مجاهدین (اسیر) چگونه بود ؛ و از تعذیب و شکنجه های احتمالی اگر چیزی به خاطر دارید بفرمائید ؟

جواب :

عساکر و صاحب منصبان در محبس ، به شکلی تربیه شده بودند که خیلی زیاد به تحقیر کردن محبوسین بلا استثناء علاقه داشتند ؛ حافظان و قاریان قرآن را در حالیکه خودم شاهد این صحنه ها بودم ؛ انگلیس و کافر می گفتند و به سرمایه معنوی شان هیچ نوع احترامی قائل نبودند ؛ در حالیکه مردم ثروتمند در آنجا از احترام خاصی برخوردار بودند ؛ و همچنین محدودیت هایی از قبیل تعلیم و تدریس و جود داشت ؛ البته نه به این معنی که کسی قرآن مجید و یا کتاب دیگری را از دست محبوسین بگیرد ؛ بلکه هرگاه چند نفری را به اطراف یکی از مدرسین و معلمین می دیدند که اجتماع نموده اند ؛ از خوف و وحشتی که قلب های شان را تکه تکه و پاره پاره نموده بود ؛ تحمل کرده نتواسته و اساتید را به یکی از بلاک های جزایی محبس ، همراه با تحقیر و توهین ، جزایی می نمودند و حلقه درس شان را اینگونه برهم می زدند .

سوال چهارم:

از وضعیت مجاهدین در محبس هرات بفرمائید و به مشکلات کلی و عمده آنها اشاره فرمائید ؟

جواب :

وقتیکه خدا ، بزرگترین نعمت ، که همانا آزادی است از انسان سلب می کند ؛ خواه مخواه انسان آرامش خود را از دست می دهد و احساس نا آرامی می کند ؛ ولی اینطور که بسیاری مردم فکر می کنند سپری کردن دوران حبس ، چقدر مشکل خواهد بود ؛ اینطورهم نیست ، و در باره مشکلات برادران اسیر شما باید بگویم که همیشه طبقه فقیر نسبت به مردم ثروتمند بیشتر به انجام امور دینی علاقه دارند ؛ و کسانی که از برادران شما اسیر می شوند بعضی به اعدام ، و بعضی دیگر به حبس ها - 20 - یا 16 و 15 سال محکوم به جزاء می شوند ؛ و اینکه (دولتی ها) مجبس ها را هم به تجارت خانه تبدیل کرده اند ؛ این موضوعی غیر قابل انکار است ؛ به هرصورت مسئله خرج و مصرف خیلی آزار دهنده است که وقتی یاد آدم می آید از اسیرانی که سالها ملاقات را نمی دیدند ، و به لباس و کالاشویی و یا موره بافی و یا کار دیگری زندگی روزمره خود را (به سختی) سپری می کردند ، و بعضی با وجود این مشکلات ، در هوای سرد زمستانی که برف روی زمین بود به آب خنک و یخ غسل می کردند ... این چیزها تمام فکر آدم را به خود مشغول می کند .

سوال پنجم :

قاری صاحب محترم ! اگر یک خاطره ی از دوران اسارت برای ما بفرمایید ؟

جواب :

در طی دوران محکمه ، وقتی به یکی از مجاهدین که 18 سال سن داشت برخورد کردم به شوخی به وی گفتم که شما با این سن کم ، حال باید در آغوش مادر خواب می بودی و بیرون نمی شدی ؟ پاسخ عجیبی به من داد که واقعا مرا قوت قلب بخشید و گفت : به نظر شما چند سال در محبس می مانم ؟ گفتم شاید ده سال ! گفت : خیلی خوب ! من بعد از ده سال یک آدم فهمیده و زیرک ، هوشیار و با تجربه بیرون می شوم ؛ امید است که بتوانم بعد از این خدمت بیشتری برای اسلام انجام بدهم ؛ و اما شما بعد از ده سال که از اینجا بیرون می شوید بدرد هیچ چیزی نمی خورید ! از او تشکری کردم و گفتم : الحمدلله ! که برادران کم سن ما را آنقدر شجاعت نصیب کرده است که برای مجاهدین از خود بزرگتر هم درس شجاعت و غیرت می دهند .

...........................بقیه در صفحه (۱۷)

شلاق هموطنان آزادمنش

سمیع الله زرمتی

برتن جاسوس و چاپلوس امریکا

facebook

از آغاز مداخله چندجانبهٔ ایالات متحده امریکا در کشور مان افغانستان نزدیک به یک ونیم دهه میگذرد.

در این سالها امریکاییها و اجیران محلی شان همواره سعی میکردند تا ذهنیت خصمانهٔ افغانها نسبت به اشغال و تجاوز امریکایی را دگرگون سازند.

برای رسیدن به این هدف برنامه های وسیع براه انداختند.

از یک سو رسانه های مزدور را بنا کردند تا کرکتر ظالمانه و اشغالگر شان را در چهرهٔ پاسبان صلح، کمک رسان و مدافع حقوق بشر جلوه دهند.

و از سوی دیگر علماء و اجیران زنجیری شان را واداشتند تا دربین ملت مجاهد افغان، امریکایی ها را بحیث مؤتلفین و مدافعین کشور معرفی نمایند و برای مشروعیت اشغال شان از نصوص دینی دلایلی سراغ نمایند تا مگر بتوانند در بین ملت اشغال ستیز افغان برای اشغالگران محبوبیت و مشروعیت حد اقل بدست آورند.

اجیران امریکا در چندین سال گذشته دراین راستا جانفدایی های زیادی را متحمل شدند.

گاهی امریکاییهای متجاوز را مستأمنین و معاهدین خواندند.

علماء سوء چون خان، امیر و دیگران همراهی امریکاییها را ازین جهت واجب دانستند که امریکاییها در وقت جهاد ضد شوروی با افغانها کمک و احسان نموده و جزای احسان امریکا باید احسان داده شود.

سیاف و کشاف و دیگر علماء السلطان هم بفتواهای ناحق و ضد اسلام پرداختند تا بردگی و پیش خدمتی شان در حضور امریکاییها را به اثبات برسانند.

دوستم جاهل مقتولین امریکایی را شهید خوانده و به این ترتیب تمامی اجیران امریکائیها سعی کردند تا از باداران اشغالگر شان کفرزدایی کنند و اشغال ظالمانه شان را بحیث یک عملکرد مشروع و منصفانه به مردم افغانستان ثابت سازند.

اما مردم افغانستان با آنکه سطح علمی و فکری شان بلند نیست ، مگر ایمان محکم و اعتقاد راسخ دارند و از فراست بسیار عمیق ایمانی برخوردار هستند.

مردم بوسیله همین فراست ایمانی توانستند حق را از باطل جدانموده و چهرهٔ اصلی اشغالگران کافر را تشخیص نمایند.

ملت مؤمن افغانستان بدون آنکه در دام ها و فریب های دشمنان گیر آیند واقعیت اشغال و تجاوز کفار را تشخیص نموده و علیه آنها دست به جهاد زدند.

بعد از گذشت چهارده سال اشغال و حضور امریکایی ها دوستداران اشغال فکر میکنند که اکنون شاید از کینه توزی افغانها نسبت به اشغالگران کاسته و بسبب کمک ها و تبلیغات امریکایی جبلت اشغال ستیز افغانها تغیر نموده باشد، لذا بعضی از جیره خواران امریکایی با کمال وقاحت و جرئت سنگ دوستی و مزدوری امریکا بر سینه میزند و هیچ چیزی از چاپلوسی و مداهنت به باداران صلیبی شان پنهان نمیدارند.

درین سلسله، چند هفته پیش وقتی که امریکایی ها روز چهارم جولایی بحیث روز ملی کشور شان تجلیل میکردند بعضی از جاسوسان تربیت یافته امریکا نیز اخلاص و تمنیات خود را پنهان کرده نتوانست و پیام تبریکی خود را به حکومت و مردم امریکا تقدیم نمود.

امرالله صالح رئیس پیشین امنیت ملی که از تربیت یافته های سی آی ای شبکهٔ استخباراتی امریکا است در صفحهٔ فیسبوک خود پیام تبریکی خود در بارهٔ روز ملی امریکا بنشر سپرد و شاید امید داشت که دیگر افغانها نیز این اقدام شان را تایید نموده و تمنیات خود را نسبت بروز ملی امریکا اظهار خواهند نمود.

اما کار امرالله صالح نتیجه صد فیصد معکوس داشت.

و کاربران فیسبوک عوض اینکه از پیام تبریکی امرالله صالح ستایش نمایند بالمقابل وی را به جاسوسی و چاپلوسی امریکا متهم نموده و این کاری وی را معارض به ارزشهای اسلامی و ملی خود قلمداد کردند.

در سطور آتی اول پیام امرالله صالح را میخوانید و بعدا جوابها و تبصره های دندان شکن کاربران افغانی در فیسبوک را خواهید دید که دال بر سطح بالای فکری و داشتن انگیزۀ ایمانی و ملی آنها است.

امرالله صالح نوشت:

"تمنیات صمیمانه خویش را از ته دل به مناسبت چهارم جولای روز ملی امریکا به تمام امریکایی ها و خصوصا کسانیکه در بخش های مختلف مردم ما را کمک و یاری کردند ابراز میدارم. در پانزده سال اخیر ایالات متحده امریکا در کنار مردم افغانستان ایستاد تا ما بتوانیم با آرزوی دیرین خویش که شکستن دایره باطل فقر ، گروه گرایی ، آواره گی ، ترور و ظلم است برسیم. به یقین که مشکلات بزرگ و فراوان هنوز و جود دارد و راه دراز برای رسیدن به ارمان های خویش را درپیشرو داریم. اما شکی وجود ندارد که بخاطر دستاورد های سالهای پسین مدیون سخاوت و همکاری امریکا هستیم. من به عنوان متحد و دوست – روز ملی امریکا را گرامی میدارم و به مردم امریکا مبارک باد میگویم. سپاس از امریکا." (امرالله صالح)

"تمنیات صمیمانه خویش را از ته دل به مناسبت چهارم جولای روز ملی امریکا به تمام امریکایی ها و خصوصا کسانیکه در بخش های مختلف مردم ما را کمک و یاری کردند ابراز میدارم. در پانزده سال اخیر ایالات متحده امریکا در کنار مردم افغانستان ایستاد تا ما بتوانیم با آرزوی دیرین خویش که شکستن دایره باطل فقر ، گروه گرایی ، آواره گی ، ترور و ظلم است برسیم. به یقین که مشکلات بزرگ و فراوان هنوز و جود دارد و راه دراز برای رسیدن به ارمان های خویش را درپیشرو داریم. اما شکی وجود ندارد که بخاطر دستاورد های سالهای پسین مدیون سخاوت و همکاری امریکا هستیم. من به عنوان متحد و دوست – روز ملی امریکا را گرامی میدارم و به مردم امریکا مبارک باد میگویم. سپاس از امریکا."

(امرالله صالح)

محمد صابر حبیبی نوشت:

فکر نکنم کدام بادار امریکایی ات این نوشته ات را بخواند، فقط خودت بی ابروتر وبی غیرت تر نشان دادی .

فرهاد افغان:

ههههه...امریکا چه فرزند برومندی را تربیت کرده که پیشاپیش از همۀ دنیا ادای احترام و نوکری می کند... اینچنین اشخاص (صالح) مثل ماش هستند که هر طرف وزنه بیشتر بود همان طرف سرازیر می شوند.... بعضی وقت کمونیست و بعضی وقت سکولاری و کپیتالیست..

قایم پناه:

تاریخ تکرار میگردد. با مبارکبادی امرالله صالح عنوانی امریکا يك واقعیت نسبتا تلخ بیادم آمد . ما به صفت طرفداران شوروی ،همیشه جشن انقلاب اکتبر را صمیمانه به مردم آنکشور مبارکی میدادیم و واقعیت ها را نادیده میگرفتیم که گویا کمك هاي انترناسیونالیستی است نه اشغال کشور. اکنون مصیبت های راکه امریکا نصیب کشور ما وجهان اسلام کرده است نادیده میگیریم در جشن شان پا یکوبی میکنیم.

عبدالمالک سروری:

الحمدلله اینجا کشور اسلامی است. پیغمبر خدا **14** صدسال قبل گفته به هیچ وجه کفر دوست مسلمان نمیشود وقتیکه رهبر محبوب ما به ما اشاره کرده که کفر دوست مسلمان نمیشود پس ما هیچ وقت آمریکایی را دوست خطاب کرده، نمیتوانیم.

فرزاد الیاس:

اگه صالح پیام تبریکی و سپاس گذار امریکا نباشد پس کی باشه؟؟ این همه دارایی این همه قدرت این همه پول بلندمنزل و.. و..و.. برایش و هم قطارانش داده، نامردیست که طرفدارش هم نباشه. هرکس نان دهد فرمان دهد.

خوشحال ناظمی:

امریکا دشمن اصلی مسلمان های جهان است و قاتل مردم افغانستان عراق سوریه و لیبیا است،تو چطور چاپلوسی میکنی، یا که میفهمی که با این کاریت امریکا تو را به قدرت خواهد رساند؟

پردل پیکار شورانگیز:

خیلی چاپلوس هستی . امریکای که روزانه صد ها نفر را در سراسر جهان بخصوص افغانستان به قتل میرساند تو برایش چاپلوسی میکنی. میلیونها تن از انسانهای بیگناه سوری و عراقی را مجبور به مهاجرت کرد ، میلیونها انسان بیگناه سوری ،عراقی را به شکل مستقیم و غیر مستقیم به قتل رساند. مرگ بر تو بی وجدان

محمد قیوم ابراری:

صالح جان باتمام اختر‌امی که بشما دارم امریکا نه دوست مابوده نه هست ونه خواهد بود دشمنی یهود بااسلام ازسالیان قبل تاحال ادامه دارد مامسلمان هستیم وهیچ دوستی باامریکانداریم شماهم نباید تاریخ مارا بااین نظریات تان لکه داربسازید.

اوریا افغان:

بس کن چاپلوسي را شرم است، ملت ما را قتل عام کرد امریکا و خودت تبریکی میدهی این را می گویند دولت مردان فروخته شده. نفرین بر همهٔ شما

خوشحال نوری:

دوست دشمن دشمن است امریکائیها هر روز در داخل امریکا بالای مسلمانان فشار می اورد ظلم میکند ولی بعضی بیغیرتان ما همرایش دوستی میکند

فیضی طوفان:

خوب غلام خو هستی والله . کاش همه غلامها چون شما میبودند تا مردم مظلوم افغانستان در شناخت آنها اشتباه نمیکردند.

عارف مخلص:

نفرین به شما، نفرین به روند سبز شما، به این اندیشه وذهن غلام بودنت.

محمد صادق همت:

آمریکا بخاطر این در پهلوی ما نایستاد که ما به آرزوی دیرینه خود برسیم بلکه ایستادگی مجاهدین دروغین مثل شما در پهلوی آمریکا آنها را به آرزوی دیرینه خود رساندند. در نتیجه مجاهدین دیروز ایمان و وقار خودرا فروختند و پیروزی از آن غرب شد.

ظهیر سید:

برای ملتی تمنیات صمیمانه خود را از ته دل تقدیم میکنید که بخاطر منافع شان تمام ممالک اسلامی را بخاک خون کشانده و روزانه صدا ها نفر شهید صدها نفر یتیم, بیوه و... میشوند, لعنت خدا به سر همچو رهبر نما ها

محمد رسول نظامی:

شما که تبریک نگویید دیگر کسی در افغانستان متحد با آمریکا نیست که تبریک بگوید !

چراکه خر لنگ نداشتید و حالا ملیون ها پول در حساب های داخلی و خارجی تان دارید، از خیرات همین آمریکای ها ......

اسمعیل جباری:

این همه چاپلوسی ات بخاطر رسیدن به قدرت است میدانید که هر که را امریکا بخواهد همان است.



انفجارهای دهمزنگ کابل ربطی به مجاهدین ندارد، این دسیسه شوم و ایجاد تفرق میان ملت است

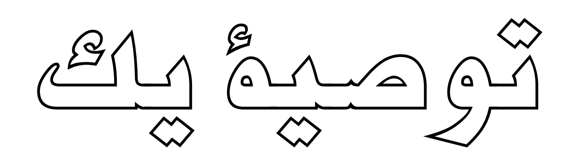
به تأسف اطلاع یافتیم که امروز در میان تظاهرات در شهر کابل ۳ انفجارهای پي هم رخ داد که متأسفانه به شماری زیادی از هموطنان ملکی ما تلفات وارد کرده است .

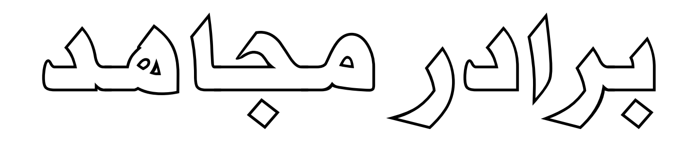
ما میخواهیم از جانب خود واضح نمایم که مجاهدین امارت اسلامی هیچ نوع دخالت در این حادثه المناک ندارند، درعین حال ما هر آن اقدام را محکوم می نمایم که باعث ایجاد تفرقه، تعصبات قومی، مذهبی و سمتی میان ملت ما میشود وحتی ملت را میان هم درگیر میکند، این اقدامات کار حلقات استخباراتی دشمن است ، و حادثهء بدی رخ داده است وآنرا شدیدا محکوم مینمایم.

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی افغانستان

۱۴۳۷/۱۰/۱۸هـ ق

۱۳۹۵/۵/۲هـ ش ـ 2016/7/23 م





ابو عباس فاریابی

الحمدلله الواحدالاحد الفرد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد

والصلوة والسلام علی من سمیته فی السمآء باحمد وفی الارض بابی القاسیم محمد(ص)وعلی آله واصحابه الطاهرین الی الابد؛قال الله تبارک وتعالی فی محکمه وفی تنزیله:

فاعوذ باالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنّم خواهد بود و چه بد سرانجامی است؟

وایضاً قال الله تعالی سوره : الانفال آیه : 65 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُواْ مِئَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّئَةٌ يَغْلِبُواْ أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُواْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لاَّ يَفْقَهُونَ؛

ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد ترغیب کن، که اگر از شما بیست نفر شکیبا باشند بر دویست نفر غلبه می کنند، و اگر از شما يك صد تن باشند بر هزار تن از کسانی که کفر ورزیده اند پیروز می گردند، زیرا آنها گروهی هستند که نمی فهمند (فهم عمیقی از توحید که سبب تقویت صفات روحی چون شجاعت و غیره باشد ندارند.

وایضاً قال الله تعالی فی کتابه:

وَمَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاء وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَـذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيراً؛

و شما را چه شده که در راه خدا و (نجات) مستضعفان (ناتوان شدگان) از مردان و زنان و کودکان (از مسلمین مکه که در سلطه مشرکین آن روز بودند و هر مستضعفی که در سلطه مستکبران هر عصر می باشد) نمجنگید، آنان که همواره مگویند: پروردگارا، ما را از این شهری که اهلش ستمکارند بیرون بر و برای ما از جانب خود سرپرستی قرار ده و برای ما از سوی خود یاوری معینّ کن.

خداوند متعال را نهایت سپاس گذاریم که ما را بشر خلق نمود و از بین بشر هم ما را بصفت مسلمان متصف ساخت ودربین ملت مسلمه هم ملتی را بنام ملت افغان قهرمان برای جهاد انتخاب نمود و ما را هدایت بخشید تا اینکه جهاد وحب جهاد را به ما فهماند افتخار نام مجاهد ومجاهد پروری را در ادوار تاریخ به ما ارزانی داشت سپاس گذاریم ذات اقدس متعال را که مایان مصداق آیه مبارکه :

كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ؟

قرارداد تااینکه الگو و نمونه به دیگران باشیم بار دیگر شهامت پدری را به وجدان فرزندان شان به ارمغان آورد الهی اینها همه از آن توست تو به ما همت دادی تو هدایت ورهنمایی کردی و الا بشر بسیار عاجز وناتوان است، نگذارکه تنها شویم نگذارکه بی راه شویم نگذار که رسوا شویم، الهی آن کن سر انجام کار / که تو خوشنود باشی و مارستگار ..

برادران مجاهد سربکف اسلام!

تنها توصیه من به شما بعنوان یک برادر ضعیف وناتوان اینست که درتمام امورات زند گی جهادی، سیاسی، فکری، اجتماعی و علمی، فقط ازخدا بترسید ومطلب تان رضایت وخوشنودی رب العزت والجلال بوده باشد وبس.

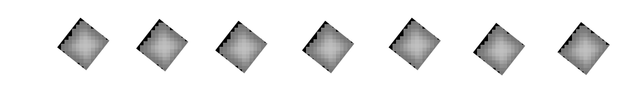
مجاهدین خستگی ناپذیر سنگرهای داغ جهاد به شما عزیزانم تأکید میدارم اینکه تقوا را پیشه کنید همیشه ازسخاوت وجوانمردی و شجاعت و اراده قوی کاربگیرید، مشورت دادن و مشوره گرفتن را دربین خود عادت کنید از بد گمانی جداً پرهیز کنید، و یاد شما باشد که مسلمین جهان چشم انتظار به پیروزی وکامیابی شما دوخته لحظه شماری میکنند بحق شما مجاهدین سربکف اسلام دعاهای نیک وخیر میکنند سرانجام خدمت به دین خدا وخلق به ذمه شما بعنوان امانت الهی بوده از آن به جدیت پاسداری کنید.

مطلب خود را با دو مصرع از شعر علامه اقبال لاهوری (رحمه الله) به پایان میرسانم:

سروری در دین ما خدمتگریست

عد ل فارو قی و فقر حید ریست

نگاهی به زندگی و کارنامه های شهید مولوی محمود سیف الله



نوشته: قاری حبیب

ترجمه: حسن مبشر

از نصوص و جریانات تاریخی ثابت است که الله متعال همیشه در هر حال و هر عصر برای نگه داشت و مقاصد دین و خلقت خود، مجاهد و رجال مبارز را پیدا می کند، تا توسط انان برای نگه داشت ، دفاع و نشر و اشاعت دین فعالیت نموده و به آن نفس تازه بدهد.

در گوشهء جنوب غرب افغانستان، منطقهء ریگستان که از حدود قندهار شروع و بشمول ساحات جنوبی ولایت هلمند تا مناطق غربی و شمالی ولایت نیمروز وسعت دارد. در این منطقه برای دوران تازه و تعهد به دین، جهاد و علوم دینی، خداوند متعال شخصی بنام مولوی محمود رحمه الله را انتخاب نمود، ایشان با کردار پر افتخار خود نه تنها اینکه منطقه را بر تجاوزگران آمریکایی به یک سنگر شکست ناپذیر تبدیل کرد، بلکه میراث تعلیم و تعلم و فرهنگ التزام به دین را از خود بجا گذاشت، که از برکت آن اکنون فکر و نظریهء جهادی در این منطقه گسترده بوده و مشعل مدارس دینی نیز روشن میباشد.

بیائید در مورد زندگی و کردار این گل شکفته در صحرای سوزان ریگسان به تماشا نشسته و از تاریخ این شخصیت مجاهد و مبارز گمنام لذت ببریم.

تولد و رشد

مولوي محمود فرزند ملا عبدالحمید از قبیلهء شاهوزی قوم بلوچ است که در سال 1392 هـ ق مصادف با 1972 میلادی در قریهء تپه نادعلی از مربوطات ولسوالی چخناسور ولایت نیمروز دیده به جهان گشود.

نامبرده تعلیمات ابتدایی خود را از خانه و مسجد شروع کرد، در زمان دوران حاکمیت کمونیست ها و تجاوز شوروی خانوادهء ایشان به ایران مهاجر شدند، ایشان مدتی را در مدارس دینی زاهدان به تعلیم پرداخت و پس از آن به مدرسهء تجوید القرآن در ایالت بلوچستان ، پاکستان رفت و به ادامهء دروس دینی در آن مدرسه مشغول گردید.

مولوي محمود رحمه الله در یک فضای و ماحول علمی و جهادی بزرگ گردید ، اگر از یکسو در نتیجهء هجرت در مدارس مختلف به تعلیم و فراگیری علوم دینی پرداخت، از جانب دیگر در آن زمان جهاد بر خلاف کمونیست ها در کشور جریان داشت ، جذبه و اشتیاق جهاد در سنین جوانی در ایشان در اوج بود، ایشان عملاً به میدان جهاد شتافته و جهاد مسلحانه را آغاز نمود

مولوي محمود رحمه الله در سنین جوانی دو سال پیش از سقوط حاکمیت داکتر نجیب برای بار نخست برای جهاد به ولایت قندهار رفت، در انجا در منطقهء ارغستان در یک معسکر جهادی تعلیمات نظامی را حاصل کرد و پس از ان در میدان های مبارزات و نبرد در جبهات جنگ در دامان، تخته پل و اطراف شهر قندهار شرکت نمود.

بعد از بازگشت از جهاد ایشان به مستونگ در ایالت بلوچستان بازگشت و در انجا به ادامهء تحصیل پرداخت، بعد از ان مولوی محمود رحمه الله در مدارس مختلف در کشورهای پاکستان و ایران به فراگیری علوم دینی پرداخت و تا ظهور امارت اسلامی به تعلیم و تعلم مشغول بود.

شرکت در امارت اسلامی و خدمات

بعد از تاسیس و پیشرفت های امارت اسلامی افغانستان هنگامیکه مجاهدین مرکز ولایت هرات را فتح کردند، بعد از مدتی مولوی محمود صاحب با تعدادی از دوستان خود به صف امارت اسلامی داخل شد، نامبرده مدتی را در شیندند ایفای وظیفه کرد و پس از آن در برج راهدار میدان هوایی قندهار توظیف گردید.

در آن هنگام که اطراف کابل در محاصرهء طالبان بود و خطوط مقدم جبهات در منطقهء چهارآسیاب بود، بر اساس ضرورت جهادی مولوی محمود صاحب با دوستان خود به چهارآسیاب رفت و در آنجا در دلگی مجاهد کبیر ملا دادالله شامل گردید.

مولوی محمود صاحب تحت قیادت شهید ملا دادالله آخند خدمات بزرگ و قابل قدری در خطوط تعرضی جنگ انجام داد، در این راستا وقتیکه به ماهرین مسلک تانک ضرورت گردید، مولوی محمود با شمار زیادی از مجاهدین به هرات رفت و در آنجا در یک دورهء خاص آموزش تانک و سلاح های ثقیله شرکت کرد و تخصص را در این بخش بدست آورد، نامبرده دوباره به کابل بازگشت و زمانیکه کابل توسط طالبان فتح گردید، مولوی محمود در شمار صدها مجاهد بود که از استقامت ریشخور به پایتخت کابل داخل شدند.

پس از فتح کابل مولوی محمود صاحب برای مدتها در خطوط جنگی در شمال کابل باقی ماند و پس از آن برای تکمیل دروس دینی خود به مدارس بازگشت و در مدارس مختلف به ادامه تحصیل شروع کرد، ایشان در سال 1418 هـ ق دستار فضیلت را از عالم مشهور سنی در ایران شیخ مولانان محمد عمر سربازی حاصل کرد و چند سال سلسلهء علوم دینی و احادیث مروجه را در الجامعة السعدیه در منطقهء کوته سبزل شهر صادق آباد پاکستان به اتمام رسانید و دستار فضیلت را بر سر نهاد.

بعد از فراغت از فراگیری علوم دینی ، هنگامیکه برای خدمت جهادی بازگشت، به هدایت و منظوری امیر المومنین ملا محمد عمر مجاهد نامبرده بحیث دلگی مشر مجاهدین بلوچ تعیین گردید، و بدین ترتیب در چوکات دلگی جداگانه و مستقل فعالیت را آغاز کرد، که تعدادی از مجاهدین و دوستانش در کابل و در ولایت شمالی تخار به خدمت مشغول بودند.

در این هنگام مولوی محمود برای مدتی نیز بحیث ولسوال ولسوالی میوند ولایت قندهار نیز ایفای وظیفه کرد، اما دوستان او در آن قطعهء جهادی خاص بسیج شده بودند که با فرمان مستقل امیر المومنین از چهار دلگی بزرگ تشکیل شده بود، مرکزیت آن در بالاحصار کابل بود و در محاذهای مختلف جنگی در کشور خدمت می کردند.

به تعقیب تجاوز آمریکا 12 تن از مجاهدین دلگی شهید مولوی محمود که سرپرستی آنرا حافظ غلام الله صاحب بر عهده داشت در جبهات تخار همراه با هزاران تن از مجاهدین دیگر یکجا زندانی شدند که از آن جمله 40 مجاهدین در هنگام انتقال توسط ملیشه های دوستم در کانتینر ها به شهادت رسیدند و متباقی مجاهدین زندانی در نتیجهء مصارف پول زیاد و تلاش های بی وقفهء مولوی محمود از زندان آزاد شدند.

شروع جهاد متقابل بر خلاف تجاوزگران

بعد از سقوط کابل مولوی محمود همراه با دوستان مجاهد و اسلحه های خودشان به مناطق سرحدی برامچه در ولسوالی دیشو در ولایت هلمند رفت. ایشان از مدتها قبل در یک منطقهء کوهستانی معسکر نظامی ایجاد کرده بود، چند روز قبل از سقوط شهر قندهار در اواسط ماه مبارک رمضان اشغالگران آمریکایی و اجیران داخلی بر بر کوه ملک در منطقهء برامچه و بر ان معسکر حمله کردند، و برای اولین بار در این منطقه جنگ شدیدی با اشغالگران امریکایی صورت گرفت که یک تانک دشمن تخریب گردید و پس از آن امریکایی ها منطقه را شدیداً بمباران کردند که در نتیجه 32 تن از مجاهدین به شهادت رسیدند، اشغالگران منطقه را طوری بمباران کردند که معسکر بصورت کامل از بین رفت، پس از آن مولوی محمود صاحب در منطقهء کوه مشکانی مرکز جهادی جدیدی ایجاد کرد، و اینبار خود را برای جنگ های چریکی آماده کرد، و از اینرو سلاح ها را محفوظ کرده و دوستان مجاهد را متفرق کرد تا هدف بمباران دشمن قرار نگیرند.

بعد از چند ماه وقفه مولوی محمود صاحب دوستان جهادی پیشین خود و تعدادی از علماء کرام را یکجا جمع کرد تا در مورد شروع جهاد با آنان گفتگو کند، مولوی عبدالعزیز جهادیار می گوید که در این مجلس مولوی صاحب گفت که: ما یک نظام اسلامی داشتیم که در نتیجهء قربانی ها فراوان تاسیس کرده بودیم، صلیبی ها آمدند و نظام اسلامی ما را از میان بردند، دشمن از هر نگاه در حالت بسیار قوی قرار دارد و ما و شما هیچ نداریم، پس در چنین صورتی ما باید چه کارهایی را انجام بدهیم؟ ایا با همین دست خالی جهاد را شروع می کنیم و یا آرام می نشینیم؟

در جواب این گفته های مولوی صاحب بعضی ها گفتند که : ما از جهاد منکر نیستیم مگر می بینیم که قوت امریکایی ها و اشغالگران بسیار زیاد است فضای و زمین را در کنترول دارند و اگر کسی در مقابلشان کوچکترین حرکتی را انجام دهند انها را از بین می برند.

مولوی صاحب در جوابشان گفت که" اگر چنین است شما در قران و احادیث یک چنین دلیل و مبرر را جستجو کنید که ما را از فریضهء جهاد معذور بداند تا به خانه ها و مدارس خود بازگردیم و زندگی زیر سلطهء امریکایی ها را شروع کنیم.

با شنیدن این سخنان تمام شرکت کنندگان مجلس خاموش شدند، اندکی بعد مولوی صاحب خاموشی را شکسته و گفت: من متیقن هستم که شما از نگاه دین چنین مبرری را یافته نمی توانید، جهاد بر خلاف کفر فرض گردیده است و اگر فرض است پس من اگر با دست خالی نیز باشم به انجام این فریضه آغاز می کنم، خیر است اگر بدست دشمنان کشته شوم ، دست و پاهایم قطع شود و یا محبوس و زندانی شوم، در انصورت در نزد خداوند متعال معذور خواهیم بود و به الله متعال خواهیم گفت که ما عزم انجام فریضهء تو را داشتیم مگر در راه انجام آن شهید شده یا معیوب و یا زندانی شدیم .

در این مجلس بعد از قناعت دادن به دوستان مولوی محمود صاحب عملاً شروع به آمادگی برای انجام حملات تعرضی بر دشمن نمود، تا اینکه دراوایل ماه ذوالحجه الحرام سال 1424 هـ ق اولین عملیاتی را بر یکی از مراکز مهم دشمن در منطقهء چوتو ولسوالی دیشو ولایت هلمند انجام داد.

حاجي ضرار که یکی از شرکت کنندگان این عملیات بود ، تعدادی زیادی از عساکر دشمن تحت قومندانی قومندان ایوب در منطقهٔ چوتو پوسته و مراکز داشتند، مجاهدین اول بر یکی از مراکز آنان حمله کردند ، پیره دار را توسط چاقو کشتند، و بعداً به مرکز داخل شدند، امام عساکر دشمن از این مرکز رفته بودندو مجاهدین غنایم زیادی بدست آوردند، مجاهدین به تعقیب دشمن در نزدیکی بازار چوتو با جنگ درگیری شدند و بشمول قومندان ایوب به تعداد 7 تن از عساکر دشمن کشته شدند و سلاح و وسایل شان به غنیمت مجاهدین درآمد.

تداوم دعوت جهادی و عملیات ها

مولوي محمود صاحب همزمان با انجام عملیات جهادی ، پروگرام دعوت را نیز تعقیب مینمود، نامبرده نزد اکثر علماء کرام ، بزرگان قبایل و متنفذین قومی رفته و به آنان دعوت جهاد می نمود، که تعدادی نیز کمک های مالی و جانی کرده و عده ای نیز اطمینان همکاری دادند، که در اینجا به عنوان نمونه میتوان به یکی از کارنامه های تاریخی یکی از بزرگان قوم بلوچ حاجي غریب شاه بزرگ قوم محمد حسني یادآوری کرد که در یک چنین حالت سخت و امتحانی به مولوی محمود صاحب گفت که: جهاد تنها بر شما فرض نیست بلکه ما نیز مسلمان هستیم و بر ما نیز فرض است، شما جهاد را شروع کنید ما با سر و مال و حتی با قربانی کردن زنان و کودکان خود در کنار شما هستیم و برای هرگونه قربانی حاضر هستیم.

مجاهدین تحت قیادت مولوی محمود صاحب در نیمهٔ سال 2003 میلادی در جنوب هلمند حملات چریکی مسلسل بر دشمن آغاز کردند که تا زمان شهادت ایشان در سال 2007 جناب مولوی محمود صاحب قوماندهٔ مجاهدین را بر عهده داشت و در این مدت عضویت کمیسیون نظامی امارت اسلامی و مسئولیت جهادی ولایت نیمروز را نیز بر عهده داشت.

در این مرحله عملیات های بسیاری تحت قوماندهٔ شهید مولوی محمود صورت گرفت ، مثلاً حملات مکرر بر ولسوالی دیشو، حملات بر مراکز و کاروان ها و پوسته های دشمن در مربوطات ولسوالی های خانشین و مارجه، حمله بر مراکز دشمن در منطقهٔ سفار ولسوالی گرمسیر، همچنین مجاهدین و همسنگران خود را به ولسوالی پنجوایی و مناطق مختلف ولایت نیمروز برای همکاری و انجام عملیات های مشترک جهادی می فرستاد.

در این مرحله مرکز جهادی مولوی محمود صاحب در کوه مشکانی در مربوطات برامچه بود که مجاهدین این مرکز همواره با مجاهدین ولایات هلمند، نیمروز و قندهار در عملیات ها شانه به شانه شرکت می کرد، همچنین در برامچه برای تدریب و آموزش مجاهدین دیگر یک معسکر تاسیس گردید که به مجاهدین بسیاری علاوه بر اعداد جهادی برای ساختن ریموت و تعلیم تخنیک های دیگر آموزش میدادند، این معسکر هم اکنون نیز با تغییر موقعیت خود موجود است و به خدمات جهادی ادامه میدهد.

در این جهادی یکبار از سوی مجاهدین مراکز ولسوالی های دیشو و خانشین نیز فتح گردیدند، از انجائیکه منطقهٔ مهم بارامچه در کنترول مجاهدین بود، در سال 2006 میلادی یک قوهٔ بزرگ دشمن به سمت برامچه حرکت کرد، اما مجاهدین در منطقهٔ ساسولی کمین گرفتند و عساکر بسیار دشمن را کشتند که اجسادشان در میدان جنگ باقی ماند.

دشمن برای جبیره کردن شکست و بردن اجساد عساکر خود قومندان امنیهٔ هلمند عبدالرحمن را با یک قوهٔ بسیار بزرگ به بهرامچه گسیل داشت اما مولوی محمود صاحب شمارهٔ مخابرهٔ او پیدا کرد و اخطار داد که اگر تا فردا از منطقه بیرون نشود مجاهدین حملهٔ مرگباری بر او انجام خواهد داد که شکست قبلی را فراموش خواهد کرد، عبدالرحمن با شنیدن این اخطار در همان شب همهٔ عساکر و تشکیلات خود را از بهرامچه بیرون کرد و بدین ترتیب ولسوالی دیشو بطور کامل در کنترول مجاهدین در آمد که تاهم اکنون بر آن حاکم هستند، پس از آن آمریکایی ها دو بار از طریق هوا بر بازار بهرامچه چاپه زدند و بازار را تخریب کردند که هر بار مجاهدین تلفات سنگینی به آنان وارد کردند، پس از ان دشمن نتوانست که در این منطقه قرارگاه و مرکز ثابتی داشته باشد.

علاوه بر خدمات جهادی در هلمند از آنجائیکه مولوی محمود صاحب مسئول جهادی ولایت نیمروز بود، در آن ولایت نیز خدمات جهادی قابل قدری انجام داد، ایشان نخست به این ولایت یک گروه از دوستان خود را به منظور دعوت ارسال داشت تا با علماء کرام، بزرگان و متنفذین و مجاهدینی که در خانه نشسته بودند را جمع کرده و پیغام جهادی ایشان را به آنان رساندند، پس از به مناطق مختلف تشکیلات را فرستاد و عملاً مبارزات و فعالیت های جهادی و متعاقب آن حملات بر دشمن را شروع کردند که در این جمله میتوان از فتح ولسوالی دلارام و کشتن امنیهٔ قومندانی آن ولسوالی نام برد، همچنین در این منطقه مرکز مهم دشمن بنام کمپ هندوانه را نیز تصرف و سوزاندند.

شهادت

سال ۲۰۰۷ که یکسال مهم فتوحات و پیشرفت عملیات های جهادی در کشور شمرده میشود، مولوی محمود صاحب میخواست که از مرکز بهرامچه به ولایت نیمروز تشکیلات جهادی گسترده ای را راه اندازی کند و برای این منظور بتاریخ هشتم جون که مصادف با روز جمعه 23 جمادی الثانی 1428 میشود هنگامیکه جناب ایشان در منطقهٔ جوکی ولسوالی دیشو در حالی آمادگی و ترتیب جهادی بود آمریکایی چاپه زده و متعاقب آن منطقه را به شدت بمباران کردند که در

نتیجه مولوی محمود سیف الله صاحب همراه با 9 تن از مجاهدین به شهادت رسید که یکی از دوستان نزدیک و مجاهد ورزیده محترم مولوی محی الدین صاحب نیز در جملهء شهداء بود.

شهید مولوي محمود رحمه الله و دیگر مجاهدین شهید شده در قبرستان مشهور شهداء در بهرامچه در مربوطات ولسوالی دیشو به خاک سپرده شدند.

چند خاطره از زندگی شهید مولوی محمود رحمه الله

شهید مولوی محمود صاحب چندین خصوصیت و اخلاق امتیازی داشت، الله متعال به ایشان علم ، عزم جهاد، جرائت، شجاعت، دیانت، تقوا و اخلاص اعطاء و نصیب کرده بود، بعضی از دوستان او در مورد شخصیت ایشان می گویند:

مولوی عبدالعزیز انصاری صاحب می گوید: " مولوی صاحب با بیت المال بسیار احتیاط می کرد، پول بیت المال را بدون ضروریات جهادی در دیگر امور خرچ نمی کرد، وقتیکه در قندهار ایفاءٔ وظیفه می کرد من مسئول امور مالی بودم، وقتیکه با دوستان برای خرید می رفت، دوستان میخواستند که میوه و مشروبات بخرند، من از مولوی صاحب پرسیدم که آیا از پول بیت المال این چیزها را بخرم؟ مولوی صاحب برایم گفت که اینها مجاهدین هستند و پول نیز ندارندداگر از من فتوا میخواهی من اجازه میدهم که برایشان بخرید، اما تقوای خودم اینست که اگر هر اندازه کم باشد باید پول بیت المال مصرف نشود".

حافظ غلام الله صاحب می گوید:"وقتیکه مولوی محمود صاحب در ولسوالی میوند بحیث ولسوال میوند اجرای وظیفه می کرد، یکروز در آنجا یکی از دوستان قاری ایوب صاحب که باشندهء آن منطقه بود مهمانی را ترتیب داده بود، مولوی صاحب به دیگر مجاهدین که در حال رفتن به خط جهادی بودند گفت که شما به مهمانی بروید، زیرا شما فردا با روز دیگر میروید ، من حاکم این منطقه هستم و آنها (کسانی که مهمانی کرده بوند) اینجا هستیم، مناسب نمی دانم که در مهمانی شرکت کنم، مبادا روزی با کسی دعوا و مشکلی داشته باشند و من باید علی السویه و بدون هیچنوع جانب داری فیصله نمایم، نمیخواهم زیر احسان کسی باشم.

حاجي ضرار می گوید: یکی از خصوصیات بزرگ مولوی صاحب این بود که با مجاهدین محبت خاص داشت، ایشان با هر مجاهد و افراد عموم طوری رفتار می کرد که او فکر می کرد مرا از مدتها قبل میشناسد و با من بسیار مهربان است، ایشان بسیار عابد بود، از استفادهء نادرست از بیت المال اجتناب و دوری می کرد، هیچ شوقی به دنیا و متاع دنیوی نداشت، و دیگر اینکه هرکس که با ایشان ملاقات کرده بود، همیشه او را دوست میداشت و خاطرهء خوبی از او در ذهن داشت. که این نشانهء محبوبیت عامه و قبولیت او بود.

مولوی خالد صاحب می گوید:" شهید مولوی محمود صاحب همانطور که بحیث یک مجاهدقهرمان و نام آور مشهور بود، همینگونه با علم، علماء کرام و مدارس همنشینی و رابطه داشت، ایشان مردم و سرمایه دارها را به تاسیس مدارس تشویق می کردو خود به علماء کرام و طلباء بسیار احترام داشت.

در امور شرعی و در ثالثیت بین طرفین بسیار محتاط و پایبند شریعت بود، یکروز یک عالم با او روبر گردید، مولوی صاحب احترام ایشان را نمود، بعداً آن عالم از جیبش مقداری کشمش بیرون کرد و به مولوی صاحب داد ، مولوی صاحب یکدانه را به دهان انداخت، آن عالم در آنوقت شروع کرد به بیان دعوا و سپارش خود، مولوی صاحب به سخنان او گوش داده بود و وقتیکه آن عارض رخصت گردید، مولوی صاحب آن یکدانه کشکمش که در دهان خود نگه داشته بود، از دهانش بیرون کرد و دور انداخت. و کشمش باقی را به مجاهدین داد و گفت:" این مرد کدام عرض و شکایت دارد و من مسئول هستم ، بهتر است چیزی از آن نخورم، شما که مجاهدین عام هستید و کدام سر و کاری با این قضایا ندارید، خوردن شما کدام باکی ندارد.

قاري هارون الرشیدمی گوید:" من در آن وقت در منطقهء تیمور چای در بهرامچه استاد شعبهء حفظ در مدرسهء بدارالعلوم بودم ، مولوی صاحب وقتیکه به امور جهادی مشغول بود و بعضاً به شکل مخفیانه به مدرسه می آمد و برای مدتی کوتاه در اینجا میماند، من که مولوی صاحب را از نزدیک دیده و با ایشان ملاقات داشتم، شخصیت معتدل مزاج، صاحب اخلاق عالی و حاکم بر نفس خود بود، من دو خاطرهء کوتاه او را که خودم شاهد بودم و کمال شخصیت او را ثابت میسازد، به عنوان مثال ذکر می کنم :

ما در مدرسه زندگی می کردیم، در اتاق از جملهء بستره ها، پوش یکی از بستره ها کمی کثیف بود، روز بعد مولوی صاحب به این اتاق رفته بودو پوش بستره را کشیده وبعد از شستن آن با آب و صابون، دیدم که مولوی صاحب انرا به آفتاب گرفته و خشک می کند، من وقتی این صحنه را دیدم ، رفتم و پوش بستره را از پیش او گرفتن و خشک کردم. هدف اینکه این شخص بزرگ علی الرغم اینکه بحیث مهمان اینجا بود ولی خدمت طلباء و مدرسه مانع آن نمیشد.

یکروز دیگر که مولوی صاحب به حیث مهمان امده و با ما بود و ما در مدرسه گوسفند حلال کرده بودیم، ما جیگر گوسفند را کباب کردیم و به مولوی صاحب بردیم، ایشان پرسان کرده که آیا این تنها برای من است یا دیگر طلباء و استادان نیز داده اید؟ ما گفتیم که نه این را تنها برای شما آماده کرده ایم.

مولوی صاحب گفت: این را به استادان ودیگران طالبان نیز بدهید، انها نیز مثل من هستند و مثل من خواهش و تقاضا دارند، من هیچنوع برتری نسبت به آنان ندارم، که شما این خورا را خصوصی برایم آماده کرده اید، برای من آن خوراک را بیاورید که همهء طلباء و دیگران از آن میخورند.

از این نوع شیوهء زندگی ایشان مشخص است که جناب ایشان بر خود، نفس و خواهشات خود کاملاً کنترول داشت و میتوانست خواهشات طبیعی را کنترول کند که این رمز موفقیت و کمال شخصیت ایشان را ثابت می کند.

بعد از شهادت مولوی محمود سیف الله رحمه الله دوست و مجاهد نزدیک او مولوی عبدالرشید صاحب بجای او تعیین گردید تا مسئولیت جهادی ایشان را به پیش ببرد.

***

۳



هلمند را بهتر بشناسیم

نویسنده: بریالی

ولسوالی مارجه

مارجه ولسوالی شناخته شده که هزار ها عسکر امریکایی و انگلیسی را در خود بلعید و صدها نیروی بحری پیمان کفری ناتو ، صد ها تانگ زرهی وغولپیکر، دها هلیکوپتر نظامی اشغالگران قرن 21 را بلعید.

در شمال این ولسوالی کفر شکن، ولسوالی نادعلی، جنوب آن ریگستان بزرگ و ولسوآلی خانشین ،ازطرف غرب اش به ولایت فراه و از طرف شرق به ولسوالی ناوه و گرمسیر وصل است .

این ولسوالی استراتیژیک که حیثیت قبرستان اشغالگران را دارا میباشد، در ابتدای هجوم دنیای کفر تحت اشغال امریکائیها و همپیمانان و اجیران شان قرار گرفت، دیری نگذشت که حملات کفر شکن و طاغوت شکن مجاهدین بالای ولسوالی مارجه آغاز شب تاریک را برای شان رقم زد و آنجا برای اشغالگران به گودال جهنم تبدیل شد ، یکی از ابر مردان سنگر جهاد که از اوایل تحریک طالبان افغانستان تا اکنون علیه ظلم، استبداد، شر و فساد و اشغال میرزمد فتح ولسوالی مارجه را چنین بیان میکند .

جهاد ما در هلمند آغاز و در همه جا حماسه سازان تاریخ علیه کفار مصروف جنگ بودند با آنکه مریضی سخت عاید حالم گردیده بود مسئول جهادی ولایت هلمند توسط وسایل ارتباطی دقایقی صحبت نمودیم ،بعد پیرامون جنگ بالای ولسوالی مارجه و فتح نمودن مرکز آن نظر خواست، اصرار بر این داشت که باید در حمله اول روح و قلب دشمن از بین برود و ولسوالی کفر شکن مارجه فتح گردد، در همان شب بالای تمام نقاط جنگی، کمر بند های ایجاد شده و راهای منتها شده به ولسوالی گشت زدم بعد از ارایه نظر تصمیم بر حمله شد که به فضل و نصرت الله متعال این حمله کفر شکن مجاهدین سرسپرده امارت اسلامی تکبیرگویان آغاز یافت دیری نگذشت که طبق سنت الله متعال، حق پیروز گشت و باطل شکست خورد و مرکز ولسوالی فتح شد و الله جل جلاله مسلمانها را توسط این فتح مسرور و ملت مظلوم و مجاهد پر ور این دیار شب وروز آرام را آغاز نمودند.

بلی! قانون کفری دموکراسی در آن ولسوالی ریشه کن گردید ، قانون قرآن وشریعت اسلام که همانا تحکیم اش بالای مسلمانها فرض میباشد با استقبال و علاقه تمام ملت آن دیار قابل قبول و مایه آرامش گردید .

بلی مارجه فتح شد لکه ننگین بر دامن غرب وغرب پرستان خار چشم ناتو و همپیمانان اش قرار گرفت، این فتح بعد از تجاوز امریکایی ها اولین فتح بود که دشمنان الله در آن شرمسار و نابود و مایوس گردیدند، این فتح نوید بخش برای تمام مظلومین و مجاهدین غیور در تمام جهان اسلام به شمار میرفت ،همه اهل اسلام از فتح مارجه خوشحالی مینمودند و شکست امریکای جنایت کار را حتمی دانسته مبارزه علیه آنها را امکان پذیر تلقی کردند.

بلی! فتح مارجه بر مسلمانان شرق وغرب پیروزی نزدیک را امید بخشید و شکست اشغالگران را در آینده، توسط نور ایمان مجاهدین دلیر امارت اسلامی مشاهده نمودند.

یقین شان کامل شد عزم شان برپیروزی اسلام جزم گردید ، نه بمبار دمان بی52، نه هلیکوپترهای اپاچی، نه تانگ های 16تنی ، نه نیروهای اسپیشل فورس بحری ، نه چاپه های هوایی نه هم هزاران عسکر مزدور و تربیه شدۀ شان در مقابل جهاد و ایمان راسخ مجاهدین کار آمد شد.

آنها خوار وذلیل فرار را برقرار ترجیح دادند و منطقه مجاهد پرور مارجه تحت کنترول مجاهدین در آمد و مجاهدین با خوشحالی تمام وارد منطقه شدند.

سالیان سال این منطقه تحت کنترول مجاهدین بود هزاران نفر ازاین خاک سلحشوران به صفوف مجاهدین پیوستند و به ملت آن دیار یقین کامل گردید که ما پیروز هستیم و قانون کفری باهمه قوت های نظامی و تکنالوجی عصری اش مغلوب است.

بعد ازینکه این منطقه خارچشم برای کفار ولکه ننگین بر دامن قوت های ناتو و اشغالگران خونخوار مبدل شد دیگر عذر و بهانه برای جهانیان نداشتند مجبور براین بودند که سربازان پلید خویش را دوشادوش عساکر مزدور افغانی به گورستان مارجه بفرستند با آنکه هویدا بود که دیگر در مارجه آرام نخواهیم گرفت و هر وجب این خاک برای ما تبدیل به گودال جهنم خواهد گشت.

همه کفار و اجیران حلقه به گوش ناتو قوت های نظامی خود را جمع نموده هزاران عسکر پلید و خون آشام امریکا و ناتو باچندین هزار تانگ و صدها طیاره بی پیلوت و هلیکوپترهای اپاچی، و بیش از ۴ هزار عسکر اردوی اجیر و هزارها پولیس و اربکی با تمام جنرال ها و افسران بلند رتبه خارجی و داخلی نقشه زهرآگین مارجه را برای اشغال دوباره آن طرح ریزی مینمودند .

در مقابل همان مجاهدین منطقه که منور به نور ایمان، غیرت اسلام، شجاعت، اخلاص و عقیده راسخ خویش را به کار گرفته و بر رب ذوالجلال که همانا بندگان اخلاص مند خویش را در وقت سختی می آزماید توکل نموده تمام تدابیر نظامی و جنگی خویش را به کار گرفتند .

دشمن تلفات و خسارات خویش را مخفی نگه میداشتند ، بالمقابل صدها مجاهد را شهید، زخمی و اسیر اعلان مینمودند؛ ولی واقعیت چیزی دیگری بود که گاه گاهی از زبان نوکران حلقه بگوش کمونست های دیروز و دموکراتان امروز افشاء
می شد.

با مایوسی تمام اقرار میکرد که طالب ها (مجاهدین) بسیار به شکل تاکتیکی تمام ساحات و راهای مواصلاتی را ماین گذاری نموده اند که به شکل پیچیده و مرموز عراده جات زرهی دار ، تانگ های خارجی ها و پر سونل پیاده مارا مورد هدف قرار میدادند، بلی آنها اعتراف مینمودند که مجاهدین از تاکتیک های جنگی پیچیده کار میگیرند و با استفاده نمودن از این تاکتیک ها باعث تخریب صدها عراده جات نظامی عساکر خارجی و افغانی شده اند.

هزاران عسکر صلیبی وهزاران عسکر اردوی اجیر بسیار به کندی پیش میرفتند آنها از۱۰۰متری سرک به یک روز میتوانستند عبور نمایند.

یکی از مجاهدین وقهرمانان همان وقت چی زیبا حالت را بیان میکند:

با ظهور دشمن عملیات خویش را آغاز می نمودیم طناب انفجاری که قطر آن۵ الی۱۰ سانتی متر بود توسط تانگ ها و وسایل خاص بالای سرک پرتاب میشد بعد از انفجار مین های کار گذاری شده توسط مجاهدین، منفجر می گردیدند به همان اندازه که طناب انفجار کرده بود کفار فقط همان اندازه پیش میرفتند که انفجار این طناب ها خود یک ضربه اقتصادی کمر شکن برای کفار بود ، مجاهدین با دیدن این حالت مین های خویش را از حالت قبلی نیم متر پائین تر جابجا میکردند ،همان بود که به نصرت الهی انفجار این طناب ها نیز برای شان کار آمد نشد چون بعد از اینکه مجاهدین مین های خود را از حالت قبلی نیم متر پائین تر جابجا میکردند انفجار طناب انفجاری برای مین آسیب نمیتوانست برساند همان بود که موانع بزرگ خاکی نیز توسط انفجار طناب از بین میرفت ومین جابجا شده برای انفجار بسیار خوب مناسب میگردید، بعد ازین تانک های غول پیکرکه تصمیم بر پیش روی داشتند با انفجار مهلک ماین های باقی مانده بالای آنها، تمام شان را تار و مار میکردند.

مجاهد قهرمان دیگری قصه عجیب تعریف می کرد که:

بعد ازینکه کفار شکست خورده و مورال باخته، سرک ها را منفجر میساختند ما در جوی های پهلوی سرک مخفی میشدیم تانک ها پیش روی میکردند از ما تیر میشدند بعد از گذشت تانک ها از جوی ها بلند شده بشکه های انفجاری خویش را جابجا مینمودیم چون با انفجار سرک خاک نرم شده مین های ما به آسانی جابجا می شدند، بعد از اینکه کفار به قرار گاهای خود باز میگشتند مین ها بالای شان انفجار میکردند که از کشته های شان پشته ها بجا میماندند.

بلی! این حالت تا زمانی ادامه داشت تا اینکه مجاهدین از روی تاکتیک جنگی و عدم رسیدن تلفات و خسارات به مردم ملکی از مارجه آهسته آهسته عقب نشینی نمودند .



دشمن پلید با مصارف گزاف یک مشت خود فروخته را منحیث اربکی در این ولسوالی و چهار اطراف اش جابجا نمود که تخم نفاق در بین مردم آنجا به حاصل گذاشته شد.

بعد از اشغال دوباره مارجه توسط صلیبیها عرصه زندگی بر ملت آن دیار دشوار گشت مسلمانان باعزت و غیرت مند آن دیار هرکدام به نوبت از مارجه بیرون میشدند همه مال و دارای خویش را رها نموده به دشت ها و ولسوالی های دیگر هجرت میکردند.

مارجه دیگر برای مسلمانها جای آرامش نبود مارجه شکل قلعه نظامی را بخود اختیار نموده بود ، اشغالگران صلیبی صدها قراگاه خورد وبزرگ برای خود و اردوی اجیر و اربکی ها ساختند ولی این آرمان شان بخاک یکسان گردید و هرگز آرام نگرفتند روزی بالای شان نگذشت که در مارجه آرام بمانند و بجز ترس و هراس مجاهدین به قلب شان راه گرفته بدن شان را به لرزه در می آورد .

صدها تانگ شان پارچه پارچه شد هزاران عسکر پلید شان کشته، معیوب و ازبین رفت این حملات ادامه داشت تا آنکه الله رب العزت مجاهدین را نصرت بخشید و کفار اشغالگر شکست خوردند هلمند را آهسته آهسته ترک گفته از قرارگاهای خویش فرار مینمودند.

با شروع عملیات کفرشکن عزم مجاهدین توجه خاص بر فتوحات مناطق استراتیژیک ومراکز ولسوالی ها نمودند که از آن جمله ولسوالی های نوزاد،موسی قلعه، کجکی و باباجی بصورت کامل باهمه پوسته ها وساحات استراتیژیک آن فتح گردیدند.

شب سه شنبه۲۱محرم ۱۴۳۷هق صدها مجاهد مسلح با تاکتیک های جنگی خاص که برخور دار بودند حملات وسیع خویش را بالای مارجه آغاز نمودند ، از آنجا که برای همه هویدا میباشد ماموریت مارجه که در منطقه سیپن قرار دارد حیثیت دروازه ورودی مارجه را به خود اختصاص داده مزدوران حلقه بگوش و اجیران دالربگیر امریکا از یک هفته قبل آمادگی برای دفاع از مارجه را در سرمی پروراندند بنأ صدها عسکر، تانگ و مهمات بیشمار خویش را در ماموریت سیپن و پوسته های چهار اطراف اش انبار نموده بودند ولی این هم برای شان یقین بود که با شروع عملیات مجاهدین عساکر وحشت زده ،مورال باخته، چرسی و پودریها تاب مقاومت در مقابل مجاهدین را نمیداشته باشند .

خوب به یاد دارم شب بارانی و بسیار تاریک بود مجاهدین وارد منطقه شدند تکبیر گویان بسوی سیپن شتافتند با سردادند نعره الله اکبر عملیات مجاهدین آغاز شد عجیب لحظه ای بود و عجیب صحنه ای، جنگ شروع شد صدای اظهارات دشمن از داخل سیپن بگوش میرسید به قومندانان چهار اطراف خود اطمینان میدادند و میگفتند که مشکل نیست اما دیری نگذشت که دیگر از سیپن صدایی بلند نشد همه مخابره ها وشبکه های شان خاموش گشت اجیران حلقه بگوش صدا میزدند و چیغ میزدند که چرا ماموریت والا جواب نمیدهد ولی کور خانده بودند تا هنوز ندانسته بودند که چی کسانی به سراغ شان رفته اند ؟

چی کسانی را الله رب العزت بالای شان نازل نموده است ؟

بلی آنان کسانی بودند که مرگ را از زندگی خویش ترجیح میدادند شهادت را افتخار میدانستند و تشنه آن بودند.

همان بود که دشمن اجیر با تمام وارخطایی از نقطه دور دست چنین گفت ، دیگر بالای ماموریت والا صدا نکنید ماموریت سقوط کرد!

آن دیگر برایش گفت این چی قسم ماموریت بود که به این زودی سقوط کرد؟

بلی! ما بسوی ماموریت شتافتیم از آن سو مجاهدین فاتحانه از ماموریت بسوی سنگر های نبرد باز میگشتند و باخود سلاح های غنیمت شده را حمل میمونودند دها کشته دشمن در این جنگ بجا مانده بود به نصرت الله متعال حتی یک نفر مجاهدهم کوچک ترین زخم را برنداشته بود.

بلی! مجاهدین فاتحانه بسوی مرکز ولسوالی در حرکت بودند تا اینکه در مناطق گروه چهار راهی و عبدالرحمن جو چهار راهی رسیدند .

دیری نگذشت که قرارگاه های مستحکم و پوسته های بلند شان یکی پی دیگری به دست مجاهدین فتح گردیدند صدها میل اسلحه، تانگ و مهمات غنیمت شد.

قرارگاه های آویانو ژرنده ، عبدالله قلف، مرداره گوره، سیپن، قرارگاه تندر، حاجی حیدر اده، ماموریت کیمپ، سپین و دها پوسته وقرارگاه های خورد وکلان که از صلیبیها به اجیران وغلامان شان به میراث مانده بود توسط حملات کفر شکن مجاهدین یکی پی دیگر فتح میشدند.

این حالت ادامه داشت تا آنکه مجاهدین بزودی بالای پی آرتی و مرکز ولسوالی حملات خویش را آغاز نمودند کیمپ محاصره شد و راه مواصلاتی بین ولسوالی و کندک کیمپ قطع گردیدند.

محاصره کیمپ تنگ تر میشد و مرکز ولسوالی نیز محاصره شد.

مجاهدین بسوی منطقه تریخ ناور که یک حوزه از مارجه است شتافتند.

در تمام دوران اشغال امریکایی فقط ٦ماه دنیای کفر در آنجا قرارگرفت وبس .

آن منطقه بعد از سقوط امارت اسلامی افغانستان الی ٦ماه قبل از عملیات عزم بدست مجاهدین امارت اسلامی قرار داشت.

تریخ نور برای دنیای کفر گودالی از جهنم گشته بود صدها عملیات دشمن در آنجا به شکست مواجه گردید وجب به وجب خاک آن بخون امریکایها واجیران شان مالیده شد .

آن منطقه استراتیژیک و وسیع که دشمن در طول ۱۴سال اشغال نتوانست تصرف کند، مجاهدین امارت اسلامی افغانستان فقط درکمتراز۷ساعت تمام تریخ ناور رافتح نمودند.

خوب به یاد دارم که یک فیر راکت بالای پوسته کمربند تریخ ناور صورت گرفت دشمن بزدل ٦پوسته دیگر را از ترس تخلیه نمود شام همان روز تمام تریخ ناور فتح شد ودشمن خود را به سرک عمومی لشکرگاه مارجه رساند.

همان بود که مردم مظلوم آن دیار دوباره بسوی خانه های خود برگشتند و پوسته های فتح شده همه توسط اهالی منطقه یکی پی دیگر تخریب میشد.

فعلا تمام ساحات مارجه تحت کنترول مجاهدین قرار دارد با اینکه دشمن بارها عملیاتهای گوناگون با القاب مختلف توسط بادارهای شکست خورده خویش راه انداختند ولی هیچ فایده نیافتند شکست خورند و شرمنده برگشتند طیاره های شان سقوط کرد، افسران شان کشته شد، تانگهای شان منفجر گشت ولی مجاهدین به فضل الله متعال پابرجا و چون کوه مستحکم ومقاوم هستند.

ادامه دارد.....

نظام اسلامی ما وابسته به شخصیت ها نیست

ابو طیب جوزجانی

امریکا و متحدینش حدس می زنند که با از بین بردن شخصیت ها و رهبران مجاهدین نظام اسلامی منحل و نابود می شود درهمین اواخر در رابطه به شهادت رسیدن امیر المؤمنین فقید ملا اختر محمد منصور رحمه الله، غربی ها و حامیان شان طبل و دهل های شان را بصدا در آوردند به این خیال که گویا مجاهدین امارت اسلامی در حال اضمحلال و دچار پراگندگی گردیده به مشکلات درونی مواجه میشوند، زلمی خلیل زاد که در تبصره ومصاحبه های خود همواره تأ کید می ورزید که رهبران طالبان در هر جائیکه هستند به اهداف نظامی مواجه خواهند شد، در ردیف آن اشتون کارتر وزیر دفاع امریکا نیز بخاطر تسکین بخشیدن قلب های متزلزل مزدوران خود وارد کابل گردید و بهمین موضوع اشاره کرد، و چنانچه در رابطه به وفات ابر مرد تاریخ تجسیم شهامت و حریت امیر المؤمنین فقید ملا محمد عمر مجاهد رحمه الله دشمنان قسم خوردۀ اسلام اینچنین هیاهو و لا طایلات براه انداخته بودند.

در اصل تاریخ بر این گواه است که کفار و مشرکین جهت نیل به اهداف استراتیژک شوم شان همیشه دست به کشتار های جمعی و ترور شخصیت های سیاسی ، نظامی و فرهنگی می زنند و جهت تضعیف لشکریان اسلام تحریم های اقتصادی را بالای ملت های بی دفاع تحمیل می نمایند خلاصه به هر اسباب و وسائلیکه ممکن و در دسترس شان قرار دارد از قبیل ترساندن ، ارعاب و اذیت مسلمانان جهت نابودی نظام اسلامی متوسل می شوند، در حقیقت بنا بر مشاهدات و نگریستن به ذخایر تاریخی و منطق عقل سلیم بصورت قطع گفته میتوانیم نظام اسلامی وابسته به شخصیت ها نیست به این معنی که رهبران وزبدگان اسلامی احیانا رحلت میکنند و یا بشهادت می رسند نظام اسلامی بر جای خود باقیست؛ چنانچه سردار رشید اسلام جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم دنیای فانی را بقصد دیدار و ملاقات محبوب وداع می کنند آوازۀ وفات شان در بین صحابه رضوان الله علیهم اجمعین شایع می گردد عمر فاروق رضی الله عنه چونکه جدایی محبوب دو جهان را تحمل کرده نمی توانست شمیر به دست گرفته اعلام میدارد که هر کس که بگوید رسول الله صلی الله علیه و سلم وفات نموده گردنش را به شمشیر قطع می کنم در آن حال حضرت ابو بکر صدیق حضور پیدا می شود و ندا کرد که ای مردم هر کسیکه محمد صلی الله علیه وسلم را پرستش وعبادت می کرد رسول الله از دنیا رحلت نموده و اما هر کسیکه الله متعال را عبادت میکند ذات او باقیست.

چونکه نظام اسلامی از ماورای طبیعت نشأت می گیرد و اساس و شالودۀ آن را ذاتی بنا کرده که دارای قدرت قاهره و باهره است، نظامیکه دسته های کودتاگر یا هسته های کوچک و محدود مسلح می سازند این نظام اسلامی با آنها بکلی متفاوت است نظام اسلامی نظامیکه اساس آن را آن ذات کبریا نهاده آیۀ کریمه بر ادعای ما صراحت میبخشد: »الم تر کیف ضرب الله کلمة طیبة کشجرة طیبة اصلها ثابت وفرعها فی السماء « ترجمه: (آیا ندیدی ای پیامبر اسلام چگونه خداوند کلمۀ طیبه را بدرخت پاکیزۀ تشبیه کرد که ریشه اش در زمین ثابت وشا خهایش در آسمان است).

البته آسیب ها وخطر ها متوجه مجریان نظام اسلامی از نظر نباید انداخت و اما راه مصؤنیت از آن نیز وجود دارد وخطر های را در مسیر پیکر رهبران ورزمنگان نظام اسلامی تخمین زده میشود باید شناسایی کرد تا اینکه علاج وچارۀ آن کرده شود و در مواجه با آن با طرز حیرت و تردید پیش نباید آمد؛ از جمله آسیب های که در پیکر مبارزین نظام اسلامی رخنه وارد میکند مرعوب ومتأ ثر شدن از همهمه های ظاهری مستکبران واحساس ترس از تکنالوژی ووسایل پیشرفتۀ امریکا ودیگر قدرت های غربی که دار ومدار آن آنها را مادیات تشکیل می دهند است.

.... بقیه در صفحه (۳۹)

سید سعید



خوانندگان گرامی همچنانکه می دانید در طول پانزده سال گذشته به این سو، دشمن اشغالگر بطور روز مره بازار قتل ، کشتار و توهین به مقدسات ملت آزاد افغانستان را گرم ساخته است و با تبلیغات مذبوحانه در صدد مخفی کردن این جنایات است و با تمام قدرت مالی و تبلیغاتی و سیاسی خویش مجاهدین را متهم به این جنایت می کند ، بناء ما تلاش کردیم تا گوشه ای از این جنایات را که در طول ماه های جون و جولایی توسط این جنایت کاران صورت گرفته است از رسانه های آزاد گرد آوری نموده و خدمت شما تقدیم کنیم تا حقیقت آنچه در افغانستان به وقوع می پیوندند برای همه آشکار شده و چهرهٔ مکروه و زشت این مدعیان حقوق بشر برای همه واضح و عیان شود .

در ماه جون و جولایی ۲۰۱٦ میلادی

به تاریخ ۳ جون:

در ولایت قندهار ، در حین درگیری درمیان طالبان و نیروهای دولتی در منطقهٔ اسحاق زی ولسوالی معروف در اثر فایر هاوان از سوی عساکر دولتی ، سه تن افراد ملکی به شهادت رسیدند ، یک کودک و دو خانم جراحت برداشتند .

در ولایت فاریاب ، در منطقهٔ کنجک ولسوالی چهل گزی در اثر بمب باران نیروهای داخلی سه تن افراد ملکی مجروح گشتند .

به تاریخ ۴ جون :

در ولایت ننگرهار ، نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی در سلسلهٔ عملیات شب هنگام بر خانه های مسکونی یک عده مردم ملکی در منطقهٔ لوخی ولسوالی خوگیانی شب هنگام چاپه زدند و پس ازین که خانه ها را تلاشی گرفتند یک فرد ملکی و دو طفل را به عنوان اسیر گرفتار نمودند .

به تاریخ ۵ جون :

در ولایت سمنگان ، اربکی ها در منطقهٔ مونغر ولسوالی حضرت سلطان یک تن فرد ملکی را شهید ساختند و یک تن دیگر را زخمی نمودند .

به تاریخ ۷ جون :

در ولایت بغلان ، باشندگان ولسوالی جلگه به رسانه ها گفته اند که شب گذشته افراد مسلح وابسته به قومندان انعام الله سه تن برادران را که دهقان بودند به شهادت رسانیده اند و سه تن دیگر را مجروح ساخته اند ، مردم دلیلِ وقوع این قضیه را چنین بیان نمودند : درمیان مقتولین و اربکی ها در موضوع تقسیم آب تنش لفظی صورت گرفت ، سپس در اثر گلوله باری اربکی ها سه تن برادران کشته شدند و سه تن دیگر جراحت برداشتند .

به تاریخ ۹ جون :

در ولایت قندهار ، نیروهای اشغالگر به همراهی عساکر داخلی در منطقهٔ سنگبر ولسوالی میوند نصف شب چاپه زدند ، ٦ تن مردم ملکی را شهید ساختند و ۱۳ تن را به عنوان اسیر با خود بردند ، به گفتهٔ مردم محل : درین چاپه موتر و موتر سایکل های مردم ملکی سوزانیده شده است و تلفات سنگین مالی نیز به اهالی این منطقه وارد شده است .

به تاریخ ۱۰ جون :

در ولایت قندوز ، نیروهای اشغالگر به همکاری عساکر اجیر در قریه ملرغی که از مربوطات مرکز این ولایت است بر خانه های مسکونی مردم چاپه زده ۱۷ تن مردم ملکی را که شامل بزرگ سالان نیز است به اسارت گرفتند ، به گفتهٔ شاهدان عینی : نیروهای مشترک زمانی که خانه ها را تلاشی می گرفتند مردم را لت و کوب کرده اند و دارای مردم را نیز چور نموده اند .

به تاریخ ۱۱ جون :

در ولایت لوگر ، در منطقهٔ سیاندو کس که درمیان ولسوالی ازره و حصارک قرار دارد در اثر یک حملهٔ درون ۱۱ تن مردم ملکی به شهادت رسیدند ، عبدالولی وکیل عضو شورای ولایتی لوگر در ضمنِ تایید این قضیه گفت : درین حمله هم طلبان و هم مردم ملکی کشته شدهَ اند .

به تاریخ ۱۲ جون :

در ولایت میدان وردگ ، در منطقهٔ اتری ولسوالی سید آباد در نتیجهٔ حملهٔ درون از سوی اشغالگران یک فرد ملکی (کوچی) به شهادت رسید .

به تاریخ ۱۳ جون :

در ولایت فراه ، قرار یک خبر اژانس پژواک در نتیجه ای بمب باران نیروهای هوای دولت مشترک بر مراسم جنازه ۵ تن مردم ملکی به شمول زنان و کودکان در منطقهٔ فراه رود این ولایت شهید شدند و ۳۰ تن دیگر جراحت برداشتند ، این حادثه ای خونین زمانی به وقوع پیوست که برخی از شرکت کنندگان جنازه پس از دفن میت از قبرستان بیرون شدند و شماری از اعضاء خانواده و نزدیکان میت هنوز بر سر قبر ایستاده بودند و هدف بمب باران قرار گرفتند ، مقامات دولتی فراه وقوع این قضیه را تایید می کنند و می افزایند که این بمب باران از سوی قول اردو ۲۰۷ ظفر (هرات) صورت گرفته است .

در ولایت جوزجان ، در ساحه ای یتیم تاغ وال مغل که از مربوطات مرکز این ولایت است افراد مسلح وابسته به ژنرال دوستم بر خانه های مردم هجوم بردند ، در هنگام تلاشی اموال و اجناس بیش بهای مردم را دزدیده اند ، مردم را لت و کوب نموده اند ، تعدادی را گرفتار نموده اند ، در اخیر ده ها خانه را درین منطقه آتش زده اند که در نتیجه ده ها فامیل خانه های خود را از دست داده اند .

در ولایت زابل ، اربکی ها یک موسفید هفتاد ساله را در منطقهٔ سرخ سنگ ولسوالی ارغنداب که در باغ مصروف کار بود شهید ساختند .

در ولایت بادغیس ، اربکی ها یک فرد ملکی را در منطقهٔ بند شرم ولسوالی آب کمری به شهادت رسانیدند و سه خانه را آتش زدند .

در ولایت بادغیس ، مقامات محلی رژیم کابل پس ازینکه در مرکز ولسوالی بالا مرغاب شمار حملهٔ طالبان شدند دو فرد ملکی را (هر یک جمعه گل ولد حاجی تورجان باشنده ای قریهٔ جوی خواجه و نجم الدین ولد دستگیر باشنده ای مرغاب) نخست به شهادت رسانیدند و سپس آتش زدند .

در ولایت بغلان ، اربکی ها یک تن پیش امام را در منطقهٔ شهر کهنه ای ولسوالی بغلان مرکزی با خود بردند و سپس شهید ساختند .

به تاریخ ۱۴ جون :

در ولایت پکتیا ، در منطقهٔ کوهی ولسوالی زرمت در اثر فایر هاوان از سوی عساکر داخلی یک کودک شهید و د کودک دیگر رخمی شدند .

در ولایت بادغیس ، در هنگام چاپه ای عساکر داخلی در منطقهٔ کهنه قل ولسوالی آب کمری یک فرد ملکی (عزت الله) به شهادت رسید و یک فرد دیگر جراحت برداشت .

به تاریخ ۱۵ جون :

در ولایت قندهار ، نیروهای اشغالگر و عساکر داخلی در طی یک چاپه ای مشترک در منطقهٔ زنگتان ولسوالی شاولیکوت دروازه های خانه های مردم را شکسته اند ، خانه ها را تلاشی گرفته اند ، مردم را شکنجه و تهدید نموده اند ، اجناس بیش بها را دزدیده اند و ٦ تن مردم ملکی را در داخل خانه های شان به شهادت رسانیده اند .

به تاریخ ۱۷ جون :

در ولایت ننگرهار ، اربکی ها دو تن مردم ملکی را که پدر و پسر- بودند در منطقهٔ وزیر ولسوالی خوگیانی به شهادت رسانیده اند .

به تاریخ ۱۸ جون :

در ولایت ارزگان ، در منطقهٔ بازار گاری ولسوالی هراود سه تن مردم ملکی در اثر بمب باران عساکر داخلی به شهادت رسیدند و یازده تن دیگر زخمی شدند .

به تاریخ ۲۰ جون :

در ولایت ارزگان ، در اثر فایر مرمی های هاوان از سوی عساکر داخلی در منطقهٔ غوچک ولسوالی چهارچین ، یک خانم و دو کودک در خانه ای عبدالحلیم و یک خانم و سه کودک در خانه ای حیات الله به شهادت رسیدند .

در ولایت فاریاب ، در مربوطات ولسوالی گرزیوان در اثر بمب باران نیروهای داخلی یک چوپان شهید و یک زن زخمی شده است .

به تاریخ ۲۱ جون :

در ولایت پکتیکا ، اربکی ها یک فرد ملکی را در منطقهٔ مغلی ولسوالی یحیی خیل به شهادت رسانیدند .

در ولایت فاریاب ، عساکر داخلی یک فرد ملکی را به اتهام همکاری با طالبان در بازار تگاب شان ولسوالی گرزیوان به شهادت رسانیدند .

به تاریخ ۲۲ جون :

در ولایت پکتیکا ، عساکر داخلی یک فرد ملکی (بخت محمد) را در نزدیکی ساختمان مرکزی ولسوالی متاخان شهید ساختند .

به تاریخ ۲۳ جون :

در ولایت ارزگان ، عساکر داخلی دو فرد ملکی را در منطقهٔ دهزک ولسوالی هراود شهید و سه تن دیگر را زخمی ساختند .

به تاریخ ۲۴ جون :

در ولایت قندهار ، نیروهای اشغالگر به همکاری عساکر داخلی در منطقهٔ چغنیان ولسوالی شاولیکوت چاپه زدند ، مردم را از خانه ها بیرون کشیدند ، موترها را آتش زدند و چهار تن افراد ملکی را با خود به عنوان اسیر انتقال دادند .

به تاریخ ۲٦ جون :

در ولایت بادغیس ، در منطقهٔ پی آر تی ولسوالی غورماچ در اثر فایر سلاح های ثقیل از سوی عساکر داخلی ، دو طفل به شهادت رسیدند .

به تاریخ ۲۸ جون :

در ولایت میدان وردگ ، در اثر فایر توپخانه ای عساکر داخلی یک زن و یک کودک در منطقهٔ سلطان خیل ولسوالی سیدآباد مجروح گشتند ، همچنان در همین روز عساکر داخلی در شاهراه کابل - قندهار بر یک موتر مسافر بری ۳۰۳ فیر نمودند که در نتیجه یک مسافر شهید و یک زن و یک کودک جراحت برداشتند .

در ولایت میدان وردگ ، عساکر داخلی یک فرد ملکی (لاجبر اکا) را در حال که مصروف کشاورزی بود در نزدیکی مرکز ولسوالی چک شهید ساختند .

به تاریخ ۲۸ جون ، رسانه ها از زبان مردم محل چنان راپورها را به نشر رسانیدند که ملیشه های ژنرال دوستم در هفته ای اخیر ماه جون در ولایت فاریاب در منطقهٔ استانه بابا (ولسوالی شیرین تگاب) مناطق متعددی ولسوالی دولت آباد ده ها خانه های مردم ملکی را آتش زده اند ، دکان ها را به تاراج برده اند ، اجناس بیش بها را سرقت نموده اند ، هفتاد تن مردم ملکی را به اسارت گرفته اند ، ده ها عراده وسایط نقلیه و صدها حیوانات خانگی (گوسفند و بزها) را با خود برده اند .

به تاریخ ۳۰ جون :

در ولایت هلمند ، در اثر فایر هاوان از سوی عساکر داخلی یک فرد ملکی با خانم اش در منطقهٔ تپه ای خان آغا در ولسوالی خانشین به شهادت رسیدند و دو طفل آنان زخم برداشته اند .

جنایات جنگی (جولای)

بتاریخ اول جولای بزرگان قومی ولسوالی پشتونکوت ولایت فاریاب به رسانه ها گفتند که جنرال دوستم تحت نام عملیات بر ضد طالبان 70 تن از باشندگان ملکی بشمول زنان، کودکان، و سالخوردگان را به شهادت رسانده و بیشتر از سه صد تن دیگر را بازداشت و زندانی کردند و خانه ها و منازل مردم را تخریب کردند.

بتاریخ سوم جولای یکی از بزرگان قومی ولایت سرپل در دیدار با انجینر محمد خان معاون اول ریاست اجرائیه در کابل گفت که ملیشه ها و افراد مسلح مربوط جنرال دوستم معاون اول اشرف غنی خانه های آنها را آتش زده ، تخریب نموده و مردمان ملکی را به اتهام طالب بودن دستگیر و زندانی کرده اند، آنها به رسانه ها و مطبوعات پیشنهاد کردند که به منطقه بیایند و وضعیت اسفناک و خانه های ویران شدهء مردم در منطقه را خود مشاهده کنند.

بتاریخ پنجم جولای در منطقهء باغکی ولسوالی خاکریز ولایت قندهار در بمبار اشغالگران 5 تن از باشندگان منطقه بشمول 2 زن شهید و 4 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ ششم جولای(در روز نخست عید فطر) در منطقهء شمبوات ولسوالی نادرشاه کوت ولایت خوست عساکر محلی یک موتر سراچه که زنان را به شفاخانه انتقال میداد، را هدف قرار داده و زن بیمار به شهادت رسیده و فرزندش اسلام الدین زخمی گردید.

بتاریخ چهاردهم جولای در نزدیکی مرکز ولایت زابل (شهر قلات) عساکر داخلی بر ساحات مسکونی فیر هاوان کردند که 7 تن اعضای یک خانواده شهید و زخمی شدند، در جملهء شهداء و زخمی ها دو کودک خردسال شهید شده و 5 زن و کودک زخمی شدند.

بتاریخ چهاردهم جولای در قریهء سمن قلعه ولسوالی مقر ولایت غزنی ملیشه های اربکی یک طالب العلم پانزده ساله مدرسه بنام عطاء الله ولد خیال محمد را دستگیر، شکنجه و به شهادت رساندند.

بتاریخ چهاردهم جولای در منطقهء شهدای ریگ در مربوطات ولسوالی میوند ولایت قندهار نیروهای اشغالگر خارجی 4 عراده موتر مسافرین ملکی را هدف قرار داده که هر چهار موتر در حمله تخریب گردیده و 20 تن از هموطنان ملکی به شهادت رسیدند. سخنگویان اشغالگران و رژیم دست نشانده مشترکاً با تائید حمله و رویداد گفته اند که سی تن از طالبان را کشته اند، اما باشندگان محل می گویند که تمام قربانیان حمله مذکور مردمان ملکی بودند.

بتاریخ شانزدهم جولای در منطقهء سنگانه در ساحهء وزیر ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار در حملات و فیرهای سلاح های ثقیلهء عساکر داخلی یک کودک و دو مرد به شهادت رسیده و دو فرد دیگر زخمی شدند.

بتاریخ هفدهم جولای در مربوطات مرکز ولایت قندوز و در منطقهء کلته تای در انداخت ها و فیرهای توپخانه ای عساکر داخلی بشمول یک کودک سه تن از افراد ملکی زخمی شدند.

بتاریخ هفدهم جولای در مربوطات ولسوالی اجرستان ولایت دایکندی بعد از درگیری بین طالبان و نیروهای حکومتی ، طیارات حکومت بر منطقه بمباردمان نمودند که بنا به گفته های شاهدان عینی در این بمباری ها در قریهء عباس خیل یک زن شهید و سه کودک زخمی شدند.

و همچنین در منطقهء محمد خیل در خانوادهء فضل آغا دو زن زخمی گردیده و دو زن دیگر به شهادت رسیدند.

بتاریخ نوزدهم جولای در نزدیکی شهر شرنه مرکز ولایت پکتیکا کارکنان امنیت ملی یکتن از افراد ملکی بنام قسمت ولد غفار باشندهء سه گانهء خیر کوت از موتر پیاده کرده و در نتیجهء لت و کوب به شهادت رساندند.

بتاریخ نوزدهم جولای در منطقهء طوطو ولسوالی شیرزاد ولایت ننگرهار در حملهء درون نیروهای اشغالگر خارجی یک فرد ملکی بنام عبدالکبیر به شهادت رسید.

بتاریخ نوزدهم جولای در منطقهء قرغان تیپه ولسوالی امام صاحب ولایت قندوز ملیشه های اربکی بر موتر مسافرین فیر کردند که در نتیجه یک کودک همراه مادرش و دریور موتر به شدت زخمی شدند.

بتاریخ بیست و یکم جولای در منطقهء تنگی وزیر ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار در انداخت های هاوان عساکر داخلی در ساحهء پیرونو یک فرد ملکی بنام حاجی همیشه گل شهید گردیده و دو زن و یک کودک زخمی شدند.

بتاریخ 22 جولای در منطقهء انچو ولسوالی سید خیل ولایت پروان عساکر مشترک بر مراسم جنازه حملات توپخانه ای انجام دادند که در حمله 9 تن از هموطنان ملکی شهید و 30 تن دیگر زخمی شدند، همچنین عساکر 20 تن از مردمان ملکی را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ بیست و دوم جولای در منطقهء کرسوخور ولسوالی سرخرود ولایت ننگرهار در جریان انداخت های هاوان عساکر داخلی که بر ساحات مسکونی اصابت کرده بود، تعدادی خانه تخریب و یک زن و یک کودک به شهادت رسیده و بشمول کلان یک خانواده بنام خیر محمد یک کودک دیگر نیز زخمی گردید.

بتاریخ بیست و سوم جولای در منطقهء نورخیل ولسوالی درقد ولایت تخار در انداخت های توپخانه ای عساکر داخلی 5 تن از هموطنان ملکی شهید و 3 تن دیگر زخمی شدند.

بتاریخ بیست وسوم جولای در مربوطات ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار در نتیجهء فیرهای سلاح های ثقیله هفت تن از مردمان ملکی منطقه شهید و زخمی شدند.

بتاریخ بیست و سوم جولای در منطقهء میا صاحب ولسوالی حصارک ولایت ننگرهار در انداخت های هاوان عساکر داخلی دو کودک زخمی و یک مرد شهید شد.

بتاریخ بیست و چهارم جولای در انداخت های و فیرهای سلاح های ثقیله و توپخانه ای حکومت مشترک در منطقهء گلدرهء ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار یک مرد و همسرش همراه با دو کودکش زخمی شده و همچنین در قریهء شولانی یک میزائیل بر خانهء نوح جان اصابت کرده است که منجر به شهادت یک زن و زخمی شدند دو کودک خردسال شده است.
بتاریخ بیست و پنجم جولای اشغالگران در جریان عملیات شبانه در منطقهء بوری ولسوالی شاه ولیکوت ولایت قندهار دو فرد ملکی را به شهادت رسانده و تعداد کثیری را دستگیر و زندانی کردند.

بتاریخ بیست و هشتم جولای نیروهای اشغالگر به همکاری عساکر داخلی در جریان عملیات شبانه در قریهء تریلی ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار چاپه انداختند که در هنگام تلاشی باشندگان را شکنجه و و لت و کوب کردند و 5 تن را دستگیر و با خود برده زندانی کردند.

بتاریخ سی ام جولای در قریهء سرخ ولسوالی آقچهء ولایت جوزجان ملیشه های اربکی دو فرد ملکی را گرفتار و به شهادت رسانده و از خانه های مردم اجناس قیمتی و موترسایکل را بزور برده اند.

بتاریخ سی و یکم جولای در قریهء میا صاحب ولسوالی حصارک ولایت ننگهار و منطقهء وزیر ولسوالی خوگیانی اشغالگران خارجی با همکاری عساکر داخلی در هنگام عملیات شبانه و تلاشی خانه ها مردم را شکنجه و لت و کوب کرده اند به اموال آنها آسیب رسانده و 4 تن بشمول معلم نواب را دستگیر و با خود بردند.

بتاریخ سی و یکم جولای در منطقهء اسماعیل خیل ولسوالی جلریز ولایت میدان وردک یک فرد ملکی بنام وکیل فرزند اکبر را عساکر محل به شهادت رساندند.

ماخذها:{ رادیوی بی بی سی، آزادی؛ پژواک، آژانس اسلامی افغان؛ ویب سایت های خبریال، لر و بر ، نن تکی آسیا و بینوا}

مُرسی، اردوغان و دموکراسی که امریکا می خواهد!

مفتی انعام الله سمنگانی

مفتی انعام الله سمنگانی

ضرب المثل است که پیروزی صد پدر دارد و ناکامی هیچ یک ، بلی ، اگر کودتای کنونی ترکیه پیروز می شد این گونه بی پدر نمی ماند ، اکنون که امریکا می گوید درین کودتا دست ندارد علت اش هویدا است ، اگرچه در صورت پیروزی نیز امریکا تا چند روز درامه بازی می کرد (یعنی توسط رسانه ها نکوهش و پس پرده ستایش می کرد) ، می گویند روزهای اخیر ریاست جمهوری بیل کلینتون بود ، وی قرار بود روی پلان که از پیش طرح شده بود برای چند ساعت به پاکستان برود ، دیکتاتور ژنرال مشرف به تازگی دولت دموکراتیک نواز شریف را بر طرف کرده بود ، مقامات امریکای تشویش داشتند که کلینتون چگونه با مشرف یکجا بنشیند (زیرا امریکا به آسانی هدف انتقاد قرار می گرفت که چرا از دیکتاتور پشتیبانی می کند) ، بالاخره مشرف را مجبور ساختند تا در هنگام صحبت عوض یونیفورم نظامی لباس ملکی بر تن کند و نیز باید کرسی های هر دو رهبر از هم فاصلۀ بیشتر داشته باشد ، گویا برای جهان وانمود ساختند که آقای کلینتون با یک رهبر ملکی دیده است و آن هم بدون تمایل زیادی ، اما در حقیقت روابط امریکا با مشرف چگونه بود به همگان روشن است .

اگر به تاریخ پنجاه سال گذشته نگاه شود ، درک می کنیم که پالیسی امریکا و اروپای ها در قبال چگونگی دولت در یک عده کشورهای مسلمان نشین (به ویژه مصر ، ترکیه ، پاکستان و تا یک حدی بنگلادیش) هرگز روشن نبوده است ، اگر رژیم های دموکراتیک نیازمندی های آنان را برآورده بتواند پس خوب ، در صورت دیگر گزینۀ متبادل همین بوده است که رژیم های دموکراتیک توسط دیکتاتورها به عنوان کودتا از بین برده شود ، دیپلمات های امریکای می گویند که معامله کردن با دیکتاتورها آسان تر است ، زیرا ایشان دارای همه اختیارات می باشند و می توانند به آسانی به وعده های خود وفا کنند ، اما رهبران سیاسی که در یک نظام دموکراتیک بر سر قدرت می آیند محدودیت های زیادی می داشته باشند و در بسیاری موارد مجبور اند تا با ارگان های مختلف کشور به ویژه ارگان های نظامی به تفاهم برسند ، گویا امریکا و اروپا گرچه در ظاهر لاف از دموکراسی می زنند و تبلیغات می کنند که باید حکومت داری در همه کشورهای جهان به اساس نظام دموکراتیک باشد و لیکن واقعیت اینست که ایشان در کشورهای بزرگ مسلمان نشین بارها دیکتاتور را بر یک رهبر دموکرات ترجیح داده اند ، لهذا طیب اردوگان اگر نقش امریکا در کودتای ناکام ترکیه را زیر سوال می آورد بی جا نیست .

عکس العمل سیاستمداران جهان دموکراتیک (به ویژه امریکای ها و اروپای ها) در نخستین لحظات کودتای بد فرجام ترکیه چه بود ، آیا دموکراتان به این شعار خود وفا نمودند که بدترین دموکراسی از خوب ترین دیکتاتوری بهتر است ، کودتای ناکام شب ۱۵ جولای ورشن ساخت که تعدادی زیادی از مدعیان و پرچم برداران دموکراسی آمادگی داشتند به پیشواز از یک دیکتاتور در صف ایستاده شوند ، ایشان حتی نتوانستند سرور قلبی خود را پنهان دارند و زبان خود را برای ساعاتی کنترول کنند ، شادمانی ایشان بی درنگ در صفحات شبکه های اجتماعی (به ویژه فیس بک و تویتر) پدیدار شد ، البته جز یاوه گوی و طنز پردازی چیزی دیگری برای گفتن نداشتند تا زینت رسانه های اجتماعی و خبری می ساختند ، چندی از نوشته های ایشان مشت نمونهء خروار نقل می گردد ، یکی نوشته است : اردوگان از کشور فرار کرده است ، حالا کجا خواهد رفت ؟ ، دیگری می نویسد : اردوگان از آلمان پناه سیاسی خواسته است و لیکن آلمان پاسخ منفی داده است ، یکی مژده می دهد : رژیم اردوگان به پایان رسید و .... ، سوال اینست که این دموکراتان چرا از یک دیکتاتور در برابر دموکرات پشتیبانی می کنند ، آخر چرا ؟

پیش از پاسخ ، باید درک کنیم که نه این بارِ نخست است و نه هم ترکیه یگانه کشوریست که دران از یک دیکتاتور پشتیبانی می شود و آن هم از سوی دموکراتان غرب ، دو سال قبل (در سال ۲۰۱۴م) در کشور مصر دیکتاتور (عبدالفتاح السیسی) دولت دموکراتیک محمد مرسی را لگدمال نمود و با استقبال گرم دموکراتان جهان به ویژه غربی ها مواجه شد ، بلکه این شاید نخستین بار بود که کشورهای دموکرات و کشورهای شاهی (خلیجی ها) با اتفاق باهمی از یک دیکتاتور حمایت نمودند ، تعجب آور اینست که پیش از مرسی یک دیکتاتور دیگر به نام حسنی مبارک برای سی سال تخت نشین قاهره بود و بدون مبالغه روابط تنگاتنگ با جهان دموکراتیک داشت ، مرسی پس از وی به قدرت رسید و با وصف که یک دموکرات بود کشورهای دموکرات و شاهی پس از یک سال از وی نفرت داشتند تا اینکه.به انجام رسانیده شد ، آخرا چرا ؟ آیا این مشکلِ دموکراسی بود و یا مرسی ؟

پاسخ این دو سوال برای کسانی که از سیاست های غربی ها آگاهی دارند بسیار آسان است ، بلی ، دموکراتان اروپای و امریکای از دموکراسی پشتیبانی می کنند و لیکن نه از هر دموکراسی ، بلکه دموکراسی که سیکولاریسم را شعار خود قرار دهد و رفتار اهانت آمیز با مذهب (به ویژه اسلام) داشته باشد و در کشورهای مسلمان نشین حتی از به زبان آوردن نام اسلام خودداری بکند ، نخستین و بزرگ ترین امیدواری که جهان دموکراتیک اروپا و امریکا از یک دولت دموکراتیک کشورهای اسلامی دارند همینست که باید در برابر اسلام ایستادگی کنند و ارزش های اسلام را به تمسخر بگیرند (یا به گفتهٔ غربی ها ، باید جلو اسلام گرای را بگیرند و با اسلام گرای مبارزه بکنند ، از دیدگاه دانشوران غربی اسلام گرا تنها آنانی نیستند که قیام مسلحانه می کنند و به زور سلاح خواهان نظام شرعی می شوند ، بلکه افزایش مساجد و مدارس ، ترویج حجاب اسلامی و عام شدن ریش نیز در زمرهء اسلامی گرای قرار دارند) ، با کشور نامشروع اسراییل هر نوع روابط داشته باشد ، از ابراز همدردی با فلسطین و مسلمان های مظلوم جهان خود داری بکند و حتی گویا از مظالم که برآنان صورت می گیرد هیچ اطلاعی نداشته باشد ، در تشکیل پالیسی خارجی با سازمان های استخباراتی امریکا و اروپا در تماس باشد (تا برای یگانگی جهان اسلام نکوشد) ، برای پیشرفت اقتصادی از سازمان های اژدها مانند بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول و دیگر بانک های زیر کنترول غربی ها رهنمای بگیرد (تا همه دارای کشور را نزد آنان گروگان بماند) ، در نصاب تعلیمی خود زبان های انگلیسی ، فرانسوی و آلمانی را نقش اساسی بدهد و زبان عربی و دیگر زبان های محلی را از نصاب خارج بکند ، تاریخ و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ، خلفاء راشدین و سلف الصالحین را حذف نموده به جای آن تاریخ ویلیم شکسپیر و ویلیم وردت ورث (نویسنده های بریتانیای) را باید جا بدهد ، و اگر دموکراسی این همه اصول را در نظر نگیرد پس هرگز مورد نیاز دموکراتان جهان غرب نیست ، اگر لگدمال می شود زود تر شود و اگر نمی شود ایشان دسیسهٔ را به شکل کودتا وغیره طرح ریزی می کنند و لگدمال می کنند .

هرگز کسی ادعاء ندارد که شخصیت اردوگان بالاتر از انتقاد است ، هرگز نه ، زیرا وی بر علاوه از خوبی های زیادی که دارد امکان دارد پواینت های زیادی منفی نیز داشته باشد و یقیناً دارد ، اما قضیه این قرار است که دموکراتان غربی با اختلاس های مالی و فساد های اخلاقی رهبران هیچ کاری ندارند بلکه این را هم در مفاد خود می دانند (زیرا معامله با این نوع رهبران خاین و مفسد آسان تر است) ، حسنی مبارک و دیگر دیکتاتوران ملیاردها دالر را از دارای های کشور سرقت نمودند ، اما به این اساس هیچگاه روابط آنان با کشورهای دموکرات غربی خدشه دار نشده است ، بلکه بانک های کشورهای غربی است که از ثروت و دارای سیاهِ ایشان (و هر نوع رهبران) حفاظت می کنند ، لهذا نمی توان گفت که محمد مرسی و یا طیب اردوگان به دلیل اختلاس مالی و یا فساد اخلاقی مورد نفرت کشورهای دموکراتیک امریکا و اروپا قرار گرفتند و هدف کودتا شدند ، بلکه واقعیت اینست که دموکراسی را که مرسی و اردوگان انتخاب نموده اند هرگز آن دموکراسی نیست که اروپای ها و امریکای ها می خواهند و آرزو دارند ، آیا این گونه دموکراسی برای جهان غرب قابل تحمل است که رهبر آن در مجالس عامه قرآن تلاوت می کند ، در پیرامون موضوع غزه در کنفرانس که در کشور سویس دایر گردیده بود در برابراسراییل موقف گیری می کند ، به کمک مسلمانان فلسطین می رسد ، با در نظر داشت نقطهٔ نگاه اسلام حقوق مرد و زن را مساوی نمی داند ، از خلافت عثمانی به کلمات تحسین آمیز یادآوری می کند ، برای تعدیل قانون کشور که بر اساس سیکولاریسم تشکیل شده است تلاش می کند و.............. غربی ها دیکتاتوری را صد بار بر این گونه دموکراسی ترجیح می دهد .



تالیف: دکتور شیث خطاب

ترجمه: راشد شهامت

سیرت نظامی رسول الله صلی الله علیه وسلم

وضعیت کلی نظامی مسلمانان در مدینه منوره

(جهاد به خاطر وحدت و توحید)

الف ـ بنای مسجد:

پس از آن که جای مسجد مدینه از سوی پیامبر(صلی الله علیه وسلم) تعیین شد، بنای آن با خشت و سنگ آغاز گردید و آن حضرت به همراه یاران خود خشت و سنگ به دوش می کشید و بدینگونه پیامبر (صلی الله علیه وسلم) نیز در این کار شرکت فرمود. به این ترتیب بنای مسجد با فرشی از شن و ماسه ، سقفی از شاخه نخل و ستونهایی از تنه درخت خرما به پایان رسید. با ساختمان این مسجد در حقیقت بنای نخستین قرار گاه اسلامی کامل شد.

ب ـ برادری :

رسول الله (صلی الله علیه وسلم) میان یاران خویش از مهاجران و انصار پیوند برادری برقرار ساخت تا اینکه در امور زندگی کمك یار ویاوریکدیگر باشند و همگی در راستای هدفی یگانه با هم یکی گردند.

پس از آنکه میان عبدالرحمن بن عوف و سعد بن ربیع پیوند برادری برقرار شد، سعد به عبدالرحمن گفت : (من از همه انصار مالدارترم ، بیا و مال مرا دو نیم کن ؛ و دو زن دارم ، بیا و ببین کدامش را دوست تر می داری ، نامش را به من بگو. من او را طلاق می دهم و آنگاه که عده اش پایان پذیرفت ، تو با او ازدواج کن .) این نمونه ایثاری است که آن پیوند برادری در پی داشت .

حقوق ناشی از این پیوند، در تقسیم میراث ، تا هنگام جنگ بدر بر حقوق خویشاوندی مقدم بود. اما پس از آن وضعیت مسلمانان تثبیت شد و ارث بردن از طریق برادری ملغی گردید و به صاحبان رحم بازگشت .

این پیوند برادری ، مسلمانان را به وجودی یگانه مبدل ساخت که مؤ من به یك عقیده بودند، برای یك هدف می کوشیدند و گوش به فرمان یك فرمانده داشتند.

ج ـ پیمانها و قراردادها:

پیامبر(صلی الله علیه وسلم) با امضای پیمانی میان مسلمانان از یك سو و یهود مدینه منوره از سوی دیگر، به اینان اجازه داد که در شهر بمانند و بر دین خودباشند و اموالشان نیز از آن خودشان باشد.

در این پیمان پیامبر(صلی الله علیه وسلم) به زندگی اجتماعی ، اقتصادی و نظامی ساکنان مدینه منوره ، اعم از مسلمانان ، مشرکان و یهودیان را سر و سامان داد.

این پیمان به زندگی اقتصادی مردم سر و سامان داد و تُهیدستان در امور زندگی ، پرداخت دیون و ادای سربها و خونبها از کمك توانگران بهره مند گردیدند.

زندگی اجتماعی نیز با این پیمان نظام یافت ، همسایگان ملزم به رعایت احترام متقابل با یکدیگر شدند و ساکنان مدینه نسبت به قتل و ترور و خیانت امنیت پیدا کردند. هر کسی دین خودش را داشت ، خطاکار، بی آنکه هیچ چیزی بتواند مانع اجرای کیفر او گردد، مجازات می دید و هیچ عامل دینی یا غیر دینی برای بر هم زدن صفوف مردم وجودنداشت .

دو جنبه اقتصادی و اجتماعی این پیمان روشن و مفهوم است . اما آنچه برای ما در درجه اول اهمیت دارد جنبه نظامی آن است .

این پیمان بر فرماندهی پیامبر(صلی الله علیه وسلم) بر مردم مدینه از مسلمانان و یهود تصریح دارد و او مرجع همه امور است و در اختلافهای میان شهروندان مدینه قضاوت می کند؛ و به این ترتیب پیامبر (صلی الله علیه وسلم) فرمانده کل مدینه منوره می گردد.

این پیمان همچنین تصریح می کند که مردم مدینه در برابر هرگونه تجاوز خارجی باید کمك یکدیگر باشند. به این ترتیب صفوف مردم مدینه یکپارچه شد و دفاع از مدینه در برابر تجاوز خارجی هدف همگان گردید.

همچنین این پیمان به صراحت اعلام می دارد که مشرکان مدینه حق پناه دادن اموال یا اشخاص قریش را ندارند و تا هنگامی که مسلمانان در جنگ باشند یهودیان در پرداخت هزینه ها به آنها کمك می کنند و بدین ترتیب مسلمانان و قریش در آستانه آغاز جنگ قرارگرفتند.

رسول الله صلی الله علیه وسلم موفق گردید که به وسیله این پیمان ، مردم مدینه را با وجود اختلاف ادیان و خواسته های متفاوت و تمایلات گوناگون علیه دشمنانشان متحد سازد.

با این معاهده رسول الله صلی الله علیه وسلم همه امکانات موجود را برای گردآوردن نیروهای خودی در یك جا و زیر یك فرماندهی به کار گرفت و آماده دفاع از اسلام گردید.

آن حضرت در این مدت دست به کار آماده شدن برای جهاد گردید و هنگامی که یکپارچه ساختن نیروهایش کامل شد، جهاد را آغاز فرمود.

۳ ـ نتایج :

رسول الله صلی الله علیه وسلم توانست به مدینه پناه ببرد و نیروهایش را در آنجا متمرکزسازد و صفوف ساکنان آن شهر را، علی رغم اختلاف تمایلات ، خواسته ها و ادیانش متحد سازد و در راستای مقابله با تجاوز خارجی و پایان دادن به اختلافهای داخلی ، آنان را به جامعه ای واحد تبدیل کند.

گرچه تنها اردوی مورد اعتماد رسول الله صلی الله علیه وسلم ـ با وجود کمی تعدادشان ـ مسلمانان بودند، اما آن حضرت توانست عقیده ای را در آنان پدید بیاورد که از صمیم قلب بدان ایمان داشته باشند؛ و هدفهایی چنان روشن را برای آنان ترسیم بفرماید که در راه رسیدن به آنها از بذل مال و جان دریغ نورزند.

هدف مسلمانان دفاع از اسلام و تلاش برای حمایت از آزادی گسترش آن بود و در این راستا از بذل همه دار و ندارشان دریغ نمی ورزیدند.

تا این هنگام رسول الله صلی الله علیه وسلم سپاهی فراهم ساخت که هدفی یگانه ، آنان را گردهم می آورد، تنها از یك فرمانده دستور می گرفتند و بر یك پایگاه امن تکیه داشتند. به این ترتیب ـ علی رغم شمار اندك مسلمانان ـ همه وسایل موفقیت آنان در صورت بروز جنگ آماده گردید.

اولین گزمه های جنگی و شناسایی.

وضعیت عمومی

۱ ـ مسلمانان

پس از استقرار مهاجران در مدینه ، رسول الله صلی الله علیه وسلم میان آنان و انصار، پیوند برادری برقرار کرد؛ و با این ابتکار جامعه ای از برادران دینی تشکیل شد.

معنای برادری این است که عصبیتهای جاهلی از بین برود و همگان تنها برای اسلام تعصب بورزند، و عواملی همچون نسب ، رنگ و وطن موجب جدایی آحاد جامعه از یکدیگر نشود. این پیوند برادری ، مقدمه ای برای حقوق خویشاوندی گردید و حتی از یکدیگر ارث می بردند، تا آنکه پس از جنگ بدر جنبه معنوی برادری باقی ماند و جنبه مادی آن در موضوع ارث برداشته شد.

۲ ـ مشرکان و یهودیان

الف ـ مشرکان :

عربهای مجاور مدینه در کمین مسلمانان بودند و برای حمله به آنها در پی فرصت می گشتند. قریش نیز پس از آن که نتوانستند مسلمانان مکه را در شهر خودشان نابود سازند، تلاش خود را به کار بستند شاید بتوانند آنان را در وطن جدیدشان از میان بردارند. آرزوی مشرکان و منافقان مدینه نیز این بود که از دست مسلمانان تازه واردی که دعوت خدا و رسولش را پذیرفته بودند رها شوند.

ب ـ یهودیان :

در آغاز ورود رسول الله صلی الله علیه وسلم به مدینه ، یهودیان امیدوار بودند که آن حضرت صلی الله علیه وسلم به آنها بپیوندد. از این رو وی را به حال خودش واگذاشتند و با پذیرش شرط آزادی انتشار دین جدید با او هم پیمان گردیدند.

اما همین که دیدند کار مسلمانان استقرار یافته ، رو به پیشرفت است و جایگاهشان روز به روز استوارتر می شود، بی درنگ و گستاخانه به آنان پشت کردند و آماده جنگ گردیدند؛ از هر وسیله ای برای دسیسه چینی و برانگیختن کینه در میان مهاجران و انصار و همچنین زنده کردن کینه های گذشته اوس و خزرج استفاده کردند. خاطره جنگ بعاث را در میان مردم زنده کردند و اشعاری را که درباره اش سروده شده بود نقل و به زشت ترین شکل از آنها سوء استفاده می کردند.

ضرورت ارسال گزمه ها "گشتیها"

مسلمانان با این گزمه (گشتیها) می خواستند که در برابر مشرکان ، یهود و منافقان قدرت نمایی کنند تا در تبلیغ دین و دفاع از اعتقاداتشان در برابر متجاوزان آزاد گذاشته شوند.

سریه حمزه

۱ ـ نیروهای طرفین

الف ـ مسلمانان :

يك گزمه (گشتی) جنگی ، متشکل از سی سوار از مهاجران به فرماندهی حمزه ، کاکا وعموی پیامبر(صلی الله عله وسلم) .

ب ـ مشرکان :

کاروان تجاری قریش ، که سی سوار به فرماندهی ابوجهل آن را پشتیبانی می کردند.

۲ ـ هدف

رسیدن به (عِیصْ) در ساحل دریای سرخ ، برای ناامن کردن راه تجارتی قریش از مکه به شام .

۳ ـ نتایج

نیروهای اسلامی به ساحل دریای سرخ در ناحیه عِیصْ، واقع در راه تجاری سرنوشت ساز میان مکه و شام رسیدند و متعرض کاروان قریش شدند. ولی شخصی به نام مَجدی بن عمرو جُهنی دو طرف را از هم جدا کرد و مسلمانان بدون درگیری بازگشتند.

سریه عُبَیْدَةِ بن حارث

۱ ـ نیروهای طرفین

الف ـ مسلمانان : يك گزمه(گشتی) جنگی به تعداد شصت نفر از مهاجران به فرماندهی عُبَیدةِ بْنِ حارث .

ب ـ مشرکان : بیش از دوصد سوار و پیاده به فرماندهی ابوسفیان یا بنا به نقلی عِکْرَمَة پسر ابوجهل .

۲ ـ هدف

رسیدن به وادی رابغ به منظور تهدید تجارت قریش میان مکه و شام .

۳ ـ نتایج

نیروهای اسلامی به (وادی رابغ) واقع بر سر راه تجاری قریش میان شام و مکه رسیدند و درگیری مختصری با مشرکان پیش آمد. سعد وقاص نخستین تیر را در راه اسلام در این روز پرتاب کرد.

پس از قدرت نمایی مسلمانان در برابر مشرکان ، دو طرف بدون جنگ بازگشتند.

ادامه دارد ...

بقیه صفحه ۳۱

دیگر نخبگان شجاع وجوانان مسلمان باید اعتماد بدشمن را شیوۀ کار خود قرار نداده ودر دام لبخند ها ، وعده ها و حمایت های آنان نیفتند چونکه در پشت این لبخند ها و وعده ها توطئه های مهیب وخیانت ها مدهشی نهفته است و راه حل خود را خود با بهره گیری از سر چشمۀ فیاض اسلام بدست آورند و نسخۀ بیگانگان را به خود شان پس دهند، این نیز یک خطر در راه رسیدن بنتیجۀ نهایی مبارزه وپیکار است که دشمنان را به هر لباسی و به هر شکل و قیافۀ که هستند باید شناخت و از جمله خطر ها این را نیز یاد آوری کرد که دشمن در طول تاریخ با هزینه های هنگفت مالی و تبلیغاتی کوشش نهایی خود را بخرج داده که اختلاف را ایجاد نموده و مبارزین و پیکار جویان اسلام را به جان همدیگر بیاندازند بدین شیوۀ نا میمون تا بتوانند در پشت جبهه اسلام درز و رخنۀ را وارد کنند، این نیز آفتی است بس بزرگ که مجاهدین با همۀ توان از آن گریخت و دیگر لشکریا ن اسلام شعار ها واصول شان را با مبانی ومحکمات اسلام وشریعت غرای نبوی صلی الله علیه وسلم وفق و تطبیق نموده و در صدد نفی تبعیضهای قومی ، نژادی ،سمتی و انحصار قدرت دامن زنند و نگذارند که اصول اسلامی در پای منافع زود گذر شخصی قربانی شود.

و همه باید متوجه اهداف دشمنان باشند و ایمان داشته باشند که مکر و حیله دشمن ضعیف است؛ چونکه ارشاد خداوندی است میفرماید: »ان کید الشیطان کان ضعیفا «البته البته مکر ، حیله وتد بیر های خصمانۀ شیطان هست اما با توکل با مالک نظام، و اعتماد و حسن ظن به وعده های مؤکد الهی که در کلام ملکوتی و احادیث متبرکه موجود است و به کار گیری خرد و بصیرت، و شجاعت میتوان بر همۀ این موانع و مکاید و دیواره های عنکبوتی فایق آمد و پیروز مندانه از آنها عبور کرد و با این شیوه میتوان در دل امت مسلمه مشعل های امید را فروزان ساخت.

امریکا وکشورهای غربی و مزدوران پست فطرت شان این حقیقت را درک کنند که مجاهدین امارت اسلامی همه ملا محمد عمر وملا اختر محمد منصور هستند تشکیل واجماع مجاهدین بلا فاصله بعد از شهادت ملا اختر محمد منصور رحمه الله بالای یکی از شاگردان این انجمن شخصیت والای علمی امیر المؤ منین شیخ صاحب هبت الله آخوند زاده، دلیل بارز و برهان قاطع بر استوار بودن عزم و هشیاری مجاهدین است و یک اخطار واضح برای دشمنان دین و وطن که دشمنان با آن شیوه های تکراری و معیار های خلاف انسانی واخلاقی، نمی توانند قد و قامت پیکر عظیم جهاد و مجاهدین را خم نمایند.

افغانستان در ماه جولای ۲۰۱۶ میلادی

تهیه و ترتیب از : احمد فارسی

ملاحظه:

این نوشتار شامل رویدادهایی است که دشمن به آن اعتراف کرده است ولازم به اشاره می دانیم که رویدادهای موثق دیگر را با ذکر معلومات بیشتر بخصوص دربارهء آمار تلفات و خسارات دشمن داخلی و خارجی میتوان در سایت رسمی امارت اسلامی افغانستان مطالعه کرد.

اوضاع امنیتی کشور روز به روز وخیم تر می شود و ادارهء پوشالی کابل نه تنها کنترول بر شهرها را پیهم از دست می دهد بلکه نا امنی، دزدی و سرقت های مسلحانه با مرور هر روز در مناطق تحت تصرف ادارهء اجیر بشمول کابل رو به افزایش است. ماه جولای سال 2016 میلادی نیز علاوه بر این رویدادها مانند سایر ماهها شامل واقعات مهم نظامی و سیاسی بود که چکیدهء از آن در سطور ذیل درج می گردد.

تلفات اشغالگران:

به روز شنبه مورخهء 5 ماه جولای تعدادی از اشغالگران خارجی در ولایت ننگرهار مورد حمله قرار گرفتند که گفته می شود طی آن تعدادی از آنان کشته و زخمی شدند اما به نقل از اسوشیتد پریس دشمن اشغالگر تنها به مجروح شدن 5 تن از عساکر اشغالگر امریکایی اعتراف کرد. علاوه بر این به روز سه شنبه مورخهء 5 جولای یک فروند هلیکاپتر دشمن اشغالگر در ولسوالی ژری ولایت کندهار مورد هدف ماین جابجا شدهء مجاهدین قرار گرفته و کاملا تباه گردید که مسلما هلاکت هایی را نیز همراه داشت اما دشمن به آن اعتراف نکرد و به این ترتیب آمار کشته شدگان اعتراف شده توسط دشمن اشغالگر در این ماه بدون تغییر باقی ماند.

تلفات در صف دشمن اجیر:

جنرال نیکلسن یکی از افسران عالی رتبهء اشغالگران در افغانستان به روز یکشنبه 10 جولای طی یک کنفرانس مطبوعاتی گفت که تلفات در صف ادارهء اجیر افزایش یافته است. وی افزود که این تلفات در جریان حملات مخالفین بالای قرارگاه ها و پوسته های اردو و پولیس اجیر رخ داده و طبیعی است که در جریان چنین حملات جناحی که در دفاع قرار داد متحمل تلفات بیشتر می گردد. آمار دقیق تلفات دشمن در دست نیست و نه هم جنرال مذکور تعداد تلفات را ذکر کرد اما حوادث ذیل بگونهء مشت نمونهء خروار تلفات دشمن را در رده های متوسط در جریان ماه جولای نشان می دهد.

به روز چهارشنبه مورخهء 27 جولای نیروهای امریکایی در ولسوالی بگرام ولایت پروان یک افسر اردوی اجیر را به ضرب گلوله به قتل رسانیدند. به فردای آن فرماندهء ماموریت ششم ولایت غزنی در جریان یک حملهء مسلحانه کشته شد و به تعقیب آن به روز جمعه 29 این ماه رئیس منابع بشری پارلمان قلابی ادارهء اجیر در اثر انفجار ماین مقناطیسی در ولایت کابل به قتل رسید. تاریخ 30 این ماه شاهد کشته شدن مدیر تفتیش ولسوالی علی آباد ولایت کندز و فردای آن شاهد کشته شدن درستیزوال لوای سرحدی ولسوالی خانشین ولایت هلمند بود. در همین روز وکیل اسبق ولایت لوگر در پارلمان قلابی نیز در شهر کابل مورد حمله قرار گرفته و از پا در آمد.

از سوی دیگر به روز سه شنبه 26 جولای یک شخص نفوذی در صف پولیس در ولسوالی شاولیکوت ولایت کندهار چند تن از همرزمان خودرا کشت و متعاقبا مجاهدین در جای وقوع رسیده و 5 پولیس دیگر را به اسارت خویش در آوردند.

خسارات وارده بر دشمن:

خسارات وارده بر دشمن خیلی زیاد بوده و آمار دقیق آن در دست نیست اما در جریان ماه جولای علاوه بر سقوط ولسوالی ها و مناطق مختلف، به غنیمت در آمدن صدها عراده موتر، تانک و وسایل دیگر نظامی دشمن توسط مجاهدین، تخریب قرارگاهها وغیره دو بال هلیکاپتر دشمن توسط مجاهدین سقوط داده شد که در نتیجه دشمن متحمل ملیون ها دالر خساره گردید. در حادثهء اول که به روز سه شنبه مورخهء 5 جولای رخ داد یک هلیکاپتر دشمن در ولسوالی ژری ولایت کندهار مورد هدف ماین جابجا شدهء مجاهدین قرار گرفته و کاملا تباه گردید. حادثهء دومی در ولسوالی پشترود ولایت فراه هنگامی رخ داد که یک هلیکاپتر دشمن اجیر مورد هدف شلیک مجاهدین قرار گرفته و سرنگون شد.

عملیات عمری:

ماه جولای شاهد عملیات و فتوحات در مناطق مختلف کشور بود. به همین سلسله به روز جمعه اول ماه جولای مجاهدین امارت اسلامی در ولسوالی شرین تگاب ولایت فراه توانستند یکبار دیگر منطقهء استراتیژیک استانه بابا را از تصرف ملیشه های دوستمی خارج سازند. در ولایت بدخشان نیز پیشروی هایی صورت گرفت که طی آن مجاهدین به روز دوشنبه 18 جولای اطراف ولسوالی خاش این ولایت را تصرف کرده و مرکز ولسوالی را در محاصره خود قرار دادند.

از سوی دیگر جنوب کشور روز دوشنبه 18 جولای شاهد از پس گیری ولسوالی سنگین ولایت هلمند توسط مجاهدین بود. قبل از این به تاریخ 13 این ماه 4 پوستهء مربوط به پولیس نظم عامهء ولسوالی گرمسیر این ولایت نیز توسط مجاهدین فتح گردیده بود. به تعقیب آن و به تاریخ 30 این ماه ولسوالی خانشین این ولایت نیز بعد از جنگ شدیدی در تصرف مجاهدین در آمد.

به تاریخ 20 این ماه شمال کشور شاهد سقوط ولسوالی قلعهء زال ولایت کندز بود. بعد از فتح این ولسوالی دشمن ادعا کرد که این ولسوالی همچنان در تصرف آنان قرار دارد اما به تاریخ 22 جولای وکیل شورای ولایتی کندز این ادعا ها را رد کرده و سقوط این ولسوالی را پذیرفت.

سلسله فتوحات در همسایگی کندز نیز گسترش یافت چنانچه مجاهدین به روز پنجشنبه 21 جولای توانستند مناطق زیادی را در ولسوالی خواجه غار ولایت تخار تحت تصرف خود قرار داده و خودرا به اطراف مرکز این ولسوالی برسانند. به روز جمعه مورخهء 22 جولای فاریاب بار دیگر شاهد پیشروی های مجاهدین بود که طی آن منطقهء استراتیژیک تیلان در ولسوالی پشتونکوت این ولایت کاملا فتح گردید.

اعتراف به نیرومندی مجاهدین:

سلسلهء اعترافات به نیرومندی مجاهدین در جریان این ماه نیز ادامه داشت. به روز جمعه اول ماه جولای جان مکین رئیس کمیسیون نیروهای مسلح امریکا در گانگریس این کشور گفت که نیروهای آنان متحمل خسارات و تلفات شدیدی در افغانستان شده و جنگ به تباهی امریکا تمام خواهد شد. وی افزود که بارک اوباما مسئول شکست امریکا و کشتار نیروهای امریکایی در افغانستان است. علاوه بر این سیگار یا ادارهء مراقب به اصطلاح بازسازی افغانستان طی راپور خود که آنرا به تاریخ 30 این ماه به نشر رسانید خبر داد که ادارهء اجیر کابل تنها در 5 ماه گذشته 5 در صد خاک افغانستان را از دست داده است و اکنون مجاهدین بر این مناطق حاکم اند.

تلفات ملکی و آزار واذیت مردمی:

افراد ملکی از سالها به اینسو مورد هدف ادارهء اجیر قرار دارند و متحمل تلفات و خسارات می شوند مگر در این اواخر رهبر ملیشه های گلم جم با استفاده از صلاحیت های دولتی خود بعض مناطق شمال کشور را هدف نسل کشی قرار داده است. به همین سلسله و در عکس العمل به ظلم و ستم ملیشه ها در این مناطق به روز یکشنبه 3 جولای بزرگان قومی ولایت سرپل در اعتراض به این عملیات گفتند که گلم جم های دوستمی یک قوم خاص را در ولایات شمالی کشور مورد کشتار و شکنجه قرار داده اند و هیچ ارگانی وجود ندارد تا آنان را از چنین جنایات منع نماید. به تاریخ 31 این ماه سازمان حقوق بشر ملل متحد نیز طی نشر یک اعلامیه گفت که ملیشه های دوستمی بر قوم پشتون در ولایات شمالی کشور ظلم و بیداد می نماید. این سازمان خواهان وضع قیودات علیه این ملیشه ها شد.

علاوه بر این ظلم و ستم بالای مردم مظلوم و بیچاره همچو گذشته جریان دارد و درینجا بگونه مثال چند رویداد را ذکر خواهیم کرد. به روز چهارشنبه مورخهء 6 جولای که مصادف بود با روز اول عید، اردوی اجیر یک خانم را در ولسوالی نادرشاه کوت ولایت خوست به شهادت رسانیده و پسر جوان وی را مجروح کردند. به تعقیب آن به روز جمعه 20 جولای ولسوالی میوند ولایت کندهار مورد بمباردمان اشغالگران خارجی قرار گرفت که طی آن 20 تن ملکی شهید شدند. دو روز بعد از این رویداد نیروهای امنیتی ولایت پروان بر اشتراک کنندگان در نماز جنازه در ولسوالی سیدخیل این ولایت حمله آور شدند که طی آن دهها تن از اشتراک کنندگان کشته و عده یی زخمی شدند. به تعقیب آن افراد امنیت این اداره بیشتر از 200 تن از علما و طلبهء علم را به جرم اشتراک در نماز جنازه به زندان ها انداختند.

به تاریخ 24 جولای 5 تن از اعضای یک خانواده در ولسوالی درقد ولایت تخار به اثر اصابت گلولهء هاوان اردوی اجیر کشته شده و دو تن دیگر زخم برداشتند.

تفاصیل بیشر این رویدادها را میتوان در راپور تلفات ملکی در صفحهء انترنتی امارت اسلامی مطالعه نمود.

پیام عیدی زعیم امارت اسلامی:

به روز شنبه موافق با 2 جولای امارت اسلامی افغانستان پیام امیر المومنین شیخ هبة الله حفظه الله را به مناسبت عید سعید فطر به نشر سپرد که در آن از ادامه مبارزهء سیاسی و نظامی سخن گفته شده بود. شیخ حفظه الله علاوه بر این بر پیروی از منهجی که توسط رهبران پیشین امارت اسلامی بنا نهاده شده بود تاکید نموده و تعهد سپردند که نقش قدم آنان را تعقیب خواهد کرد. در این پیام مجاهدین به مبارزه، دعوت و روش نیکو با مردم ستمدیدهء کشور توصیه شده اند چنانچه پیام شامل موقف امارت اسلامی در قبال مسائل سیاسی و نظامی کشور و همچنان روابط با کشورهای جهان بخصوص همسایه ها بود.

امارت اسلامی و آزادی مطبوعات:

بعد از اشغال کشور توسط صلیبیان تقریبا همهء خبرنگاران بجز اندک توسط اشغالگران خریداری شده و در خدمت صلیبی ها قرار گرفتند و به این شکل با قلم ها و رسانه های مختلف خود در صف مخالف مجاهدین ایستاده شده و به تبلیغات زهراگین و احیانا غیر اسلامی و غیر اخلاقی پرداختند. با وجود اینهمه کاسهء صبر امارت اسلامی هرگز لبریز نشد و امارت اسلامی همیشه بر آزادی مطبوعات و رسانه ها در محدوده و چارچوب شرعی آن اصرار داشته است و حفاظت جان و مال خبرگزاران را همانند سایر هموطنان وجیبهء خود دانسته است.

در این اواخر با وجود راپورهایی که نشان می داد که اداره‌ء اجیر خبرنگاران را مورد لت و کوب قرار داده و از نشر حقایق منع می کند و بر عکس آنان از آزادی کامل در مناطق تحت تصرف مجاهدین برخوردار اند بعضی رسانه های اجیر و مغرض خبرهایی حاکی از کشتن خبرنگاران توسط مجاهدین را شایع کردند که در واکنش به آن به روز سه شنبه 12 ماه جولای سخنگوی امارت اسلامی اعلام داشت که امارت اسلامی با خبرنگاران حقیقی که با رعایت اصول ژورنالیزم مشغول کار و فعالیت هستند مشکلی ندارد و آنان میتوانند با تمام آزادی در مناطق تحت تصرف امارت اسلامی و مناطق دیگر کشور فعالیت داشته باشند. این در حالیست که در این اواخر با اسناد و شواهد ثابت گردید که بعضی از خبرنگاران و رسانه ها در خدمت نهاد های امنیتی دشمن قرار داشته و به طور منظم از این نهاد ها پول بدست می آورند.

در این اواخر با وجود راپورهایی که نشان می داد که اداره‌ء اجیر خبرنگاران را مورد لت و کوب قرار داده و از نشر حقایق منع می کند و بر عکس آنان از آزادی کامل در مناطق تحت تصرف مجاهدین برخوردار اند بعضی رسانه های اجیر و مغرض خبرهایی حاکی از کشتن خبرنگاران توسط مجاهدین را شایع کردند که در واکنش به آن به روز سه شنبه ماه جولای سخنگوی امارت اسلامی اعلام داشت که امارت اسلامی با خبرنگاران حقیقی که با رعایت اصول ژورنالیزم مشغول کار و فعالیت هستند مشکلی ندارد و آنان میتوانند با تمام آزادی در مناطق تحت تصرف امارت اسلامی و مناطق دیگر کشور فعالیت داشته باشند.

در میدان سیاست:

چنانچه در پیام تبریکی امیر المومنین ذکر شد امارت اسلامی مصمم بر ادامه مبارزات سیاسی و نظامی خود بوده و تحولات اخیر هیچگونه تغییری در موقف آن وارد نکرده است و به همین سلسله به روز یکشنبه 31 ماه جولای رسانه ها از سفر نمایندگان سیاسی امارت اسلامی به کشور چین خبر دادند. گفته می شود که هدف از این سفر که بنا بر دعوت رسمی حکومت چین صورت گرفته است ایجاد روابط با این کشور و واضح کردن موقف امارت اسلامی در قضایای مهم مربوط به منطقه بخصوص پیامد بقای نیروهای اشغالگر در منطقه خواهد بود.

تعهد جنگی اشغالگران و اعزام نیروهای بیشتر:

اشغالگران همچنان بر ادامه جنگ در کشور متعهد اند و به همین منظور به روز شنبه مورخهء 9 جولای رهبران کشورهای صلیبی عضو سازمان جنایتکار ناتو به کمک یک ملیارد دالری خود تا سال 2020 میلادی برای ادامه جنگ در افغانستان تعهد کردند. بر ادامه این تعهدات جنگی، به روز چهارشنبه 27 جولای کشور اشغالگر امریکا از اعزام 800 عسکر جدید خویش به افغانستان خبر داد.

این تعهدات در حالی صورت می گیرد که اشغالگران در افغانستان به ناکامی و شکست فاضحانه مواجه شده اند اما به این شکل میخواهند که به جنگ و خونریزی با استفاده از بردگان خود فروختهء شان در کشور تا بر آورده شدن اهداف شوم شان ادامه دهند.

مخالفت با بقای اشغالگران:

از یکسو تعهدات مبنی بر ادامه جنگ و اعزام نیروهای جدید اشغالگر صورت می گیرد و از سوی دیگر بعضی از نهادهای مخالف موجودیت و بقای اشغالگران در کشور به روز چهارشنبه 13 جولای اعلان کردند که موجودیت نیروهای خارجی در کشور نمیتواند صلح را تضمین کند. در همین حال روزنامه واشنگتن پوست به روز جمعه 15 جولای در واکنش به تصمیم اعزام نیروهای جدید امریکایی به افغانستان نوشت که هر دو کشور، امریکا و افغانستان، از جنگ کنونی متضرر می شوند. نشریهء باستن گلوب نیز در مطلبی می نویسد که امریکا در نظر دارد که علاوه بر عساکر موجود در افغانستان صدها عسکر دیگر خودرا در یکی از کشورهای همسایهء افغانستان جابجا کند تا در موقع ضرورت از آنان استفاده صورت گیرد. نشریه از کشور همسایهء مذکور نام نبرده است.

•منابع: سایت های خبری داخلی و خارجی، راپور ماهانهء کمیسیون جلب و جذب امارت اسلامی و راپور ماهانه کشتار افراد ملکی منشورهء سایت امارت اسلامی.



راځئ له مولانا ايدهي يې زده کړو!

سيد سعيد

د مولانا عبدالستار ايدهي دمرگ خبر د رسنيو سر خط جوړ کړ،د ډيرو هيوادونو او نژادونو خلگ يې پرفراق غمجن شول،ليکني يې پرې وکړې او د نوموړي لپاره يې د لوی ځښتن په دربار کې لاسونه لپه کړل.

عبدالستار ايدهي په ۱۹۲۸ز،کال د هند گجرات ايالت کې زيږيدلی او ۱۹۴۷ز،کال کې د پاکستان په کراچۍ کې ميشت شوی دی.مولانا ايدهي له سختو مشکلاتو سره مخ ؤ،مور يې سخته ناروغه وه،دومره څه يې نه درلودل چې روغتون کې يې بستر کړي او يا له کوم ماهر ډاکټر څخه کورته داسي دوا ورته راوړي چې دمور دناروغۍ د سپکيدو سبب يې شي، بالاخره يې مور د انتهايي غربت او ناوسۍ په حالت کې وفات شوه.

عبدالستار ايدهي ته د مور ناروغۍ اوخپلي ناوسۍ داسوچ پيدا کړ چي نور به څومره کسان له ورته ستونزو سره مخامخ وي اوکه څوک له مريضانو او محتاجو کسانو سره مرسته وکړي څومره ستر خدمت به يې ترسره کړی وي،دې ډول فکر مولانا ايدهي کي له نورو سره د همکارۍ او خواخوږۍ احساس پياوړی کړ او دې نيک احساس ايدهي وهڅاوه چي له شتمنو بسپنه راټوله کړي اوپه خيريه کارونو کي يې مصرف کړي.

عبدالستار ايدهي په لومړي قدم کي وتوانيده چي په ترلاسه کړو چندو يوموټر واخلي او د غريبو ناروغانو لپاره يو طبيي کتنځای پرانيزي،ايدهي همدا موټر خپله چلاوه او ناروغان به يې ترروغتون پوري رسول،جنازې به يې تر هديرو پوري وړلې او په نورو ټولگټو چارو کي به يې له همدې موټره استفاده کوله.

دايدهي اخلاص او عزم خلگ پر نوموړي باوري کړل او ډيري مرستي يې ورسره وکړې،ايدهي دخلگو په همکارۍ دايدهي پاونډيشن يا ټرسټ په نوم يو اداره جوړه کړه، دايدهي بنسټ د پاکستان په مختلفو ايالتونو او ښارونو کي روغتونونه،ښوونځي، د يتيمانو او بې وزلو ماشومانو لپاره روزنتونونه جوړ کړل اوټول مصارف يې ايدهي پاونډيشن په غاړه واخيستل.

د مولانا ايدهي داخلاص،ميني او ټينگ هوډ له برکته دايدهي پاونډيشن فعاليت د پاکستان څخه زموږ د هيواد په گډون نورو هيوادونو ته هم وغځيده او په زرهاوو رضاکاران يې پيدا کړل.د يو خبر له مخي ايدهي بنسټ ۷۰ زره بې سرپرسته او يتيم ماشومان او ۴۰ زره نرسان او نرساني روزلي دي او۸۵زره بې ځښتنه مړي يې ښخ کړي دي.

ایدهي ټرسټ په پاکستان کي ۳۰۰ دعاجلو مرستو مرکزونه پرانیستلي چي ۲۴ ساعته یې دخلګو پر مخ دروازې خلاصي وي او په سلهاوو روغتونونه او دارالایتامونه یې جوړ کړي دي.ایدهي پاونډیشن دامهال یوه نړیواله خیریه اداره ده،۱۷۰۰مبولانس موټر،۲۸کښتۍ او ۳چورلکي لري چي شپه او ورځ دخلګو په خدمت کي مصروف وي.

مولانا ایدهي کوم ولسمشر،جنرال،سیاسي لیډر او مذهبي مشر نه ؤ،یو غریب ملا ؤ، د خیر ښیګڼو کارونو دومره شهرت او محبوبیت ورکړ چي دزر او زور خاوندان چي لسیزي یې پر خلګو واکمنۍ کړې وې شاته پریښودل.

په همدغه ډول ګرانښت او محبوبیت باندي حساب کیدای شي چي د زړه له تله وي،د ځینو مشرانو سره دمیني خبري کیږي،خو همدا محبت صرف د ژبې پرسر وي،زړه ته نه وي کوز شوی،ځکه انګیزه یې مال اودبدبه وي، مګردمولانا ایدهي سره د خلګو مینه د نوموړي د اخلاص،عجز او خدمت له وجي وه،نو ځکه یې زړونو ته لاره موندلې وه.



موږ افغانانو کي ځیني داسي نیک صفتونه شته چي په سیمه او آن نړۍ کي ښایې ساري ونه لري،خو ورسره داسي بد خویونه هم لرو چي په نورو خلګو کي کم او یا بیخي نه ترسترګو کیږي.زموږ زیاتره شتمن په ودونو او رواجي ناستو ولاړو کي ډیر زیات مالونه مصرفوي،خو خپل ګاونډ کي د غریب،یتیم او بې لاس وپښو مسلمان ورور په کیسه کي نه وي.

ګیله له هغو کسانو نه ده چي په حرامو کي مال لګوي،ځکه هغوی خو که له یوې خوا له سخت وعید سره مخ دي،له بلي خوا په خپل ناروا عمل باندي ریاء او لویې هم نه کوي.ګوته هغه چاته نیوله کیږي چي په مباح او نیکو چارو کي مال لګوي،خو لومړیتوب نه مراعاتوي،مثلا ځیني خلګ میلمستیاوو کي تراندازې زیات خرڅ کوي، چي له تبذیر او اصراف څخه ځان نه شي خلاصولای او ځیني کسان بیا هر کال نفلي حجونه او عمرې کوي چي زیات مصارف پرې راځي،خو خپل قریب، دوست اوګاونډی به یې له ډیري ناچارۍ دبل سختي مزدورۍ ته اړ وي،کور کي به ناروغ لري، متخصص ډاکټر ته د نه لاس رسي له امله به د مرګ پر بستر پروت وي او له ګڼو معاشي مشکلاتو سره به لاس او ګریوان وي، خو حاجي صاحب به بیا هم هر کال حج ته ځي،د تګ او راتګ په ورځو کي به میمستیاوي کوي،تحفې به راوړي،پسونه به حلالوي او..... مصارف به کوي.

متاسفانه دغه ستونزه موږ افغانانو کي ډیره عامه ده،حتی تر ځینوعلماوو او مجاهدینو پوري یې هم سرایت کړی دی،وینو به چي کونډې،یتیمان،معلولین او اسیران له سختو مالي مشکلاتو سره مخامخ وي،خو بیا به هم دخپل توان مطابق لازمه مرسته نه ورسره کوو، په اصطلاح د سنګر او دفتر ملګری به مو اقتصادي ستونزو د جهاد له پریښودو سره مواجه کړی وي،خو سر به نه په ګرځوو او داسي نور.

په قرانکریم،احادیثو او دصحابه کرامو په اقوالو کي له قریب،ګاونډي،ملګري،مسکین،یتیم،اسیر،مریض سره د ښه سلوک،مرستي،همدردۍ اوهمکارۍ ټینګار شوی اود فضیلت په اړه یې بې شمېره اقوال رانقل شوي دي،حتی له محض انسان سره نیکي کوونکی په خلګو کي غوره بلل شوی دی.

موږ باید دنیک عمل همدغي تشي ته پوره متوجه شو او د ډکولو لپاره یې پوره پوره کوښښ وکړو،ځکه له یوې خوا افضل عبادات اود سلفو پیروي ده،له بلې خوا زموږ په ټولنه کې محتاج کسان ډیر دي،چې صرف د یو انساني خواخوږۍ له امله یې هم باید مرستي ته ور ودانګو.

که نفلي عبادات په لازمي او متعدي،یا انفرادي او ټولنیز باندي تعبیر او تقسیم شي،لازمي لکه حج،عمره او.... او متعدي لکه مسجد،مدرسه،ښوونځي،پل او روغتون جوړول،له قریب،همسایه، غریب،عالم،طالب او مجاهد سره مالي او ځاني مرسته کول، نو په لازمي عبادت کي خو فاعل ته ثواب وي،اما بل چاته یې ګټه نه رسیږي،مګر په متعدي عبادت کي د فاعل له اجر سره بل کس ته هم نفعه رسیږي،په بل عبارت کوم کس که نفلي حج وکړي اجر یې تر ده پوري محدود دی او که حاجي صاحب د نفلي حج لګښت دخپل قریب،ګاونډي،مجاهد،طالب، ناروغ اومحتاج ورور د مشکل په رفعه کولوکي ولګوي،له یوه طرفه به حاجي صاحب د خپل مسولیت په ترسره کولو له لوي اجر څخه برخمن شوی وي او له بل طرف څخه به محتاج او ناروغ ورور له مشکل څخه خلاص شوي وي،چي په همدغه صورت کي به حاجي صاحب ددوه چنده ثواب مستحق شي.

که نفلي عبادات په لازمي او متعدي،یا انفرادي او ټولنیز باندي تعبیر او تقسیم شي،لازمي لکه حج،عمره او.... او متعدي لکه مسجد،مدرسه،ښوونځي،پل او روغتون جوړول،له قریب،همسایه، غریب،عالم،طالب او مجاهد سره مالي او ځاني مرسته کول، نو په لازمي عبادت کي خو فاعل ته ثواب وي،اما بل چاته یې ګټه نه رسیږي،مګر په متعدي عبادت کي د فاعل له اجر سره بل کس ته هم نفعه رسیږي،په بل عبارت کوم کس که نفلي حج وکړي اجر یې تر ده پوري محدود دی او که حاجي صاحب د نفلي حج لګښت دخپل قریب،ګاونډي،مجاهد،طالب، ناروغ اومحتاج ورور د مشکل په رفعه کولوکي ولګوي،له یوه طرفه به حاجي صاحب د خپل مسولیت په ترسره کولو له لوي اجر څخه برخمن شوی وي او له بل طرف څخه به محتاج او ناروغ ورور له مشکل څخه خلاص شوي وي،چي په همدغه صورت کي به حاجي صاحب ددوه چنده ثواب مستحق شي.

د مولانا تقي عثماني صاحب خبره ده چي که د یو کس مور ناروغه وي او د زوی خدمت ته محتاجه وي،خو زوی یي نفلي لمنځونه کوي او دمور خدمت ته چنداني پام نه کوي،نو همدغه لمونځ دنوموړي شوق دی،نه داجر ګټلو هڅه،ځکه که خبره د ثواب ترلاسه کولو وي نو بیا خو د مور خدمت تر نفلي لمنځونو ستر عبادت دی او ډیر ثواب لري، ددې لپاره چي عبادات مو فقط د شوق په محدوده کي ایسار نه شي،د نورو چارو ترڅنګ په نفلي عباداتو کي هم باید لومړیتوبونه مراعات کړو.

د مولانا اشرف علی تهانوي رحمه الله دا معمول ؤ چي هره میاشت به یې دخپل عاید څخه د ټولنیز خدمت اوخیریه چارو لپاره څه حصه بیلوله او خوندي کوله،کوم وخت چي به د مسجد اوپل دجوړیدو او یا کوم بل ټولنیز ضرورت دترسره کیدو اړتیا شوه، نو تر ډیرو خلګو به پکي د تهانوي صاحب رول حیاتي او جوت ؤ.

دامام ابو حنیفه رحمه الله د ژوند حالات مو ترسترګو لاندي تیر شوي،د خپلوانو، شاګردانو او عامو محتاجو مسلمانانو سره یې څومره مرستي کولي؟، ځینو شاګردانو دخپل مشفق استاد امام اعظم صاحب په مالي کومک ګوزاره کوله،حتی له ځینو طالب العلمانو سره که د امام صاحب مالي مرستي نه وای،شاید دعلم له حصول څخه بیخي برخي شوي وای.

راځئ! له مولانا ایدهي رحمه الله یې زده کړو او د اسلافو لار تعقیب کړو، سر له نن څخه دخپل توان مطابق پر لازمي نفلي عبادت متعدي عباداتو او اجتماعي خدمتونو ته ترجیح ورکړو،د لاس تنګو،ناروغانو، یتیمانو او طالب العلمانو سره د مرستي لپاره مرستندویه اداري جوړي کړو او هغه شتمني او وخت چي په انفرادي عبادت کي یي لګوو،په ټولنیز خدمت او له اړمنو او ناروغانو سره په همکارۍ کي یې مصرف کړو،په دي سره به هم د مریضانو،مسکینانو او یتیمانو دخوښۍ سبب او د دعاګانو څخه برخمن شو او هم به ځان ددي مبارک حدیث مصداق وګرځوو چي: »خیر الناس من ینفع الناس«ژباړه: په خلګو کي غوره هغه څوک دی چي نورو خلګو ته یې ګټه او نفعه رسیږي.



اسد الله رحمانی

شکست امریکا در جهاد و قیام ملت قهرمان ماست!

کشور مسلمان نشین افغانستان که از اوایل قرن هجری تا اکنون به نور درخشنده اسلام ابتدا توسط صحابه بعد توسط تابعین و تبع تابعین، مجاهدین غیور امپرطوری های بزرگ اسلامی مزین بود مدت مدیدی میشود که دست خوش اشغال قرار گرفته و همانا نقطه مهم برای دنیای کفر محسوب میشود.

اینکه چرا مردم مسلمان نشین افغانستان و موقعیت استراتیژیک این سرزمین اسلامی مورد توجه دنیای کفر قرار گرفته نیاز به یک نوشتار طولانی و تحقیقی وسیع دارد که ان شاء لله به مرور زمان به فضل و یاری الله سبحانه وتعالی روشن خواهد شد.

امریکای اشغالگر در اوایل ۲۰۰۱بالای سرزمین مسلمان نشین افغانستان توسط توپ، تانگ، طیاره و هزاران عسکر پلید خویش هجوم آورد.

سرازیر شدن دنیای کفر در افغانستان زمزمه های عجیب دربین مردم داشت، بعضی ها سقوط نظام امارت اسلامی را یک ضایعه بزرگ میپنداشتند، بعضیها آمدن مجاهدین سابق را در حکومت و نظام به فال نیک گرفتند بعضیها معتقد به آزادی کفری بوده مسرور بر حضور کفار بودند.

ولی اصلا فکر مقاومت و جهاد دوباره درذهن شان خطور نمیکرد که قوت و تکنالوجی امریکای اشغالگر همه را به حیرت انداخته بود.

ناخبر ازینکه امیر المومنین ملامحمد عمر مجاهد رحمه الله درآغاز بمباردمان امریکا مژده شکست امریکا را به مسلمانها داد و برای شان اطمینان داد که مجاهدین امارت اسلامی افغانستان علیه تجاوز واشغال دنیای کفر سکوت نخواهد کرد بزودی جنگ های چریکی از قراء و قصبات دور دست علیه متجاوزین شروع خواهد شد.

سخنان آن مرد بزرگ جهان اسلام تحلیل عمیق بکار داشت بسیار اندک بودند آنانیکه این واقعیت را درک نموده و خیال شان را بر جنگ علیه امریکا قانع میساختند.

دیری نگذشت معرکه حق علیه باطل شروع گردید آنجا بود که امیرمؤمنان ملامحمد عمر مجاهد رحمه الله فرمود (بوش مارا به شکست وعده میدهد والله سبحانه وتعالی ما را به پیروزی ما به این ایمان داریم که امر الله سبحانه وتعالی تحقق می یابد)

بعد ازینکه امارت اسلامی افغانستا سقوط نمود مجاهدین گروپ گروپ به قرا وقصبات رفته دوباره تشکیلات جهادی خویش را آغاز نمودند آهسته آهسته زمزمه های جنگ علیه امریکا طنین انداز گردید همان بود که حملات کفر شکن مجاهدین یک بار دیگر شروع شد در تمام افغانستان و اکثر ولایات عرصه بر اشغالگران تنگ گردید همه روزه کشته میدادند همه روزه تابوت های خود را به کشورهای شان انتقال میدادند همه روزه ساحات بالای شان تنگ تر میشد، و مجاهدین در کمترین وقت بیشترین مناطق را فتح نموده نظام شرعی را حاکم و ملت را از شر ظلم و دموکراسی کفری در امان نگه می داشتند.

بلی! همانجا بود که یک بار دیگر بمباردمان وحشیانه دنیای کفر بالای مردم بی دفاع اوج گرفت ملت مظلوم افغانستان روزمره قربانی بمب های خوشه ای و فاسفورسی دنیای کفر میگشتند ولی هرگز سرتسلیم به سردادگان کفر پائین نمیکردند.

ناتو به سرکردگی امریکا ولایت های افغانستان را بین هم تقسیم نموده هر ولایت را به کشور از دنیای کفر سپردند اجیران داخلی فقط نظاره گر جریانات بودند و تماشاگر صحنه دیگر هیچ چیز از دست شان نبود.

مجاهدین نام نهاد دیروزین که صدا وغرش شان مردم را به وجد می آورد با سرخم نمودن به نظام کفری دموکراسی آهسته آهسته حیثیت خود را از دست دادند از کنج وکنار علیه شان ایستادگی می شد حریفان دیروز و سکولران امروز جرئت یافتند تا با استفاده از فرصت علیه مجاهدین دیروز و فروخته شده گان امروز زبان درازی کرده گاه آنها را ناقصین حقوق بشر مینامیدند و گاهی خواهان محاکمه شان شده صدها توهین برای شان روا میداشتند.

همان بود که پرده غلامی شان دریده شد و ملت مظلوم افغانستان ازمکر شان آگاهی یافتند و آنها را به مرور زمان رها میکردند و با مجاهدین امارت اسلامی بگونه مستقیم وغیر مستقیم همکاری نموده آغوش خود را برای مجاهدین علیه امریکا باز و استقبال میکردند.

بلی! شکست های ننگین و تلفات سنگین عساکر دنیای کفر افکار عامه کشورهای شان را علیه حاکمان شان شورانید همان بود که ملتهای شان خواهان برگشت فرزندان شان از افغانستان شده و جنگ افغانستان را شکست ناپذیر عنوان نمودند.

آنجا بود که دنیای کفر سیاست فریبکارانه خود را به کار انداخت بخاطر اغوای افکار عامه شعارهای خروج تدریجی را سر داده و جدول زمان خروج را برای صدها هزار نیروی نظامی وغیر نظامی خود از افغانستان طرح ریزی نمود.

لکن هرگز از صحنه های نظامی عقب نشینی ننمود، در ولایت هلمند و سایر ولایت های جنوب و شمال افغانستان مردم مظلوم ما شاهد هستند که در اکثر علمیات های بزرگ حکومت دوسره جانکیری نیروهای کفری ناتو یا پشتبانی هوایی داشتند و یا هم قوت های زمینی شان علیه مجاهدین میجنگیدند.

اینها بخاطر اغوای افکار عامه گاهی جدول پایان یافتن عملیات را وانمود میکردند و گاهی طرح خروج تدریجی را به مردم پیشکش مینمودند ولی حقیقت امر در آنجاست که هیچ نوع کاستی در بمباردمان و وحشت های شان به وجود نیامده روزمره مردم مظلوم افغانستان قربانی وحشتناکترین جنایت های لشکر صلیبی در افغانستان می شوند و روزمره ملت مظلوم این دیار شهید و زخمی میشوند وروزمره تروریسم بین المللی در افغانستان از ملت ما قربانی می گیرد .

چندی پیش دشمن ادعا نمود که ما در افغانستان قوت های خود را ازدیاد میبخشیم ولی این سخن دروغ بیش نبود هرگز تعداد شان را کاهش ندادند که اکنون ازدیاد بخشند .

من خود که شاهد صحنه در اکثر جنپ های ولایت هلمند میباشم هرگز ندیدم که دولت کفری دوسره جانکیری بدون پشتبانی قوتهای امریکای و بریطانوی وارد معرکه شوند، بارها توسط رسانه ها نیز بیان گردیده که چندین عسکرخارجی در هلمند قتل و یا چندین تانک امریکای تخریب شده و یاهم هلیکوپترهای ناتو در هلمند سقوط داده شده اند.

اما اگر پرسان شود که شما ختم ماموریت را سال ۲۰۱۴بیان کرده بودید پس چرا یک روز که اکنون دوسال وچند ماه میگذرد بدون ماموریت در هلمند نبودید؟

چرا تا اکنون مراکز شما در منطقه دویر گرمسیرو شورآب نادعلی و مرکز لشکرگاه بسته و تعطیل نشده اند؟



چرا تا اکنون شما توسط تانک های تان به دشت های نادعلی و مارجه بخاطر ماموریت نظامی بیرون می شوید؟

چرا هلیکوپترهای نظامی شما تا اکنون از مردم مظلوم ما قربانی می گیرند؟

ای ملت غیور افغانستان بیدار شوید و بدانید دنیای کفر را به زور بازو توسط بمب و باروت و استشهاد از این سرزمین می توانید بیرون برانید و به زباله دان تاریخ فرو ریزید بدون آن محال است که اینها توسط جدول های نمایشی از افغانستان بیرون شوند.

اکنون این امریکای جنایت کار است که دست اش به خون همه امت اسلامی سرخ گشته و نظام کفری خویش را بالای مسلمانها بزور تانگ و طیاره تطبیق میکند، ای ملت قهرمان، بشتابید به میادین جهاد و اسلحه بردارید و علیه این نظام کفری و طاغوت عصر و شیطان بزرگ به مبارزه برخیزید و نگذارید که بیشتر یکه تاز میدان باشد .



خیر الدین بربروس؛

بزرگترین مجاهد دریایی در طول تاریخ

ترجمه: سعد الله بلوچ

یکی از رخدادهای خوشحال کننده و در عین حال ناراحت کننده این است که دشمنان اسلام بجای مسلمانان تاریخ و تمدن آنها را مورد مطالعه قرار می دهند از همین جهت است که بسیاری از کتاب های تاریخ، میراث فرهنگی و دانشنامه های بزرگان را خاورشناسان جمع آوری نموده و ترتیب داده اند و چاپ نموده اند. آنها این کار را بخاطر محبت به اسلام و یا بخاطر بحث علمی نکرده اند، بلکه بخاطر ضربه زدن به اسلام و اهل اسلام وبزرگان گذشته کرده اند. آنها به راحتی می توانند در این کتاب ها حقائق تاریخ را تحریف کنند و به جای آن دروغ های خود را رواج دهند و اشتباهات کوچک را بزرگ کنند و این چنین نقطه ضعف ها را اعمده کنند و این چنین مسلمانانی که آینده می آیند از علم آنها استفاده می کنند و عینا همان چیز را تکرار می کنند و مانند بلبل دروغ های همان خاورشناسان را بازگو می کنند.

قهرمان داستان ما هم کسی است که دشمنان اسلام با دروغ ها، تهمت ها و سخن های زشت شان، بسیار تلاش کرده اند که از او چهرهٔ زشتی به نمایش بگذارند تا جایی که یاد خوش ایشان از میان رفته است و فقط اوصاف بدی از او به ذهن ها مانده است، لذا وقت آن رسیده است که آنها را باید اصلاح نمود.

دو برادر: عرّوج و خیر الدین؛

اصل نسب این دو برادر مجاهد »عرّوج و خیر الدین «به ترک های مسلمان بر می گردد که پدر آنها " یعقوب بن یوسف" می باشد که از بازماندگان ترک هایی هستند که در جزیره " مدللی " -یکی از جزیره های ارخبیل- ماندگار شده بودند، و مادر آنها یک بانوی مسلمان اندلسی - اسپانیایی -بود که در تربیت جهادی آنها نقش موثری داشت که آنها را برای جهاد فی سبیل الله علیه صلیبی های اسپانیایی و پرتغالی ذهن سازی نموده بود.

تاریخ نویسان صلیبی به خصوص مستشرقین و خاورشناسان خیلی کوشیده اند که جهادآن دو برادر مجاهد را نا خالص نشان دهند وآن دو را به عنوان دو دزد دریایی معرفی کنند، اما تاریخ نگار جزائری " احمد توفیق مدنی " به صحت نسب آن دو بزرگوار پی برده است، اما متاسفانه واقعا جای غم و نگرانی است که بسیاری از منابع اسلامی معاصر اسلامی در همین اشتباه خاورشناسان افتاده اند و آن دو مجاهد بزرگ را دزد دریایی معرفی کرده اند.

جهاد دو برادر ضد صلیبي ها:

دو برادر عروج و خیر الدین از کودکی با راهنمایی مادر اندلسی شان به جهاد دریایی پرداختند به خصوص بعد از تسلط اسپانیایی ها و پرتغالی ها بر دریای مدیترانه و اشغال چند بندر در شمال آفریقا که آن دو برادر توانستند برای خود گروهی درست کنند که شامل چند کشتی کوچک بود، و این گروه دستاوردهای خوبی کسب کرد که شر دزدهای دریایی صلیبی ها را که در این منطقه فساد می کردند و مردم را به بردگی می گر فتند، از سر مسلمانان کوتاه کنند و چند جا علیه آنها پیروز شدند، این پیروزیها موجب خوشحالی نیروهای ضعیف مسلمانان در شمال آفریقا شد و باعث شد تا سلطان " حفص " به آنها اجازهٔ اقامت در جزیرهٔ " جوبهٔ" تونس را بدهد، و به این نحو محبوبیت این دو برادر میان مسلمانان آفریقا روز به روز افزایش می یافت، و چند بار آنها را پناه دادند تا از هجوم اسپانیایی های صلیبی در امان باشند. این دو برادر توانستند " جبانه" را در سال هـ از آشغال اسپانیایی ها آزاد کنند تا ایستگاه عملیاتی برای نجات مسلمانان اندلس شود.

پیمان دو برادر با عثمانی ها:

تاریخ پیمان دو برادر با عثمانی ها به سال هـ بر می گردد که پس از آزاد سازی اسکلهٔ " جیجل " هردو طرف به اهمیت پیمان پی بردند، دو برادر یافته بودند که آنها با نیروهای منظمی روبه رو خواهند شد که روز به روز بزرگتر می شود و آنها نیازمند سلاح جدید و کشتی های قوی هستند، و اما عثمانی ها به اهمیت جهاد دریایی علیه صلیبی های اسپانیایی و پرتغالی پی برده بودند چون آنها یک تهدید جدی برای مسلمانان خلیج نشین عرب وهند بودند آنهم پس از اشغال عدن توسط پرتغالی ها در جنوب جزیره به نیت اشغال اماکن مقدسه و نبش قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم.

بعد از بندر (اسکله) "جیجل" دو برادر از همهٔ اطراف محاصره شده بودند، از جهت غرب از طرف حاکم خائن جزائری که سالم تومی نام داشت، واز طرف شرق و غرب از طرف حفصی ها که مزدوران اسپانیایی ها بودند و از طرف شمال هم با ناوگان اسپانیایی ها و سوارکاران یوحنا مواجه بودند، لذا آن دو برادر برای سلطان سلیم اول نامه ای نوشتند و حساس بودن موقعیت را برایش توضیح دادند که او هم کشتی جنگی به همراه سامان جنگی و سرباز برایشان فرستاد که این نیروها نقش موثری در پیروزی عروج و خیر الدین علیه حاکم جزائری داشت که بر او غالب شدند و او را کشتند.

شهادت عرّوج:

شهر " تلمسان " داری موقعیت جغرافیایی حساسی بود که نقش موثری در چرخاندن امور الجزائر داشت که اسپانیایی ها این شهر را اشغال کرده بودند و داشتند مردم علیه آن دو برادر بشورش وا می داشتند، لذا آن دو برادر تصمیم گرفتند که این شهر را با لشکری بزرگ در سال هـ فتح کنند، آنها چنین کردند و توانستند شهر را فتح کنند اما اسپانیایی ها به کمک خائنینی از آل حمود توانستند دوباره شهر را اشغال کنند، و هنگام محاصره و جنگ عروج و برادر دیگرش که اسناق نام داشت به همراه تعداد زیادی از مجاهدین جام شیرین شهادت را سرکشیدند، که این حادثه اثر عمیقی بر خیر الدین گذاشت که تصمیم گرفت حملات رعد آسایی علیه صلیبی ها که هرجا باشند انجام دهد.

الجزائر ولایت عثمانی ها می گردد و فرماندهٔ آن خیر الدین:

اهل جزائر به خطرناک بودن موقعیت در سایه‌ی تهدیدهای خارجی ها و سستی حکومت محلی پی برده بودند، و نیز بسیاری از آنها نسبت به صلیبی ها که غلام های آنها شده بودند و به دین وملت و امت خیانت کرده بودند، لذا روسای شهر جمع شدند و تصمیم گرفتند برای سلطان سلیمان اول که به تازگی جانشین پدرش شده بود نامهٔ مهمی ارسال کنند و در آن نامه خواستار شده بودند که الجزائر زیر سلطه عثمانی ها شود، خیر الدین خواست تا خودش به ملاقات سلطان برود اما اهل شهر التماس کردند که این کار را نکند چون ترس آن می‌رفت که صلیبی ها حمله کنند، لذا به خواستهٔ آنها پاسخ مثبت داد و بجایش فقیه ابو العباس احمد بن قاض که از بزرگترین علمای الجزائر بود را فرستاد، اهل الجزائر همیشه از عروج به نیکی یاد می کردند که چگونه با صلیبی ها جنگید و تا موقع شهادت از دین و جهاد حمایت نمود، در نامه موارد زیر ذکر شده بود:

- پیوستن الجزائر زیر سلطهٔ عثمانی ها که آغازش از سال هـ بود؛
- فرمانروای آنها باید خیر الدین باشد؛
- جریان جهاد از آنجا علیه صلیبی های اسپانیا و پرتغال.

سلطان هم این شروط را پذیرفت و خیر الدین را به عنوان فرمانده و فرقه هایی از انکشاریه را برای کمک او فرستاد و به زیر دستان خود اجازه داد که هر کسی خواست می تواند برای جهاد به جزائر برود با همهٔ امتیازاتی که دیگر سربازان داشتند به آنها هم می رسید.

تلاش های خیر الدین برای نصرت دین:

پیشروی خیر الدین کارهای زیادی بود که باید آنها را انجام می داد، بایستی که در یک وقت در دو جبهه می‌جنگید:

نخست با اسپانیایی های صلیبی که بر ورودی های الجزائر مثل " عنابه"، "قاله" و " حصن بنیون" قرار داشتند، خیر الدین هم به یاری الله متعال توانست که این ورودی ها را تصرف کند و شهر را در سال هـ از لوث بازماندگان صلیبی ها پاکسازی نماید.

و جبههٔ دوم با مزدوران داخلی خائن بود که در توطئه های بنی زیاد و حفصی ها ودیگر قبائل کوچک که صلیبی ها را کمک می کردند، آنها می‌خواستند یکپارچگی صف مغرب میانه را از هم بپاشند و حکومت حفصی ها که از زمان موحدین تا بحال ادامه داشت به سبب اختلاف های داخلی سست و ضعیف شده بود تا اینکه این خانواده تکه تکه شده بود و یکی از امیرانش که رشید نام داشت پیش خیر الدین آمد و علیه برادرش حسن بن محمد از او کمک خواست. خیر الدین هم این را بهترین فرصت برای از بین بردن این خانواده شوم دانست، خیر الدین برای سلطان سلیمان پیغام مشورتی فرستاد که صلاح دید ایشان در رابطه با پیوست تونس به خلافت عثمانی ها چیست، سلطان هم با این نظریه موافقت نمود و همهٔ ناوهای جنگی عثمانی ها را برایش فرستاد، و همگی به تونس حمله نمودند که سلطان خائن آن در دم فرار نمود و به اسپانیا پناه برد، و از شارلکان (کارلس پنجم) در خواست کرد تا مجددا تونس را اشغال کند تا دوباره به همان جایگاهی که قبلا داشت بر گردد، و این چنین اند خائنان که دین، ملت، آبرو و ناموس شان را بخاطر حکومت فانی وملک فریبنده می فروشند و کسی که تعهدنامهٔ خائن حسن بن محمد که با شارلکان بسته بود را بخواند، مقدار خیانت او آشکار می شود، متن توافقنامه چنین بود:

– اینکه حسن شهرهای بزرگی چون " المهدیه" و " بونه" را به شارلکان بدهد.

– اینکه به سوار کاران قدیس یوحنا سرسخت ترین دشمنان اسلام هم پیمان باشد و به آنها کمک کند.

– اینکه با عثمانی ها دشمنی کند و با آنها در الجزائر و المغرب بجنگد.

– اینکه خرج دو هزار سرباز اسپانیایی که به عنوان حامی شهر باقی می مانند را بدهد.

با درخواست او فورا شارلکان موافقت کرد و لشکر بزرگی با ناوهای جنگی خود را حرکت داد و خودش فرماندهی جنگ را به عهده گرفت، خیر الدین نتوانست او را شکست دهد لذا تونس دوباره در سال در اشغال او در آمد و خیر الدین مجبور شد به سوی الجزائر عقب نشینی کند اما خواست تا انتقام سختی از شارلکان بگیرد.

به همین خاطر به کاروان های بلیار اسپانیایی و پرتغالی یورش برد که آنها طلا و نقره و برده حمل می کردند لذا خیلی از نصرانی ها را به بردگی گرفت، و با این ضربه کل اروپا تکان خورد و شارلکان احساس کرد که قدرت خیر الدین تا بحال پابرجاست، وقتی خیرالدین این دست آوردها را کسب نمود سلطان سلیمان اول تصمیم گرفت که خیرالدین را وزیر دریایی عثمانی ها در همهٔ جاها قرار دهد و به همین منظور وی را به استانبول خواست از آن پس خیر الدین فعالیت‌های خود را به سمت شرق دریای مدیترانه شروع کرد.

تا مدت مدیدی خیر الدین برای صلیبی های اروپا و اسپانیا به عنوان کابوسی شده بود که آرامش را از آنها سلب کرده بود تا جایی که اگه باد تندی می وزید یا صدایی می شنیدند داد وفغان آنها بلند می شد و می گفتند خیر الدین می آید، و تا جایی آنها می ترسیدند که اگر جایی دزدی می شد یا یک چیزی ویران می شد یا حتی مرض و وبایی پیش می آمد می گفتند کار خیر الدین و لشکریانش است.

خیر الدین فرماندهٔ ناوگان عثمانی ها:

سلطان خلافت عثمانی سلیمان اول، خیر الدین را به عنوان فرماندهٔ عمومی ناوگان خلافت عثمانی قرار داد، و او را دستور داد تا از سمت شرق دریای مدیترانه جلوی نفوذ اسپانیایی ها و شارلکان را بگیرد، سلطان سلیمان با فرانسوی ها دشمن سرسخت اسپانیایی‌ها، هم‌پیمان شد و خیر الدین شهر " مارسیلیا" را به عنوان پایگاه نظامی خود قرار داد، و او فرماندهٔ مشترک ناوگان عثمانی ها و فرانسه ای ها شد و به اسپانیایی ها ضربات کوبنده ای وارد ساخت و تعداد بی‌شماری از آنها را به بردگی گرفت و فروخت تا جایی که به علت کثرت آنها، قیمت آنها خیلی کم ارزش شده بود و به ناچیز ترین قیمت فروخته می‌شدند.

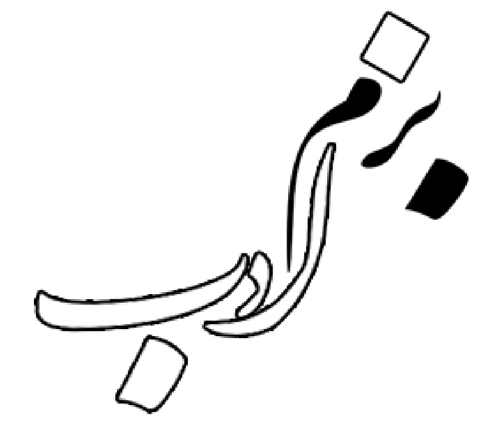
وفات خیر الدین:

خیر الدین پرچم جهاد را بر افراشته نگهداشت، و دبدبهٔ شارلکان و اسپانیایی‌ها را تار و مار کرد، و علیه صلیبی ها جنگ‌های خیلی زیادی را به راه انداخت تا جایی که برای دشمنان اسلام کابوسی گشته بود و خواب را از چشم‌های آنها ربوده بود، و تاریخ هم بسیاری از مواضع جانانه وقهرمانهٔ او را برای ما حفظ نموده است که آنها نشانگر بُعد ایمانی او در جهاد هستند، وقتی شارلکان الجزائر را بعد از شهادت عرّوج محاصره کرده بود، خیر الدین با عزمی راسخ تر از قبل برای لشکریانش این آیه را تلاوت نمود: إن تنصرو الله ینصرکم و یثبت أقدامکم

پس از آن فرمود: بی تردید مسلمانان شرق و غرب برای شما دعای موفقیت می کنند؛ زیرا پیروزی شما، پیروزی آنهاست، و اگر شما این صلیبی ها را نابود کنید مقام مسلمانان و اسلام بلند می‌شود.

خیر الدین تا آخرین لحظات زندگی اش مجاهد باقی ماند تا اینکه در سال هـ در بستر وفات نمود با وجود اینکه در طول زندگی اش در جهاد بود و برادرش هم شهید شده بود.

۲۳ رمضان المبارک ۱۴۳۷ ه.ق





بلینه بدرۍ

خپله سوځم مې شعرونه ،بیله بیله ورته ژاړم
پکې وریت شي ټول یادونه ، بیله بیله ورته ژاړم

نه پوهیږم ستا به کوم وي خو د درستې قافلې زه
ښکلوم د پښو خاپونه ، بیله بیله ورته ژاړم

بیله بیله کتیبې د هر شهید ژړکوټي لولم
ګرځم ګورمه قبرونه بیله بیله ورته ژاړم

یوه ډله ګلورین په تکبیرونو په لار راشي
وي تړلي پې بمونه، بیله بیله ورته ژاړم

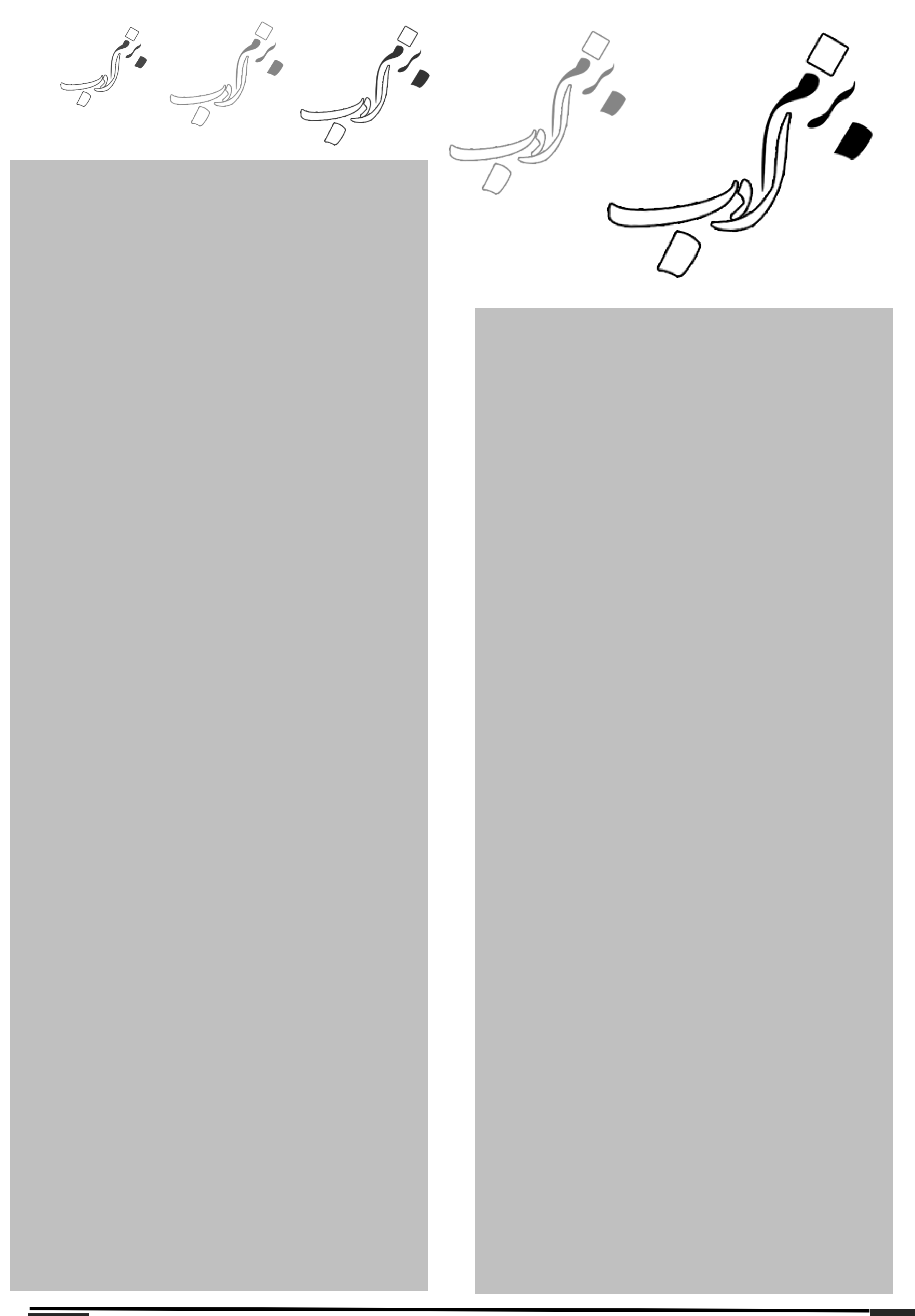
ځای په ځای کې هدیرې وي فلسفه د کربلا وي
ګیر چاپیره وران کورونه بیله بیله ورته ژاړم

من از تکفیرمی ترسم

راشد مبارز

من از تکفیرمی ترسم من از تکفیر می ترسم
ازان کودک که می پوشد لباس پیر می ترسم
منم مسلم منم مؤمن، زکافرهیچ خوفم نیست
ولی از دست مؤمن های بی تدبیر می ترسم
فدای دشمنی گردم، که پیکـارش هدف دارد
زآن یاری که در غفلت، زند شمشیر می ترسم
من ازآن خشک مغـــزانی، که از نادانی مفرط
بجای دشمنان،بادوست، شوند درگیر می ترسم
من ازآن مسلمی ترســم، که بافکر عقیم خود
بوقت کشتــن کودک، زنــد تکبیــر می ترسم
بود خوفم ازآن غافل، که پیش ازفهم منظورم
دهد فتوا حماقت وار، کشد شمشیر می ترسم
نشسته پشت لپ تاپش، دهد فتـوای کفر آزاد
بهرکس که مخالف شد، زند چند تیر می ترسم
اگر امت همه یکســــــر، کنند انکــار بر آنهـــا
نباشد فرق شان، یکسر، کنند تکفیـــر می ترسم
بودلازم که این جهال، شوند درنطفه اش خنثی
اگر این احمقــان دهر، شوند تکثیــر می ترسم
نه ازطاغوت می ترسم نه ازتابوت می ترسم
من از کافر نمی ترسم، من ازتکفیر می ترسم
سخن کوتاه کن"راشد" که زین جمع پریشاندل
جوان باشد همی ترسم چوباشد پیرمی ترسم

دوشنبه ۱۳شوال ۱۴۳۷


بزم ادب

له انګریزي ښکېلاک څخه د خپلواکۍ د ترلاسه کولو د ۹۷ یمې کلیزې په مناسبت د اسلامي امارت اعلامیه

د اسد (زمري) د میاشتې ۲۸مه نیټه ، د افغانستان د خپلواکۍ د ترلاسه کولو ورځ ده ، په دې ورځ افغان ولس د لویې بریتانیې د انګریزي ښکیلاک له یرغل څخه آزادي ترلاسه کړې.

څه کم یوه پیړۍ وړاندې هغه مهال چې افغانستان د انګریزي ښکیلاک تر غیرمستقیم اشغال لاندې و او د اوس په شان د هیواد سیاسي اختیار، کورنۍ او بهرنۍ پالیسي او ډېر اختیارات د اشغالګرو برتانویانو لخوا اشغال شوي وو په ۱۲۹۸ لمریز کال د افغانستان مجاهد اولس د خپل غصب شوي استقلال د بیرته راګرځولو لپاره مسلح جهاد پیل کړ او له انګریزي ښکیلاک سره په ځلورو جبهو، کندهار، پکتیا، ننګرهار او کونړ نورستان کې وجنګېدل چې د بریمن جهاد په پایله کې یې انګریزي ښکیلاک ته شکست ورکړ او د افغانستان د خپلواکۍ په رسمیت پیژندلو ته یې اړ کړ. ترڅو چې د ۱۲۹۸ لمریز کال د اسد د میاشتې په ۲۸ نیټه افغانستان د بشپړ مستقل هیواد په حیث اعلان او د انګریزي ښکیلاک له هر ډول پټ او ښکاره اشغال څخه یې نجات وموند.

د خپلواکۍ او آزادۍ لپاره د قربانۍ د همدې ستري ورځې په مناسبت د افغانستان اسلامي امارت خپل مجاهد او پر آزادۍ مین ولس ته د زړه له تله مبارکي وايي .

لکه څنګه مو چې هیواد له انګریزي استعمار او بیا له روسي ښکیلاک څخه د تاریخي قربانیو په پایله کې نجات وموند؛ همدارنګه هیله مند یو چې دا ځل د امریکایي او د هغوی د متحالفو یرغلګرو څخه هم د الهي نصرت په برکت خپلواکي او آزادي ترلاسه کړي .

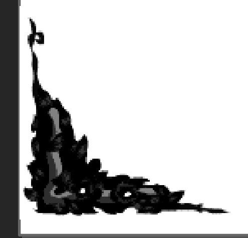
که له یوې خوا د هیواد روان وضعیت ته ګورو د تأسف ځای دی چې د ګران هیواد د ازادۍ نیټه په داسې حال کې استقبالوو چې هیواد مو یوځل بیا د نړیخورو اشغالګرو تر یرغل لاندې دی؛ خو بل اړخ ته په پام سره د شکر او حمد ځای دی چې افغان میړنی او غیرتي ولس لا هم هغه پخوانی ولس دی، هماغه ایمان او د خپلواکۍ غوښتنې احساس لري چې د خپل محکم ایمان او خپلواک فطرت د غوښتنو په مبنا یې په تش لاس د نړیوالو اشغالګرو په خلاف جهاد پیل کړی او په نتیجه کې یې دا ده امریکا هم د پخوانیو یرغلګرو په څیر له ماتې او رسوايۍ سره مخ ده، په زرګونه عسکر یې وژل شوي، اقتصاد یې په ګونډو شوی او نړیوال حیثیت یې له منځه تللی دی.

د خپلواکۍ د ورځې د لمانځلو له فرصت نه په استفاده اسلامي امارت پر هغو افغان نما څیرو چې له اشغالګرو سره یې د خپل اسلامي هیواد او خاورې په اشغال کې مرسته کړې او لا هم په څنګ کې ورسره ولاړ دي غږ کوي چې نور دي په افغانستان کې د اسلام ضد او پردیو مفکورو له واردولو څخه ډډه وکړي، د اشغالګرو مرسته دې پرېږدي، د کمونستانو له ماتې اوشرمیدلي حالت څخه دي عبرت واخلي، نور دي د خپل ولس او دین سره خیانت او جفا نه کوي او له خپل مجاهد ولس سره یوځای دې د اسلامي نظام د نفاذ او د وطن د ازادۍ په لاره روان شي .

د افغانستان اسلامي امارت

۱٤۳۷/۱۱/۱٤هـ ق

۱۳۹۵/۵/۲۷هـ ش ـ 2016/8/17م





Islamic,political & Jihady bimonthly Magazine

منم مسلم منم مؤمن، زکافرهیچ خوفم نیست
ولی از دست مؤمن های بی تدبیر می ترسم
فدای دشمنی گردم، که پیــــکارش هدف دارد
زآن یاری که در غفلت، زند شمشیر می ترسم
من ازآن خشک مغــــزانی، که از نادانی مفرط
بجای دشمنان، بادوست، شوند درگیر می ترسم
نه ازطاغوت می ترسم نه از تابوت می ترسم
من از کافر نمی ترسم، من ازتکفیر می ترسم